فهرستنامه
شریعتی
۱۳۸۸/۳/۲

۱۲۸۵ /۱۳/ ۲
بیگم رابطه بیدیه

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب منشآت سکندر بیگم

مؤلف متن نواب سکندر بیگم محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر ۱۳ ق نوع خط شکسته تعداد سطر مختلف السطر

نام کاتب

ل - ۱

موضوع ادبیات زبان فارسی عدد اوراق ۹۹

طول ۲۷ عرض ۲۰ شماره عمومی ۳۳۰۷۴

وقفی ~~خریداری~~ اهدائی مقام معظم رهبری تاریخ وقف بهمن ۱۳۸۴

ملاحظات

بسم الله الرحمن الرحیم

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ایلچی بابی مورخه دوم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی بعد از ...
عزت مآب خلوص نصاب ایلچی بابی محظوظ باشند برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دلی دیوان سکندر قلی را نزد آن عزت مآب
فرستاده شد لازم که بنا بر ... حاضر شده مقدمه دزدی اسباب خود را الکمی نمایید و باقی احوال زبانی دیوان معلوم خواهد بود فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قلی مورخه چهارم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دلی دیوان سکندر قلی ... باشند عرضی مورخه سیوم محرم ملاحظه شد مسند ... قلم ... نمایید
که کره ... از آن شنیده شد ... بابی بخش کره خود از نام سید خان ... اگر ... سید خان باشد اطلاع نمایند
... خواهیم خرید ... را برای دیدنش خواهیم فرستاد و اگر کره از ملک ... بخش ثابت شود ... مسطور ...
نوالقعده ... بهار ... رسید ... سرکار ... واسطه ... بخش و غیره ... مورخه چهارم ... شهر ... مذکور

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه چهارم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
... باشند ... و اشتهارهای ... رسید ملاحظه گذشتند ... مطلب ... در یافتیم
... از ... سفر ... هنوز ... معذور بوده ... خواتیان را حسب الرقم ...
روانه کردیم ... رسید ... ثابت گردید ... و جهش ...

برگذارید

برنگارند و تا ... ام بقای ... علاقه ... گذاشته باقیدار ... روپیه قرار داده در علاقه ... موافق
... بواسطه ... مذکور را در انجا ... نمایند تا باقی مذکور ... گرفته با پدر رسانند و نعرضی مثال ملاحظه
در آمد جوابش از خط دیوان ... معلوم خواهند شد صد ... حیرالدین انصاری ... را اقدم ... داشته ... شده
داده بودند ... فقط

نقل خط جمال الدین بنام منشی شهامت علی مورخه ششم محرم سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی مشفقا ... شفیق و مهربان ... مخلصان
منشی شهامت علی ... را ... بعد سلام ... الاسلام ... محبت تخمیر باد در اینولا از روزیکه حکم جناب ... صاحب بهادر
... جناب ... صاحب بهادر در بهوپال برای ... سال ... سرکار ... دام اقبالها ... شرف نفاذ یافت مقدمات
متعلق بامور کار انگریزی بود ... و تحریر ... ایشان از قدیم بواسطه فقیر جاری ... معطل و نه نشین شدند ... اکثر اوقات
صرف بیکاری است در این صورت شوق انگریزی که از مدتی مکنون خاطر فاتر بود در سر فزون تر افتاده و بهم رخصت و اجازت
تا تحصیل ... از آقای نامدار در یافتیم معلمی که بزبان انگریزی و فارسی و اردو استعداد ... باشد و از محاوره ... آگاه
... مشفق ... معرفت ... اگر تکلیف ... از شبانه روز ... مزاج شفقت امتزاج باشد
بهم اجازت از آقای ... در یابید ... و الا ... نامه ... اعلام نمایید که جای دیگر فکر
کرده آید چونکه این تکلیف دوستانه ... نه از کار سرکار ... بلکه ... عطوفت ... ممنون ... است فقط

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ریاض محمد خان ... محمد خان مورخه نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
... ریاض محمد خان ... محمد خان سلمهما الله ... رسید ... ملاحظه گذشتند ... در جنگ کشته
... مرقوم بود ... در اینجا ... معرکه ... نیست ... حقیقت ... ایشان ... نمایید ... بجا آید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی ویارام مورخه نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ هجری قدسی

ویارام منشی ویارام محفوظ باشند بسیار از عرضی که هر روز در دیوان سکندر بنا حوض پانی در باب

مرتبه منفقه حالی صاحبه تعلق بتناقض منگلارسان از روب بهوان بهوپال به زمین در آمده اند چنان منکشف شد

که هر چه صورت رها نیدن بروبکار سرکار از رسا بهوان لسلسلم تکر بود خواهد آمد بهمان وضع از رسا بهوان بهوپال از

بهمان حج و دید او بر بالصفیه لسمان مذکوره که جوی ایشان از رسیدن حالیان لسلسله مکر [illegible] فیصل کردم بتبدیل بسیت

شرافت پناه حکم جواب نقشه دلسیلیا منشی سنبله لدرج بهمان دستور فیصله بهوان بهوپال [illegible] کردم در رسید کرده مقدم فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عالمان بهوری مورخه چهاردهم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ هجری قدسی

تهور و شجاعت دستگاه شرافت و نجابت دستگاه صالف جنت علام محمد خان محفوظ باشند جمع عرضه و لفقرید گه بهوری [illegible] رسید پس صاحب

خاص و فن نه لفظ منت پناه صاحبان خیرالدین اللضار زمانیکه از جامسید را بنجا خوانند رسید نشد از او پناه خواهم فرستاد و مید مجمعه

بسیک لفظ کرده چند امر او نجابت مخالف لسلسلم مکر و این آن بوده بندان لخاب پناه بر عی درین ستید برای کار رآمدند نیز او کار وجه نوتی

داد کار ساده وجه آن و او کار جند ایشان وجه شان از روزه دسته اگر بیفا انجیس رسوم بنا بمحفوظ خاطر عاطر مبتلا به کلب مسعود فقط

برای انتقام الحاکم بود لصباح بپاس شرافت پناه صورت عید است وطرفه تر آنکه چهار روبیه شکرانه از تحفه مخنث شد گرفتید

معاذ الله من ذالک بل الازم الا بود الخبیث را انتقام است بعلی مخنث بودن از تمام حد می رانند بدخبر این باز طرح دلو ام انتدع

از جنس اغیات و او بهت احتراز تمام دارید بآن درجه اگر نیز مخنثان منتدعی مریدی باشد اعلاس بتهدید کنید اگر توبه مخنث جوابی کرد

تراز اینجا نیز جوابم راند و با وجه خیرات بحالت لله فقیر آینده هر چه باقی ماند بدار الهند و غیره مقرر کرده و نواح را بمه صرف مخناجان

باشید از آن تکلیفه مقرر ساخته نداشته باشند و بازار روز عید الضحی نصب کرده باشید زیرا که ما هم در بد سواره اسلامی مکر و غیره

بجهان روز نصیحت ساریم نه روز دسته و در تکیه مدد و تا گوسپند جمع روز عید الضحی بنوع مقرر کردیم که با مخلصان طرح از اینها بدهید قربانی را

قربانی کنید دستی سرکار ذمه اش میبان نادار درجه بکرا نفت صد و سیزده روبیه و شش و شش آنه و با و بالا برآورده الا کا بیان را

علاقی کنید

دفتر قیمت در کتاب اسامی با مقدار جنسان در باید و الدین آن مرده باشند و او آورده باشد که طلبه دوازده و سیزده ساله گردد

آن را در سرکار برسانید علیوض بانقی و الا بیش فقط

نقل رقعه نواب سکندر بیگم صاحبه ادام الله اقبالها بنام قاضی نظام الدین مورخه یازدهم شهر محرم سنه ۱۲۹۶ هجری قدسیه

شرافت پناه قاضی نظام الدین محفوظ باشند عرضی فرستاده ایشان رسید احوال معلوم گردید اینجا کار سپاهگری نسبت سواران نواب

را ایمن قدر باید گفت که تا وقتیکه حکم سرکار ما نباید توقف نمایند بعد صدور حکم بر طبق آن عمل باید نمود فی الجمله تا رسیدن حکم از اینجا

ایشان را متوقف دارند فقط

نقل رقعه نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام سکندر رتی مورخه یازدهم شهر محرم سنه ۱۲۹۶ هجری قدسیه

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دلی سکندر رتی محفوظ باشند شش عدد شیشه و پانزده عدد دیاچه ما پسند نموده ایم و سه عدد شیشه ما صاحب

پسند کرده داشته اند از قیمت این ها اطلاع نمایید اگر قیمت واجبی خواهد بود خواهیم گرفت و الا واپس خواهیم نمود دو روز شده که دیوان

کشن رام خطی در مقدمه بالسیا بمنشی دیارام نوشته است تا حال جواب آن نرسیده از منشی مذکور گفته جواب دلخواه نوشته زود تر

ارسال نمایید و اگر منشی دیارام لیت و لعل کند شما خود نزد منشی شاکر علی رفته بایشان بگویید که زبانی بلکه کتابی معلوم شده بود

که در کوه موضع بالسیا یکی بالی مدفون است لهذا سرکار ما برای دریافت آن آدمی در آن موضع فرستاده اند الحال تحصیل موضع گیر با

نزد میر محمد خان رفته باین معنی اطلاع کرده ایشان بسر علی نام سواری را با دو سوار دیگر در آن موضع فرستاده اند آن سواران در آنجا رحل

میکنند و مردم سرکار ما را از کندیدن جای مذکور منع می نمایند شما برای ممانعت سواران مذکور حکم نواب نام فرستید چرا که کوه مذکور

در علاقه سرکار ما است در علاقه میر محمد خان نیست و خط ممانعت سواران الی موقوف منشی شاکر علی گرفته در عرضی خود ملفوف کرده

ابلاغ دارید و نقل عرضی قاضی نظام الدین که از موضع بالسیا رسیده است هم ملفوف این رقعه میرسد آنهم بنظر منشی شاکر علی در آرند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] شهر محرم الحرام سنه ۱۲[illegible] هجری قدسی
[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] شهر محرم سنه ۱۲[illegible] هجری قدسی
[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] شهر محرم الحرام [illegible] هجری قدسی
[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] شهر محرم الحرام سنه ۱۲[illegible] هجری قدسی
[illegible]

متعلق [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] محرم الحرام سنه ۱۲[illegible] هجری قدسی
[illegible]

نقل رقعه جناب ملک سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر دیارالم مورخه سیزدهم شهر محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
دیار صاحب مدبیار رام حقوق پناه زین قیادت الحکم انجاتبه چو اول کرسی حصه مقدمه اجرا کرده روا معروض عدم ممانعت آرکنند در مکان
مکان مشتبه مدفونه در کوه متعلقه موضع بانسیا علاقه زمینداری سرکار علاقه نواب منیر محمد خان صاحب ... حضور احمقی بنام ... دستگاه
نگار باقی بود حوالی رسید تعجب رو نمود در اینچنین مقدمات ... متنازعه برتقاید اقتام اند تعویق بمیان آمده در وقف
شاید قضایه تکرار گونه برخیزد خیریت اکنون هم منازعت است الصبر در رقعه بنا فیصله مقدمه بنا مقرر ساخته جلد ارقام سازند صورت
دعوی متعلق بودن کوه مذکور در علاقه بانسیا بدین گونه است که اول در حقانی موه المجاد تحت ایشان موضع بانسیا از قدیم الایام باشند
و در همان میان مذکور کاه و چون سرزا از انجا در و مینمایند و موضع بانسیا علاقه این سرکار موضع و جور سالگاه علاقه سرکار حضور عالیه در
قرب مکان مشتبه مدفونه کوه مذکور اند و موضع گوبریا و ... علاقه ... نواب منیر محمد خان صاحب لفاصله ... کوه واقع ... مذکور
هر دو جهت دعوه از ان مکان مشتبه باشند ... فیصله ... بعد فیصله از جانب کنند که مکان مشتبه ... اشتباه ...

در اینباب تاکید دانسته جواب جلد نگارند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر ... مورخه سیزدهم محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
عرض رسید ... یک ماهه اگر ... ایشان ... دیار رام ... بنام ... میر سید ... جواب جلد حاصل کرده
رسانند و در مقدمه ... تحریر رقعه بود جواب رسید ... اکنون جواب ... سیزدهم محرم سنه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر ... مورخه هیجدهم شهر محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر ... باشید ... مطلع برمندرجه گردانید ... جانه حفظ
... دیوان ... جانه ... میشود و ... قرض ... بعد مرحمت میان ... الدین
انتصاب ممکن نیست ... برخوردار ... میکنند آنرا
مطلع باید کرد ... چهار صد روپیه قیمت ... از سرکار ... مسجد ... حضور ... سابق
نزد ... مسجد جامع ... معمار ...

هم در این روز ... و یازده روزه ... علاقه ... از ... باشند و اگر ... شقه را
... وقیمت ... مورخه هیجدهم شهر محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم میر ... حسین مورخه نوزدهم شهر محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
عزت دستگاه منشی ... حسین ... باشند مقدمه کوه بانسیا اگر ... صاحب بهادر ظاهر کرده باشید
تا حکم صدور ... ظاهر نکنید و لازم ... صاحب ... حاضر باشند ... نوزدهم شهر مذکور

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم دیوان سکندر ... مورخه بیست و پنجم محرم سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر ... باشند ... ایشان ... سکندر ...
... کدام است ... حقیقت ... محمد ...
... ساز ... علمای ... مقیم است ...
در مقبره شریف حضور ... اقامت ... صدرالدین خان ...

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه بیست و پنجم شهر محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
... باشند ... شیخ ... صاحب الحکم ... دیوان سکندر ... اقامت ... مبادا که ...
... داده باشند ... حساب ... دیده ... مفصل

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر ... مورخه بیست و هشتم شهر محرم الحرام سنه ۶۰ ۱۲ هجری قدسیه
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر ... باشید ... میر سید
... بگوئید تا ادویه آن با نسخه ... حکیم ... داده ...

برای یک روز بیاید مورخه بیست و سیم شهر محرم الحرام ۱۲۶۰ هجریه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عاملان بهوپال مورخه بیست و هشتم محرم سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

بهو روشی شاه شرافت و نجابت دستگاه خان صاحب علام مخدوم خان قندهاری محفوظ باشند عرضی شرافت و ساده شعاری دستگاه

محمد هارون خان صاحب ملفوف خط اسمی آن بهوپال شاه مصحوب رسانیدش بسعادت اگر رسید جنابه ملفوف بقلم آنرا امید رسانیم

وفادار خطی صاحب جمعیت با شمع خاص نیز فقط

ماه صفر سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام لکهمی چند حکلت سنه مورخه دوم شهر صفر سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

عاملان شاد حضور صدر دستگاه لکهمی چند سنه محفوظ باشند چون که برای راه بهوپال چند قاصد آن بوده باری حضور صدر برخوردار

دم رخصت وصف صفا و بیگناهی و معامله رسی و حق بهت بسیار نموده هم اگر لکهمی ... رسید در خاطر گذرد اگر بود کار الحال

شد مبادا در اینجا هم باشد از منافع لکهمی رعایا و کار برادر بجوار و خواص خاطر خواه بود مورخه دوم شهر صفر سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر قلی مورخه چهارم شهر صفر سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دولت دیوان سکندر قلی جان سلامت باشند عرضی مرسله بر مضمون آن اطلاع داده از راه دلداری

بیر سید که کدام وعده سرکار با تو کرده اند بر چه بگوید هو و چند اید و شرافت و ساده منشی علام حسین را با قلم که بدر آمده

عبادت زینت بخدمت میان فوجدار محمد خان صاحب بر سانید و هم از نواب صاحب معز محمد خان بهادر چنین بخط ان را

بگو بدهی چنین نکار چیست می نامند طیار با نسخه آن و منوقت منشی در باره تصفیه کوه بانسیه از خالصه بکشید بعمل نمایند

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه موسوم دیوان سکندر قلی مورخه پنجم شهر صفر سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دولت دیوان سکندر قلی جان سلامت باشند زبانی شیخ عبد الله کوکا فتح جنگ خان

در یافتیم که ایشان قول خانم صوف را تکذیب نموده یعنی او شان گفتگوی میکردند که جای فیل بار اعتنای سرکار است و در آن رای

مقصدی از راه دعای آنرا از نواب علی بنام خود نوبت بنده ملک خود ثابت میکردند ایشان در اینجا گذشته تصفیه کرده اید

که فتح جنگ خان را سرکار جای مذکور عنایت نفرموده اند پس جواب بی آن بکنید که ترا چه معلوم است که سرکار او شان را عنایت نکرده

ترا لازم آن بود که رعایت قول خانم صوف از همه کس مقدم میداشتی والا سکوت حقیقتاً رتبه تو میخواست بلکه تکذیب

قول ایشان کردی اگر همچنین افعال و اقوال آن بد خصال است از دست کدام افغانی جفت هاخواهی خورد و با مصحب شاه معاصر

اعلام کنید که در محرر الفی عبارت مغلق و رنگین و لغات متین و فقرات و الفاظ مترادف شاعرانه از خواندن شان

وحشت می افزاید نوشته مختصر و مقید بر عبارت عاری تکلیف و صاف بی کم و کاست بوده باشند باب از الفاظ قدح و ذم

سرو کار ندارند تقدیر که بشنوند بر لکهی رند بکوچی بر روزه نوشته باشند زیاده ضروریت و مقدمات است در باقی نگارند

نه احوال بد حالی ممنوع بر عوارضه میکنید اگر کدام حال عجیبیش بشنوید بر لکهی رسید دوا از حسن و اسباب چه حاجت مرتب

بر قدر ضرورتش بود کرفتیم تاریخ ما میر سید بخدمت میان فوجدار محمد خان صاحب برسانید و از شرافت شاه علام مرتضی خان ممدوح

تقدیر چهار پنج سید بار وحشت افزا گرفته بقرستید و نیز از دولت زر کرینه های بیمه و کواغذ دفتر را با قلم برادر دادگاه بحدود

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر قلی مورخه هفتم شهر صفر سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دولت دیوان سکندر قلی جان سلامت باشند عرضی ایشان در تحقیق گفتگوی ایشان

در باب کوکا فتح جنگ خان گر دید با خلوای کاذر عمد حفظه گذشت حقیقتا عرض ایشان سر تا پا صدق بود

پیش از تحقیق از زبان خانم موصوف واضح شد یعنی دوم روز همچنان که [illegible] گفته بود و بدیهی است بیان نمود که اگر
چنین حال خیرخواهی و مراسم شناسی ما زان برخوردار می باشیم [illegible] امتیاز رسید [illegible] مورخه ششم شهر صفر ۱۲

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام قاضی نظام الدین مورخه ششم شهر صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
[illegible] پناه [illegible] شد دو تا عریضه ملاحظه گذشت مندرجه دریافتیم لازم [illegible] ساده را همراه گرفته در حضور حاضر شده

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر [illegible] حسینی مورخه [illegible] شهر صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
عرض [illegible] میر حسینی [illegible] باشد [illegible] صاحب [illegible]
بعد سلام برسانند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] سکندر [illegible] مورخه [illegible] شهر صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه [illegible] سکندر [illegible] باشد [illegible] صدر الدین خان [illegible] ماده [illegible] سلام برسانند مورخه [illegible] شهر مذکور فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم [illegible] صاحب [illegible] مورخه دهم شهر صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
حکمت [illegible] حکیم [illegible] محفوظ باشد عرضی مرسله [illegible] مندرجه مطلع گردانید [illegible] معالجه نواب القاب [illegible] بالالتزام [illegible] مناسب نبود زیرا که [illegible] ظاهر [illegible] سن تمیز [illegible] از نوکران احتراز [illegible] استعمال [illegible] معالجه [illegible] از نوکران [illegible] منحصر بر ذات [illegible] قدرت [illegible] الحکمت پناه

را مقتضی آن بود [illegible] خواهش [illegible] معالجه شان [illegible] اجازت [illegible] گذشت
[illegible] را در خانه خود دخل ندهید و اگر خواهید داد خلاف رضای ما خواهد بود و اگر معالجه نواب القاب منظور [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر [illegible] مورخه دهم صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه [illegible] سکندر [illegible] عافیت باشد عرضی مورخه دهم ملاحظه گذشت مندرجه دریافتیم لازم که فردا با سامان [illegible] منشی [illegible] در حضور حاضر شوید [illegible] باشند [illegible] زنجیر طلائی اگر طیار شده باشد [illegible] از بازار مورخه [illegible] شهر مذکور [illegible]

۱۵
نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام میر [illegible] حسینی مورخه [illegible] شهر صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
عرض [illegible] منشی میر حسینی [illegible] باشد [illegible] را [illegible] باشد چند [illegible] اطلاع خواهید یافت [illegible] سبحان الله [illegible] عجیب [illegible] را با وجود [illegible]
[illegible] باید گرفت فقط

۱۹
نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] میر [illegible] حسینی مورخه نوزدهم شهر صفر سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی
عرض [illegible] میر حسینی عافیت باشد [illegible] بعد سلام اجازت بگیرید تا
معتمدی را با خریطه [illegible] حال سالگره [illegible] دختر [illegible] داده [illegible]

و کیفیت ما ما صاحبه به دو سه پهر رسید مفصل در احد بر کار رسید و معتقد ما نیکه بر بالادن مینا خیر الدین انصاری باب ان

گفته تردیم که ازانجا دریافته مطلع نگردیده فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مقامات [illegible] مورخه [illegible] سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی

مهور و شجاع شاه مراد و نجابت دستگاه فاتح [illegible] علیهم محذوم خانان قندهار محفوظ باشند بعد [illegible] و [illegible]

و مافوق به نوصعکه در الحال [illegible] کرده و بعد چهار [illegible] اگر کار [illegible] نگذارید [illegible]

مال [illegible] و [illegible] و [illegible] همه [illegible] که [illegible] مذکور [illegible] در [illegible] کار [illegible] روپیه [illegible]

والا و خرچ نگیرم خرچ کنید بعد رقعات کار [illegible] به [illegible] و رعایا [illegible] خانه های [illegible] سرکار خواهد بود [illegible] اعلام

کنند [illegible] دیوار های خام [illegible] که [illegible] خانه ها بنا کنند [illegible] و دیوار های خام خانه های [illegible]

طیار کنانیده اسباب خانه های قدیم [illegible] بر چه [illegible] سرکار درست کنید و اجازت دو هزار روپیه [illegible]

یافته اید از الحمد [illegible] و [illegible] صد روپیه [illegible] تمام [illegible] و [illegible] صد روپیه [illegible] اسباب [illegible]

جوپا کنید و [illegible] در [illegible] سررشته بگیرید و اگر [illegible] برسد تعویض کنم [illegible] محسوس [illegible] خواهند

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام عامل [illegible] مورخه [illegible] سنه ۱۲۸۰ هجری [illegible]

مهور و شجاع شاه مراد و نجابت دستگاه علیهم محذوم خانان قندهار محفوظ باشند [illegible]

در [illegible] که [illegible] باطور خان [illegible] اگر [illegible] اعلام کار [illegible] عوض کنند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام مولا بخش [illegible] مورخه [illegible] سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی

فایل الانعام و الاکرام مولا بخش [illegible] بعد از روز رخصت تا الی [illegible] خبر [illegible]

و با الله وعده موعود مراجعت منقضی شده الیفا [illegible] نگردی [illegible] الحال [illegible] در [illegible] بلا توقف ارسال

رای [illegible] بنده حاضر نوید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] مورخه بیست و سوم صفر سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی

مهور و شجاع شاه مراد و نجابت دستگاه فاتح [illegible] علیهم محذوم خانان قندهار محفوظ باشند [illegible] رام [illegible] از

[illegible] رام [illegible] گرفته [illegible] را [illegible] روپیه در [illegible] کنند [illegible]

[illegible] داده [illegible] از [illegible] گرفته [illegible] مورخه بیست و سوم صفر [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه بیست و چهارم صفر سنه ۱۲۸۰ هجری

[illegible] خیر خواه [illegible] مضمون مندرجه عرضی [illegible] محمد سعید خان [illegible] بود

[illegible] فرموده [illegible] اول [illegible] هستم [illegible] سرکار عالیه [illegible]

[illegible] اول [illegible] زیرا [illegible] در محل [illegible] بداده [illegible] و [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] منظور نیست بسیار خوب [illegible] زیرا [illegible] مصداق این [illegible]

شاه مراد [illegible] رازق [illegible] در [illegible] نور [illegible] بیگم [illegible]

[illegible] شده [illegible] حالا [illegible] بسیار [illegible] خود [illegible]

[illegible] زیرا که اعتبار [illegible] اگر [illegible]

[illegible] محمد سعید خان [illegible]

[illegible] گرفته [illegible] بیگم [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام نندرام سنه مورخه ۲۵ ذیحجه ۱۲۶۰ هجری قدسی

عزیز القدر نندرام سلمه بعد دعا معلوم باد از استماع خبر انتقال نور البصر اکرام امین جهان گذران قلق رنج دست داد لیکن

از آنجا که از تقدیر قضا حکم قادر تقدیر هیچ بشر را علاج و مجال دم زدن نیست ناچار بر راه صبر و رضا میش گرفته

امید وار است که بشما هم صبر علیم دهد در هرحال از سکینه قلبی و تسکین خاطر غافل نباشند زیاده والسلام

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر شاه مورخه ... سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

بعد دعا سعادت اطوار خیر خواه دولت دیوان سکندر شاه بخیریت باشند ... علیم

تعزیت ... کنند و بعد بکر... امید ... مقدمه ... حضور ان ... در روضه

... با جواهر ... ساخته ... بود ... بجهت ...

... حتی المقدور ... رسانیده دیگر ... ساخته ... نشید ... دیانت ... امکان

... از شوق ملاقات ... گرفته ... مذکور

۲۷

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام ... مورخه ... ۱۲۶۰ هجری قدسی

... علیم محذوم خان ... محفوظ باشند ...

... صحرای ... خود ... الحال ...

برای متعلقان ... متعلقان ...

... برای متعلقان ... مورخه ۲۷ ... ۱۲۶۰ هجری قدسی

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... اجنت بهادر بهوپال سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

مورخه ... صفر ... الخ

۹

صاحب مشفق مهربان کرمفرمای مخلصان سلمه الله تعالی بعد اشتیاق ملاقات که انیس مقاصد ... است

مکتوب خاطر خطیر ... نامه اشتیاق آمود مورخه سیزدهم دسمبر سنه ۱۸۴۳ عیسوی لطلب ... بحمایت

... معاملات ... ملاحظه ... کرده ... و مضمون ... صاحب مشفق مهربان ...

... الضمیر ... دولت بلده بهوپال القضیه قدیم ...

... از ... تشریف ... امتناع از مکلمه ... مشفق ... سوال و جواب

... علیحده ... خلاف ... اگر ... طبیعت ایشان که ...

... نسبت ... ممدوحه ... بل باعث اضرار مقصد

خواهد ... نظر ... مقدمه ... متفق ... خواهد بود که بعد

... تخلصه ... مشفق مهربان رسید ... السلام ... محتوی مطلب ...

معرفت المشفق ... معرفت ... حکام الدین ... رسانیده ...

... حاصل شد درخواست ... مصلحت ... المشفق ...

... معلوم مشفقا ... فرستادن ... انگریز ...

مخلصه ... مطابق تحریر ... معرفت المشفق ...

گذرانیده ... برای چنین جزئیات ... انگریزی ... مصلحت ...

برای بهبودی ریاست ... حفاظت ... دشمنان ... ما ...

باطن طرفین در صورت ... بهوپال ... مخلصه ... السلام ...

نسخ ... وارد و رقت ... بجبر انجا در اینجا دشوار در الاعتبارات مقتضای عقل امید قوی بود که الاق
ها و قلوب خاطر خواه درست میشد ... الان از سوال ... را تحقیقه ... چه فایده ... و اینکه بجوار مخلصه در باب
نوز ارشد علمی ... بر قدم خامه ارشق ... نوابصاحب ... اختیار کل میدارند
مداخلت ... در همه مقدمات ... معاملات خلاف سر رشته از این کار
چگونه می توانند شد متفقا ولکن صاحب بسیار در ... حق خود را ... نوشته اند و هم ...
صاحبان صدر رفیع القدر و صاحبان ... ناظمان ریاست ... حقیقت مخلصه را ثابت و متحقق میدارند
و المشفق مداخلت مخلصه ... و بهبودی ... و دختر ... نوابصاحب ... چنین ...
از ذات المشفق در حق مخلصه ... زیرا که هر چه در حق خود ... نگاشته بود ...
مگر کمال ... المشفق ... مخلصه ... توقع است ... سالانه ... زر وارد
بزر روپیه ... از عهد جناب ... قدسیه ... مجدها و حکم ... تا ... السلام که
معلوم یافتم ... چند ... وصول شده میخواهم ... المشفق وصول ... و اینکه ...
وصول شده باشد یا عاید ... گرده تا آرزوی شادی ... بنور البصر ... نگهم ... فرزند
دختر ... کرده اند ... زیرا ... شادی آن ... در تمام عالم مقصود ... اوقات
المشفق برای ... التکلیف داده ... میدید ... طوالت در خاطر درج کرده ... که
... حکیم ... خان ... وقت ... میان ... الدین ... خواهد ... فقط

... جناب نواب ... صاحبه ... در باب ... تا ... ۲۹ ... صفر ... ۱۲
... راه ... سر راه ... انگریزی ... چون ایشان سر راه
... انگریزی ... موضع مذکور ... رفت ... خدمت ... مبلغ ...
... سالانه ... از سرکار ... روپیه از سرکار ... دولت ... چون از طرف
... سالانه ... مذکور ... توقف ...
... سر راه ... انگریزان ... خود ... مقرر ... صاحب ...
... سالانه مذکور ... سالانه ... سرکار ... شد ...
... سر راه ... انگریز ... برداخته ... سالانه مقرره ... از این سرکار
مقرر ... سر راه ... رسید ... صفر ... ۲۹ ... ۱۲
... جناب نواب ... صاحبه ... ۳ ... ام شهر صفر ... ۶ ...
... سعادت ... خیر خواه ... محفوظ ... مرقوم ...
مرتضی خان ملاقات با من ... مرتضی خان ... بود
... اعلام ... حقیقت کامل ... اول ... فراموش کردید الحال یاد دارید
... سرکار ... از روز ... عرض حال ... کرده ... از این سرکار ... خود
... الحال ... خود ... جناب نواب معز محمد خان صاحب ... میخوانید
جناب ... و جناب نواب ... قدسیه بزرگان ... از این ... سعادت ...

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام نیاز فوجدار محمد خان بهادر مورخه دوم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

جناب خان رحمت و قتبه بنیاد فوجدار محمد خان بهادر مدظله العالی بعد آداب و تسلیم گذارش آنکه در این اوان محمود و هنگام مسعود
با تاریخ نوید بزرگ [illegible] تولد فرزند ارجمند آن [illegible] آسمان امارت و اقبال لولوی لالای عمان ایالت و اجلال اخترت
میمون [illegible] احوال مودت تمال اخلاص [illegible] خلاص اندیشه گردید [illegible] نامه [illegible] لواحان محبت مآثر او
اختصاص پیشه رسید [illegible] ملال [illegible] ملال از اذیال قلوب احبا [illegible] این مژده دلگشا [illegible] حدائق
محنا داتی باقطار امطار این نوید [illegible] گلگل شگفته [illegible] از کثرت ارابیع افراح روکش صبح چمن [illegible] فی
[illegible] از فرط رواج انشراح غیرت فزای فضای گلشن فرق عموم وسرور [illegible] سرور [illegible] از خاطر
وبای هموم ومصائب [illegible] زلزله حصول ارب بی ثبات [illegible] میثاق خوبان [illegible] وفاق نوای تهنیت مکر کلمات
عزیمت عاملین بود که جلب قلوب کار اوست یا الفاظ ادعیه کاملین که دفع کروب اثار او [illegible] مژده چگونه
که چون بود خوشتر زنوای ارغنون [illegible] حاجت بعتبه کبریای فالق الاصباح و ملتمس بجناب خلاق ارواح [illegible]
[illegible] رفیع الطبقات تحریر ازطلوع ذروه اطواد این اختر از شمال بخت و ورقای بلندیه [illegible]
[illegible] این نشاط [illegible] بخت [illegible] طفل طفله آمال [illegible] آفرینش هست که هر سر [illegible] از صد
امتنان آمد بقلزم عظمت [illegible] فلک [illegible] حریر پرده افلاک [illegible] آمد که تولد [illegible] نغمه زنان بر
آستانه [illegible] بلندت آسمان آمد حیات محیط جهان شد عموم عیش و نشاط [illegible] صفت زهره نغمه خوان آمد
زمانه گفت که بر روی تخت [illegible] سحاب مکرمت حق [illegible] آمد میان کشور هندوستان که ظلمات [illegible]
تن مبارک او عمر جاودان آمد [illegible] ورب لایزال این نونهال گلشن اقبال را در سایه مرحمت [illegible]

وظل عاطفت گرامی تربیت فرماید و عالمی را از ثمرات این زبده نتایج آبای علوی و امهات سفلی متمتع نماید و بدا
من فضل الله لیس ببعید انه لفعل ما یرید و بحکم ما یرید والحمد لله اولا و اخرا مورخه دوم شهر [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام قاری [illegible] الله مورخه چهارم ربیع الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

دار الصفا [illegible] الفرح کالانس [illegible] شریعت [illegible] الاسلام مشهود
خاطر بعد [illegible] از زور انتهاض [illegible] مادر و زن فولاد [illegible] صاحبه [illegible] از خاک او
گریخته اند و در این [illegible] از تحکمه [illegible] جستجو [illegible] زبانی زنان و مردان [illegible] ساز کن
جواب [illegible] مادر فولاد [illegible] سکندر [illegible] صاحب [illegible] قول مادر سکندر [illegible] می گفت
از [illegible] سمت هندوستان خواهیم رفت [illegible] فولاد است همراه خود خواهیم برد [illegible] فولاد
[illegible] مادر سکندر و مادرش [illegible] مادر و زنم گریخته [illegible] خوانید [illegible]
[illegible] در یا [illegible] گرفتار [illegible] همراه فولاد [illegible] مادر سکندر
با [illegible] همراه خود سوی هندوستان خواهیم برد و در اینجا نخواهیم گذاشت و [illegible]
دو روز [illegible] مادر سکندر [illegible] از [illegible] در اسلام نگر [illegible]
[illegible] بخیته [illegible] بعد [illegible] ظهور [illegible] مادر [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] سکندر [illegible] مورخه [illegible] ربیع الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

[illegible] سکندر [illegible] رسید نور العین [illegible] سلم [illegible] الله
در [illegible] اوام [illegible] نور العین [illegible]

فرستاده شود این امر خلاف استرضای جناب سرکار بزرگ دام اقبالها است مبادا از وجود ایشان [illegible] از اسلام [illegible]
بیرون کنند باز از این سوراننده ولایان [illegible] حالت ما خواهد بود پس بجان بهتر آن اول [illegible] موصوف جواب صواب
از نواب [illegible] بهادر صاحب [illegible] باز رسانیدن نور البصر خوشنما است واظهار [illegible] ملفوف [illegible]
محمد خان بهادر [illegible] اینها را ملاحظه کرده از روی انصاف و عدالت [illegible]
رسید [illegible] عدل [illegible] قاضی محمد حنیف [illegible] خیرالدین انصار خان [illegible]
اسلام دیگر [illegible] رسانید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها مورخه [illegible] ربیع الاول [illegible]
خیرخواه دولت [illegible] سکندر [illegible] باشد [illegible] در یافتیم [illegible]
از [illegible] اجازت یافته خواهیم [illegible] نیز از ما [illegible] می‌خواهید از این فعل [illegible] چه فایده [illegible] اعلام [illegible]
هرکس [illegible] حرفت [illegible] یا معرفت [illegible] نقد
[illegible] اگر [illegible] بنده [illegible] و علاج [illegible]
[illegible] ساز [illegible]
دانسته [illegible] حکیم [illegible] صاحب [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم حسین خان مورخه [illegible] ربیع الاول ۱۲۷۶ هجری قدسی
[illegible] امانت [illegible] حکیم غلام حسین خان [illegible] باشند عرضی مرسله [illegible] طلب [illegible]
ملاحظه گذشت [illegible] گفته [illegible] والله [illegible] روز [illegible]
صاحب [illegible] رفته [illegible] که [illegible] جاگیر [illegible]

طول

11

طول عمرها قرار یافته پس [illegible] این جاگیر دریافت [illegible] مفصل دریافته [illegible] و برای [illegible]
خریطه [illegible] طالب شوید زیرا که سه سال از تعداد ایام مقرره شادی گذشتند اگر چنین [illegible] خواهند
عمری خواهد گذشت و جود شادی کجا و از میان خیرالدین انصار [illegible] تکرار بار بار [illegible] زبانی [illegible]
از [illegible] عرضی [illegible] رسید [illegible] دریافتیم [illegible] جواب [illegible]
و عذر نمائید [illegible] این [illegible] موصوف [illegible] فرمای [illegible]
و نیز [illegible] در عرضی [illegible] مدتی گذشت و جواب [illegible]
[illegible] و اگر چنین [illegible] خواهد ماند در [illegible] مقدمات متعلقه [illegible]
و [illegible] از طرف خود [illegible] دیگر [illegible] بهادر [illegible] که برای صلح طرفین که منظور [illegible]
عالیشان [illegible] منظور است و در این مدت که [illegible] در اینجا [illegible]
[illegible] است که [illegible] بهادر نوشته [illegible] جواب یافته [illegible]
[illegible] بهادر را در باب صلح طرفین [illegible] منظور است [illegible] که علاقه [illegible] در
[illegible] صاحبان انگریز بهادر [illegible] است پس [illegible] بهادر از طرف ما درخواست نمائید که
اگر [illegible] بهتر است فقط مورخه [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] ربیع الاول ۱۲۷۶ هجری
[illegible] حکیم غلام حسین خان [illegible] اول [illegible]

و جمع گردد حوالهٔ شان نمایند و همراه شان تبلیغات صاحب کلان بهادر رفته ممیز باشند هر چه کم و بیش از مضمون آن شقه

اگر بگویند بسرکار رسد فقط

نقل شقه جناب الگزندر سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] مهور مورخه دهم ربیع الاول [illegible] ۱۲ ۶۰ هجری قدسی

مهور و صحیح شاه [illegible] و بخاری دستگاه خان صاحب [illegible] غلام محمد خان فدوی محفوظ باشند سکنه [illegible] موضع جهار [illegible]

[illegible] صحرای [illegible] مطالعه نمایید [illegible] خالصه [illegible] معلق این سرکار [illegible] مطالعه نمائید

نقل خط جناب الگزندر سکندر بیگم صاحبه بنام والده سید سلطان مورخه [illegible] ۱۲ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

دام احسانه [illegible] محمد [illegible] بعد اظهار لوازم [illegible] گذارش [illegible] پرواره [illegible]

صحرای موضع [illegible] در [illegible] سررود [illegible]

مدت مدید [illegible] خانه [illegible] صاحب

[illegible] موضع [illegible] محمد سجاد [illegible]

موضع [illegible] شد [illegible] ایکه

در باقیه حوالی ماصول سرود [illegible] جواب رسانند فقط

نقل شقه جناب الگزندر سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] مورخه [illegible] ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۰ هجری قدسی

[illegible] دستگاه [illegible] مبندرجه تمام مضمون [illegible]

[illegible] دفتر [illegible] بالجمیع تمام [illegible] باشند [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم پانزدهم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی حکیم غلام حسین خان

۱۲

شرافت و نجابت پناه امانت و دیانت دستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند عرضی مرسله دوازدهم [illegible]

بعد خط شد مندرجه تمام مضمون شد چندان روکرد در باب صلح طرفین که از [illegible] شاد باشند صاحب کلان بهادر گردید

شود زیرا که این مبلغ خود که برای [illegible] نور العین [illegible] صاحب ممدوح می طلبیم مقصود از آن سه [illegible] نواب صاحب بهادر است

و شریک گردانیدن شان در [illegible] مراد آینده مطابق مضمون شقه با صاحب موصوف گفتگو کرده باشید کم و بیش نباید کرد و هر [illegible]

شرافت پناه منشی [illegible] گفتند که شما مقدمه [illegible] داشته اید در طلب جواب خریطه چرا جلدی میکنید او شان

را گفته شد که زمانیکه صاحب کلان بهادر از ضمانت طرفین انکار کردند سرکار صاحب مبلغ سالانه خود را هر چه از خالصه مقرر بود

طلب کردند تا تقریب [illegible] نور العین ملاقات با نواب صاحب بهادر شده دیگر ادنی و اعلی وجوهات بعد ملاحظه

مضمون جواب خریطه نوشته خواهد شد [illegible] جواب خریطه از صاحب ممدوح [illegible] بستید [illegible] از او [illegible]

[illegible] باشند و با منشی صاحب موصوف بگوئید که جواب خریطه [illegible] کرده [illegible] صاحب ممدوح

پانزدهم [illegible] باشید [illegible] حسین را همراه خود داشته باشید زیرا که کدام مقدمه سرکاری متعلق [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] حسین مورخه پانزدهم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

عزت دستگاه منشی [illegible] حسین بعافیت باشند تا زمان قیام حکیم غلام حسین خان در [illegible] او شان تنها بگذارید

[illegible] ملاقات کنند یا با صاحب کلان بهادر در این تاکید [illegible] کنید

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] مورخه [illegible] ربیع الاول سنه ۱۲ [illegible] هجری قدسی

مهور و صحیح شاه [illegible] و بخاری دستگاه غلام محمد خان [illegible] محفوظ باشند [illegible]

نظام [illegible] خیر الدین انصاری [illegible] مقدمه [illegible] متعلق [illegible] بوده باشند [illegible]

ملازمان پل الصفیه کرده موجود اسم باشند فقط

لفافه شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم غلام حسین خان مورخه بیست و یکم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

سرانجام و نجابت پناه اماده دوستی و نیابت دستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند بعد ازان رادراینجا فرستید کرروانگی سان

سمت اکبرآباد منظور بسبب نگاه مراجعت کنا رااگرآنه کرده باشند و از مدتی احوال اکبرآباد نوشته چنان این و الپ بیاید کرد

و بالفعل نواب سید علیخان از شکار به بهوپال آمده اند و حالا ملازمان ما رخصت دسوار گرفته اگر در انجا نوید تحویل مبلغ

گردد تا مال مطلوب بهم خواهند آورد فقط

لفافه شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام غلام مرتضی مورخه بیست و یکم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

مهر و محبت نشان شاه سرانجام و نجابت دستگاه غلام مخدوم خان بهادر محفوظ باشند عرضی مورخه سلخ ربیع الاول

ملاحظه گذشته مندرجه در باره تقسیم اعلام یافت سر اوراق رساله که برای کم دانان تجمیع کنید و رساله بودن رسالی که رسید

و هم جواب مقدمه سالوننا بصیر مقدم موضع حمنا از خط نقل شاه میان خیرالدین الصلاحه صاحب ملکار است واز نقل جواب مذکور

معلوم شد استفسار معنی و آنچه مال را از یک سال بعیان سرکاری کردن کدام مکان است و در بین الذمه لوازم

کار و بار سرکار را صلاح و نتیجه وکیلی بموانی رام ارسال دشته شد سبحان الله زمانه که او در حضور مستعفی بوده آن الحال آن

بر خاسته بنیه باز دهانید اگر بمان زمان حال ایستاده باشد بنیه ازو گرفتی احمقانه و بنیه برای داخل سرکار کشید و در ظلم

بر روی رعایا هم باز نشدی خیرالحال امروز احمقانه گرچه بنیه باید گرفت فقط

و سکندر قلع عمارت بعد جمع انشار مطلوبه ایشان

خواهند رسید فقط

لفافه شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام بهادر غلام حسین مورخه بیست و دوم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

۱۴

سرانجام پناه نجابت و سیادت دستگاه منشی غلام ضامن محفوظ باشند دو تا عرایض مرسله تا بیست حال مندرجه شد بعد

حقد لوقاات او بسیار اهم مستفسر امور اندرون حالی تک باشد درباره از کدام رسیده اند بلوبند ما را اجازه بکار در تنها که

در اندازه نوید خوشی بر ایدل شد در درباره تکمیل باشند والدان او بسیار اندموافق است و اوقات بیش از پر قسمیکه

درون احسن بینند ادراک نزد ما و از آن قسمت در باره او بسیار برای جواب رسید باشد که نقد باشد و بسته

و با سرانجام پناه غلام مرتضی خان همین شقه را اعلام نمایند تا آگاه و خوب هر چه از تاریخ و حسب او تا همایش از روی

بر آورده باشند برای رسید خاص درباره فرستاده باشد سرکار صنایع نسخه و تمام کاغذ و رسید در باره حال بهوپال

ملحوظ باشند فقط

لفافه شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مرتضی خان مورخه بیست و چهارم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

مهر و محبت نشان عهد و سیادت مرتضی خان محفوظ باشند عرضی مورخه بیست و یکم ملاحظه گذشته مندرجه در باره تقسیم الشیحه قدیم اما اید

در بیان خاطر جمع میان محمد ابراهیم خان صاحب و اینها بنا مسند درگاه الهی بهیچگونه تفاوت و مغایرت نیست اقارب آن واختیار بر

و سکندر قلع عمارت بعد صحت در انجا تشریف دیده برای ایشان معین خواهد کرد تا از زمان در مقامی متعلقه جناب ممدوح مقیم باشند

و الهی حسب شاه از عرضی بدست نذر مثال از فرستاده بد خوشی نامدارانه بنا و اقف بود ز اعلام ما از رسم و راه این سرکار

آن نیست امیدواران و متوسلان بدست زرگران وصد آنها و لکاریگرن سوار حو پوران و هرکاره فرستاده باشند

آینده احتیاط در حضور رود اگر فرستادن عرایض منظور باشد بواسطه سرانجام پناه منشی غلام ضامن یا غلام مرتضی خان یا جویدالدان

و هرکاران یا [illegible] جناب موصوف فرستاده باشند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم غلام حسین خان مورخه بیست و ششم ربیع الاول ۱۲۶۰ هجری نبوی

شرافت و نجابت پناه امانت و دیانت دستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند تا عرایض مرسله آنقدر بیست و سوم شهر حال

ملاحظه گذشته مندرجه دریافتیم و اکثر عزیز القدر منشی سبحان [illegible] بعد [illegible] لفظ الی [illegible] شاه [illegible]

پرداختند که این تجویز خوب است اگر این معنی در زمان حیات و تندرستی [illegible] بیمار صورت میگرفت صفائی [illegible]

حاصل میشد فقط پس الحال [illegible] شاه را لازم است که باز منشی موصوف را بگویند که طلبیدن نواب [illegible] بیمار در فکر

شاگرد ایشان نور البصر بر رضای جناب نواب بیگم صاحبه قدسیه دام اقبالها منحصر است اگر رضای جناب ایشان یافته طلبیده

خواهند شد و الا اطلاع این معنی ضرور است مبادا منشی موصوف طلبیدن نواب [illegible] بیمار را در این سال مشروط تجویز

سازند و قطع نظر از این تجویز دوست تدبیر دیگر اید الطاف بخش بعد دریافت جانداده جاگیر نور العین [illegible] بیگم [illegible] حصول

[illegible] را مدام بند و بست وصول آن منشی و [illegible] بیمار کرده خواهند شد [illegible] منتظر جواب خط [illegible]

هستیم تا بعد وصولش هر چه مناسب خواهد بود بجواب خواهیم پرداخت مورخه بیست و پنجم شهر مذکور سنه ۱۲۶۰ هجری نبوی

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام منشی بزرجسن مورخه بیست و پنجم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری نبوی

عزت دستگاه منشی بزرجسن [illegible] باشند زمانیکه نواب [illegible] در [illegible] اطلاع [illegible] شاه

[illegible] بخر الدین [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] بیست و پنجم ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری نبوی

شرافت پناه نجابت دستگاه منشی غلام [illegible] محفوظ باشند عرایض مرسله کاشف مندرجه شد نجدمت

جناب خانم صاحبه [illegible] محمد خان [illegible] رحمت والده [illegible] محمد خان [illegible] بود از [illegible]

درباره

درباره [illegible] وجه [illegible] اینکه [illegible] اگر [illegible] نباشد برمای [illegible] در این [illegible] حمایت کنند

اگر چه [illegible] الحال بر [illegible] این [illegible] نماید موید [illegible] و [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام نعمت خان [illegible] مورخه بیست و ششم ربیع الاول ۱۲۶۰ هجری نبوی

[illegible] شرافت پناه نعمت خان بحفظ الهی باشند

مکاتبه مرسله کاشف تمام مندرجه گردید از آنکه عافیت ایشان در حقیقت دلالت روزی در حضور جناب نواب بیگم صاحبه قدسیه

دام اقبالها بتقریب ذکر خیر [illegible] شاه در میان آوردم فرمود که ما دولت دور و بیرون [illegible]

موقوف نکردیم [illegible] مقیم [illegible] الله [illegible] از این [illegible] فیض بنیاد توجه [illegible] بر حال [illegible]

منکشف شد در این صورت ایشان را مناسب بود که بر حکم حضور راضی و خوشنود بوده بخدمت [illegible]

حاضر باشند زمانیکه [illegible] از این [illegible] جناب [illegible] گوشه میگرفت همان صدر و بیه

قریب [illegible] بود [illegible] که [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه بیست و ششم ربیع الاول ۱۲۶۰ هجری نبوی

عزت دستگاه منشی بزرجسن [illegible] از [illegible] بعد [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] ربیع الاول ۱۲۶۰ هجری نبوی

[illegible] شرافت و نجابت دستگاه فاضل علام مخدوم خان محفوظ باشند عرضی مرسله بیست و ششم [illegible]

مندرجه گردید [illegible] که در عرضی درج بود و هم [illegible] جناب [illegible] در باب [illegible]

و لایق قبول و قابل تحسین بر آمد لازم که برادر [illegible] را او [illegible] را طلبیده قبولیت آن نوب [illegible]

حضور ارسال دارید و از بیان حالت بنده را باز گیرید که این را کمی دلالش منظور نیست و آنچه مرقوم بود که
از کمی دلالان کلو خود بری دیگران را نیز حوصله کمی خواستن شد را پسند نیست خلاف سررسته گردید ادعای عشق
آنکه بنده کنند که از کلو سکه بار اگرچه نسبت رای خود بری را که در خیر خواهی سرکار مستعد و سرگرم بسیار
نیست خواهند نمایند تا حوصله دیگر مستاجران از کمی خواستن نیست گفته و بنده و زنان کسی بیعه را دیدند
و از همین نیست تا جمیع اینها اظهار کنانیده و بر آن کدام علامت را که سرکاری مقرر و مرتسم کرده حوالهٔ ایشان
نمایید و دیگر با تجار خانه سازی از خانه او در گمرک طلبیده شکنید و ایشان بیعه حکم دهید از بابهای مسکوک سرکار
سنجیده باشند و اگر از غیر مسکوک خواهد سنجید جریمه گرفته خواهد شد و هم سرایح دارید اگر بیعه خلاف حکم
کنند خریدارش با ایشان ظاهر کنند بشرط ثبوت جریمه بر بیعه کنید و ما اول از ایشان گفته آورده بودیم
و باز زبانی معرفت حرمت خان معمار گفته رسانیدیم الحال خانه را که اظهار کنید و باجهای مفصله مشوره [illegible]

از خط نظامت پناه میان خیرالدین الصاری معلوم خواهد شد فقط

۲۷ ۶۰ [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام کوکا فتح جنگ خان مورخه بیست و یکم ربیع الاول ۱۲
تهور پناه شجاعت دستگاه کوکا فتح جنگ خان محفوظ باشند بعد در ورقه بلا توقف و اتمام [illegible]
کوچ نمایند بعد رسیدن در شهر [illegible] مقیم باشند و شیدی خان را [illegible] رسانیدیم سرکار مرا از خبر
نواب [illegible] بسیار و رسیده اند و در شهر اقامت کرده خبر نواب [illegible] هر روز فرستاده باشند و تغیر طلب
در آنجا قدم نبردارید و اگر کوچ نواب [illegible] و غیره باشند همراه باشند تاکید دانید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بر رسوم [illegible] مورخه [illegible] ربیع الاول [illegible]
عرض ارسال [illegible] میان خیرالدین الصاری [illegible] گفتیم بعد [illegible] حساب
ادا کرده برچه باقی ایشان برآید [illegible] آن بر حساب سال آینده بگیرید ایشان جوابی دادید [illegible]
نیست [illegible] ما دارند مبلغ باقی ما دارند و الا بیباقی سازند [illegible] سرکار با وجود [illegible] از
نوکری [illegible] میشود سه چهار هزار روپیه باقی ایشان بر خود داشته [illegible]
ایشان از دوستی طالب باقی خود [illegible] ادا میکنند و با وجود [illegible] دارند در این کار
از [illegible] جواب [illegible] داده اند اگر [illegible] در اینجا [illegible] جواب [illegible]
کاهی [illegible] اگرچه [illegible] هزار روپیه [illegible] از ایشان گفته بودیم اول [illegible]
زیرا که در دل [illegible] از [illegible] ظهور نخواهد رسید [illegible]
که از استماع [illegible] جواب [illegible] ایشان را طلبیدیم و از زبان خود سوال جواب گفتیم و [illegible]
خانه ماند و [illegible] اگر ما [illegible] سرکار
زر طلب خواهند که بلا توقف خواهیم [illegible] ایشان تمام [illegible] اگر [illegible] ادای تمام
[illegible] خواهد شد و ما ایشان را خیر خواه [illegible] ایشان [illegible] خواهند شد
[illegible] خلاف [illegible] خیر خواهان [illegible] در [illegible]
هیچ [illegible] از [illegible] ماخانه [illegible] از روز [illegible] خود
میدانیم [illegible] نوشته ام [illegible] توقف [illegible] دام اقبالها

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مرتضی خان مورخه سی ویکم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۰ هجری قدسی

تهور پناه شجاعت دستگاه مرتضی خان محفوظ باشند عرضی محرره چهارشنبه بملاحظه گذشت مندرجه تمام منکشف شد و آنکه آن شجاعت نشان ملاقات نواب احمد خان بهادر را باوجود طلب شان نکرده دیدن نیامده خوش آمد زیرا که ما را غرض از دریافتن خبر عافیت مزاج نواب احمد خان بهادر بود نه از طرفداری و آنکه نواب احمد خان بهادر طالب آن شجاعت پناه کردند حقیقتاً کار سرداران فرموده اما ما عزیز میخواهیم که غیرت بجا ماند و کام بانصرام رسد و آنکه خاطر معلوم گفتند خطی مضمون مزاج پرسی فرستادن مناسب نمی‌افتد اینکه خیرخواه بدل بهر دو سرکار بوده اند چنین میخواهند لاکن چونکه میبینم بیکار افغانان زمانه که میشود که استدلال من گردد برانکه از قوم افغانان خواهد بود حقیقت این نکته خواهد دریافت داند آن شجاعت پناه کیفیت مزاج نواب احمد خان بهادر نوشتید اینقدر از دیگران هم معلوم میشود لازم که کیفیت مرض نواب احمد خان بهادر مفصل دریافته بنگارید که کدام علاج جاری هست و ترقی و کمی از کدام سبب عاید میگردد و شجاعت پناه فتح جنگ خان لوکا و بهور یحیان را که در آنجا رسیده اند شقه ما میرسد خوانده بسیار پدر و آن تهور دستگاه تا طلب مقیم آنجا بوده حالات آنجا نوشته باشند و صحت

۲۹

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام لوکا فتح جنگ خان مورخه سی ویکم ربیع الاول ۱۲۹۰ هجری قدسی

تهور پناه شجاعت دستگاه لوکا فتح جنگ خان محفوظ باشند لازم که ایشان با بهور یحیان و دیگر سواران همانجا باشند و دو تا سواران را نزد شجاعت پناه مرتضی خان بگذارید تا هر چه ایشان گفته باشند همان بعمل آورده باشند [illegible]

۲۹

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر علی مورخه سی ویکم ربیع الاول ۱۲۹۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر علی بیگ باشند شقه که میرسد دو کس سواران نزد مرتضی خان بلا توقف فرستید و از بابت حق خرنوازه [illegible] یکصد از نروده تا یک و نیم او

داشته

وصحه [illegible]

داشته باشند خریده محمد نور سردار وصیتش از جهان گذشته زیرا که شنیده شد بسبب موقوفی دلاوری مدد امیر کرد داد و صد و قرض تاریخ میرسد اگر بقدر اجرت طلبار شود مضایقه نیست والسلام مورخه سی ویکم شهر ربیع الاول هجری قدسی

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام لوکا فتح جنگ خان مورخه یکم ربیع الثانی ماه ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰ هجری قدسی

تهور پناه شجاعت دستگاه لوکا فتح جنگ خان محفوظ باشند عرضی مورخه غره بملاحظه گذشت مندرجه دریافتیم آن شجاعت پناه که اطلاع طالبی خود بواسطه خوردار بنواب احمد خان بهادر فرستاده بودند هیچ حاجت نبود لازم که بمجرد ورود شقه بسرعت کوچ کنند اطلاع و انتظار جوابش ضرورتی ندارد فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر علی مورخه یکم ربیع الثانی ۱۲۹۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر علی بیگ باشند طعام میده بتقریب صحت خود فرستادید واقعه تحسین کام اینجا گردید اما از نفرستادن برای مولوی احمد حکیم محمد حسین جوش نشیم احمد بر موقوفی [illegible] مقصور شد لازم که فی الحال از چهار [illegible] طعام پز کرده بطریق تحفه فرستید و یک گوسفند تمام برای [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه دوم ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰ هجری قدسی

[illegible] بالعافیت باشند عرضی با فرد بملاحظه گذشت مندرجه دریافتیم صفای معامله و مکالمه بخیر حضوری ایشان ناچیز لازم که برای چهار [illegible] ایشان در اینجا آمده بالمشافه گفتگو نمایند [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مرتضی خان مورخه دوم ربیع الثانی ۱۲۹۰ هجری قدسی

تهور پناه شجاعت دستگاه مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا معلوم نمایند که دو تا خریطه مرسله

کاغذ معذرت رسانیدند سواران را که همراه ایشان مقیم‌اند بالتصویب فرستید زیرا که علاقه
تقسیم تنخواه در وقت است تنخواه خود یابند و برگاه ده عاملات سفر را نزد خود دارید و دیگر کاره
نیز درستی خواهد رسید و حال مبلغ نواب صاحب [illegible] بسیار مفصل نوشته باشند وقت [illegible]

[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم حکیم غلام حسین خان مورخه سیوم ربیع الاول ۱۲[illegible]
سرکار و تجارت شاه امانت در باب درستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند و رسیدن ایشان کاغذ معذرت گردید
در جمله خبر [illegible] کسل مبلغ نواب صاحب [illegible] بسیار متواتر به سمع رسید یعنی [illegible] شاه فتح جنگ خان کوکا [illegible]
زمانیکه ایشان رسیدند احمد علیخان داماد شان خبر ورود ایشان [illegible] بالوزن صاحب [illegible] نواب صاحب
خواستند در عوض شان کنند مگر چو یک بوجهی از عبادت بود کوکا موصوف حال و کیفیت مبلغ نواب صاحب [illegible] در باب
بازیافت خود مراجعت کردند [illegible] در اخبار رفتن کوکا [illegible] برای [illegible]
معامله نویسید باید بر سازد و کوکا موصوف ماموربان بودند یکی از رفقای نواب صاحب [illegible] کیفیت مبلغ [illegible] در باب [illegible]

[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم میر حسین [illegible] مورخه سیوم ربیع الثانی ۱۲[illegible]
عرض داشت میر حسین [illegible] آمد و عرض ایشان با عرض حکیم غلام حسین خان ملاحظه گذشت
معذرت دریافتیم رقعه بنام حکیم موصوف میرسد جواب داده و بند کرده بدید و جواب [illegible] از خط [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی [illegible] حسین مورخه [illegible] ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
عرضی رسید کاغذ معذرت گردید صورت آنکه کاتبی را [illegible] مقصد [illegible] دفتر مقیم بودند برای ایشان
گرفته [illegible] ایشان [illegible] خود برخاست ایشان مقدم داشتیم الحال [illegible] کار بزرگ دام اقبالها

[illegible] را بایشان عنایت فرمود و سرانجام اهل دفتر مارا [illegible] خاطر نمود لازم [illegible] [illegible]
مذکور دست بردار نیز زیرا که اگر از جناب سرکار موصوفه [illegible] بایشان [illegible] دیگر مضایقه میکردیم و در [illegible]
اهل دفتر هیچ کار سرکار [illegible] منظور زیاده توفیق [illegible] رفیق [illegible] چهارم سنه مذکور [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] والل مورخه [illegible] ربیع الثانی [illegible] ۱۲
[illegible] شاه [illegible] والل محفوظ باشند در این ولا شنیده شد که [illegible] عازم [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] دست [illegible] که [illegible] وصول تنخواه ماهانه [illegible]
کرده [illegible] در اینجا سالی با کاتب را [illegible] گفته بودیم و بارها [illegible] میگوئیم [illegible] صورت [illegible] نواب
[illegible] دام اقبالها همچنانکه حق التماس است [illegible] و بنده [illegible] دست [illegible] تنخواه
سالانه [illegible] دیده و بدون جاگیرداد و عدم وصول تنخواه ماه بماه [illegible] موافق [illegible]
با ایشان [illegible] بعد [illegible] آن [illegible] شاه [illegible] تکلیف و تصدیع [illegible] موصوف خواهند بود [illegible]
[illegible] ایشان از جاگیر [illegible] صورت خواهد بود همچنانکه [illegible] درگاه خود [illegible]
مطالبه قرضه [illegible] از ده هزار روپیه [illegible] بیش نمانده و تنخواه [illegible] گردانیده
همچنان صاحبه ممدوحه نیز [illegible] مقدمات ما یحتاج و ادای قرض خواهند بود [illegible] صاحبه ممدوحه [illegible]
بیش از [illegible] حکیم [illegible] فرزندان [illegible] شاه را موافق [illegible] خود [illegible] شاه [illegible]
از رفقاء خیرخواهان و مخلصان [illegible] حق [illegible] در اینجا خواهند [illegible]
برای [illegible] ممدوحه علحده [illegible] خود از دوکان [illegible] موقوف [illegible]

که بلحاظ ... تا میدانست نقلی را از صاحبه موصوفه موقوف خواهد کرد و ... حصار ... شهر ... [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مرتضی خان مورخه پنجم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

... پناه ... مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا معلوم نمایند که عرضی شما ... ملاحظه در آمد ... اگر قدم ... بسیار ... از زبان سرکار ... سید خان معلوم شد ... ضرورت ندارد ... مراجعت کنند مورخه ... [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر ... حسین مورخه پنجم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

عمدة ... منشی میر ... حسین ... باشند ... اسپان ... از دیوان سکندر قلی طلب ... قابل سواری ... اسپان را فروخته باز از جاها اسپان خوب ... طلبیم ... بعد سلام از این رو ... آگاه باشید ... اگر ... مطلع سازند ... در این باب تاکید ... بسرعت و سعی تمام حسب الارقام ... بحکیم غلام حسین خان ... تا ... دستان ... باشند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر ... مورخه ششم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

... سعادت ... سکندر ... مرسله ... مورخه ۱۴ محرم سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی ... اسپان ... روپیه ... دلایل ... یکصد و ده روپیه ... فقط

وعلاوه ... همراه خود برده ... صدق گردید

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر ... حسین مورخه ششم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

عمدة ... منشی میر ... حسین ... باشند اسپان را همراه سرکار ... قاضی نظام الدین ... ملاحظه ... بعد سلام ... از قیمت ... تفصیلیکه در ... مطلع سازید اگر بگیرند فهو المراد والا واپس کنید مورخه ششم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

تفصیل قیمت الاسپان

قیمت یورته	موره	شترغه	کمیت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر ... حسین مورخه ششم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

سرکار ... پناه نظام ... خیر الدین ... محفوظ باشند ... حامله ... در اینجا آمده ... برای ... خود را ... از خوف انگریزان ... قبول نکرده در اینجا رسید ... سکندر بیگم ... ماجرای خود را با ما ظاهر ... دختر زاده ... شاه محمد ... بعد ... مبارکبادی دختر ... اگر رضای ... باشد ...

نوکر ... میداشتید و آن از خوف اعراض کردن سرکار نزد دار الاصناف فرستند ...

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه هشتم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

... پناه ... محفوظ باشند بعد دعا مطالعه ... در اسولد ...

از دو ... بموقوف ... خیر الدین الصاری بعد وصول ...

... داخل نماید تا از قضیه ... نگردد ... وصت ...

و مسافر خانه ... مقدمه ... و بهوانی رام ... ده ... دارد مطلع نماید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام مرتضی خان مورخه ... ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

... محفوظ باشند ... در ... بلاد ... و حالت دیگر ... گردید ... بیایند ... مکالمه خواهیم ...

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر ... مورخه نهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر ... باشند ... مندرجه ...

ده روپیه ... رسانید ... موصول ... میان

خیر الدین الصاری ... رضائی ... نایب ...

... طریقه ... و ... محافظتش ... ملحوظ ... مورخه ... سه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم علام حسین خان مورخه سیزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

حکمت و صداقت پناه ... حکیم علام حسین خان مورخه سیزدهم ربیع الثانی ۱۲۶۱ هجری قدسی

از عرضه ... الحکمت پناه ... الحکم مقیم ... علام مرتضی خان ...

اهل خانه الصداقت پناه ... و ...

در اینجا ... حکمت پناه حکیم ... سلام ...

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم ... مورخه ... ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

حکمت پناه ... حکیم ... محفوظ باشند ... سرکاری ...

سوار خود را برای آوردن حکیم علام حسین خان ... سرکاری ... فرستید تا بیارند

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر ... مورخه سیزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر ... باشند ... منشی ... رام ...

... گردید ... مقدمه ... منشی ... سرکاری ... الوالی

... اعدالتی ... مقدمات ...

نزد منشی ... کرده باشند باید ... مقدمه ...

... مرتضی خان ... الصاری ...

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی ... رام مورخه سیزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

... منشی ... رام محفوظ باشند ... دولتی ...

بهوپال رنجی داشته از ایشان موافق سررشته سابق والیان اسلام نگر رهانیده فرستید فقط

۱۷

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام مرتضی خان مورخه هفدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

سنجاقه بسیار بهوره و شگفته مرتضی خان محفوظ باشند حال بنا در حکم [illegible] لسبب قبایل قبا بالت خود

در انجا هر روز سر شقه در اسلام نگر آمده ادراک کیفیت طلبانه سائلان محال میکنند و بعد علاج [illegible]

و دریافت مراجعت میارند این بار که باز رفتند دربانان دروازه بهوپال اندرون شهر رفتن

ندادند از دو روز بیرون شهر تکلیف میکشند لازم که از [illegible] سید خان پروانگی دوام

بگیرید بلکه جمع [illegible] و متوسلان ما را پروانگی عام بگیرید تا تکلیف و برهم کاری شان که متعلق

می باشند برخیزد زیرا که ما از ذات در اینجا مقیم ایم و همه کار و بار ما متعلق بهوپال است اگر بعمل صورت

نور الصباح بسیار قیمت [illegible] متوسلان ما [illegible] تا در اینجا حرف بنا طلب کرده دهیم بار که در بهوپال

بروند و گرنه از این تکلیف [illegible] است اینهمه [illegible] کرده خواهش باید

۱۹

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام مرتضی خان مورخه نوزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ [illegible]

بهوره بسیار [illegible] مرتضی خان بعافیت باشند عرضی مرسله شما [illegible] گردید برای آمدن خود

برای بیان بعضی [illegible] و بعد [illegible] پروانگی بر دروازه های شهر مرقوم بود مناسب است که بجای نشسته

در کار [illegible] بوده [illegible] کرده باشند الا در صورتیکه نوشتن بعضی

کیفیت مناسب نماید بعد عدم [illegible] در اینجا آمدن مضایقه ندارد و برخوردار سکندر [illegible]

قرار روزگار [illegible] آگاه نیست [illegible] در [illegible] بزرگانه تعلیمش کرده باشند و هرچه از [illegible]

[illegible] در شقه اول نوشته جواب یافته باشند [illegible] نوزدهم [illegible] الثانی

۱۹

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر [illegible] مورخه نوزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ [illegible]

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر [illegible] باشند [illegible]

برای طلبانی [illegible] از [illegible] اگر طلب رسیده باشد بهتر

والا [illegible] تا آخر این ماه طلب [illegible] فرستید [illegible] رسید [illegible]

فرستید و تا زمان طلب اراده حضوری از بهوپال [illegible] شقه نزد مرتضی خان [illegible] راه رسانید

[illegible] کرده باشند [illegible] مرتضی خان [illegible] کرده باشند [illegible]

داده شد [illegible] باقی [illegible] هرچه خواهید [illegible] داده خواهید شد فقط

۱۱

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] مورخه [illegible] ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری [illegible]

[illegible] هزار روپیه [illegible] داخل [illegible] کردیم و برای [illegible] هزار روپیه

[illegible] در وصول [illegible] گفتیم [illegible]

[illegible] کرده [illegible] خوانده رسید [illegible]

خوانده و [illegible] روانه [illegible] مورخه [illegible]

۱۹

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] مورخه [illegible] ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰ [illegible]

اصلاح شعار شود اگر سعید بوده باشد در اینجو لا کلام که از دوکان اصلاح شعار موقوف کردم در
ادای قرضه چند یکه از مطلوبان باقی مانده بودند تا آخر بر یکسال ان شاء الله تعالی آنهم ادا خواهم ساخت مطلق باشند
و مدراء اگر خواسته باشند اطمینان داده دولت جناب رو بروی ایشان میگیرد بجا آورد و از نوکری او نهایت
خوش ماندیم و در اجرای حکم حضوری تاخیر ساخت و ایشان مدام رو بروی ما بودند مگر حسب الحکم وطن هشت
لحاظ از طول او مدت ایشان خلاف آن ثابت شد حالا لازم است که ضرور ضرور در اینجا آیند و حال ایشان هم
خانه ایشان خانه ماست بر موقوفی کار ایشان منحصر نیست و ایشان را لازم که اینجا بر کار را قدم برکار خود
بنداشته اطمینان دارید و خود را در اینجا رسانید و از فرمایش نوشته اول کتابت بر اینکه طلب رسیده باشد
همراه خود طلب نموده آرید و کتابت اینکه طلب شده بیندار اده طیاری آن بکنید و زبانی بنده ام التجا الیان
دیگر معلوم شد مسرور شدیم مبارک باد و همراه اهل خانه خود را نیز همراه آرید فقط

نقل نوشته جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام نبیر محمد خان مورخه نوزدهم ربیع الثانی سنه ۱۲۷۰ هجری قدسی
بعد در بارگاه منیع نبیر محمد خان نواب قبیله باشند در اینو الله تحریر میکنند و زبانی اکثر و بندگان معلوم گردید که
در بهوپال دیگر شگفت یعنی پرواگی جمیع ملازمان جناب نواب بیگم صاحبه قدسیه دام اقبالها و متوسلان شما
موقوف و دستور سابق پرواگی موقوف بر عدالت احسن بود حالا نواب صاحب بقلعه دار بهوپال حکم داده اند
در جمیع متعلقان اسلام نگر را بغیر از رقعه دستخط خاص ما آمد و رفت نباشد و حفاظت دروازه محالات الف
میدارند الحال کسی بغرض تا بد لازم که با مشورت وجهان [illegible] بیدار و گذار لکنید [illegible] ملاحظه

لحاظ و ملاک اند لهذا بعد اطلاع و اجازت الف حضور کارخانه ها کوتیه و غیره را در بهوپال فرستاده بودم باره ۹
از الحاجیه حی جانوران و اسباب باورچیخانه میرسد و زیاده تعجب اینکه صاحبزاده میر رئوف احمد صاحب رحمة الله علیه
که میر جناب خالو صاحب قبله نواب میر محمد خان بهادر فتح جنگ مغفور بودند و الحال اعیانا بیچاره همگم را منحوا انداخته اند
و در پنجشنبه که روز تعطیل است بسبب اینکه تمام اهل علم و بزرگان که سجاده نشین سید بزرگوار اند در بهوپال
مقیم اند تشریف میبرند پس از چنین نوارد است و واقعه جناب [illegible] روی روی خانه غفیرما بینند زیرا که رتبه تعظیم شان
حیات نیست که کسی سد و مانع آمد و رفت شان گردد و حکم شاه حکیم متین صاحب بر خانه شان در بهوپال است
در هفته یکروز در اسلام نگر آمده کیفیت اخراج میکنند اینجا دریافته میروند و تجویز علاج و ادویه بر کسی را
که محتاج میباشد یا بیمار از دواخانه سرکاری که در بهوپال است می فرستند لیکن ایشان را اندرون تالاب
نگذاشتند و صدا و سپاه حکیم علاء حسین خان که در شهر رفتند بخانه ایشان حکم رسید و بدون اجازت اسلام نگر
سرو بند و کلوتنگ دار و نفع باغ فرحت افزا خاص در باغ مقیم است برای ذخیره عمارت الحاکه بنا میشود در بهوپال
میرفت انرا هم در شهر رفتن بند و قطع نظر اینکه کدام کارخانه ما و جناب نواب بیگم صاحبه قدسیه که تعلق
از بهوپال میدارد و کلام جلد در اینجا ضعیف ساکن در بند و لیکن نواب صاحب بیدار اند و ورندگان متعلقان
اینجا انداخته اند که چنین نشد و پرواگی برای آمد و رفت شان است اگر چنین بند ولیکن سقف در خلوتگاه اما
سقف که بنا نه در انجا تشریف میدارند پس از چنین حرکات بیجا که هتک سرکارین سر است علوم سقف
که اگر چنین حکم و سقف طول خواهد کشید ارادۀ بنی مشلنا خیمای منظور است زیرا که قیام ما در اسلام نگر

محض برای حفاظت جان است پس با میفو و مهربان مشفقه بسیار عرض کنید بیاد ظریعه حوالعه موم بواللحب بیار
بالواسطه شقه بنام دکیله لهذا چنین بند و بست وقطع گرده اتنده از متعلقان سرکار این گاه بمزاحمت برواگی
نکنند و تاچه جای مصعف مشقت بنا بی شیه شکنه معلوم خواهند شد فقط

نقل حکم جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عاملان بهوپال مورخه بیست و هشتم ربیع الثانی سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی
بتور وشی بوسه شرابت و جاید و سفاهات گفته غلام مخدوم جان قندهاری محفوظ باشند بو ضمن مورخه چهارم ربیع الثانی
با فرود ارواقت و بیعها و نقد مجمله تحصیل رگینه کالف مندرجه گردید رسید شد و بیعها و غیره میرسد دفرد واصلها محفوظ
بمنیعی و جمعبندی رسید از اراضی شاه لسید خاطر گردید مطالعش شد بمنیعی نوپاسند د سید و در موضع ارجابات طلب باشد
در باغیچه بهمین وضع مشرع قرار اصلبا آن درست کرده ارباب سرکار سازید و تنخواه جوانان چوکی موضع
سیل کانو را از برار مواضع مقرر است رایج حساب کرده در سرکار فرستاده باشید ارباب خواهند باد و تنخواه ان در اطلاع و دیگر که

حکم وحقه باز خواهد رسید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام قاری عبید الله مورخه بیستم ربیع الثانی سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی
قاری الحفاظ حامل کلام الهی مجمع کمالات نامتناهی بزرگ منشه شجاعت سالک مسلک شریعت قاری عبید الله سلمه الله تعالی
بعد سلام سنه الاسلام مشهود خاطر باد عرضی مرسله شما بست غولاد ملاحظه گذشت هرچه مرقوم بود از روی تصدیق
نمود مضمونیکه در شقه اول ثبت شد از اظهار ساکنان باولی و مدعوه مدعی و برای تشفی او بود والا
مدار الفهمی واثق همان بود که الحقیقت ارقام نمود واز روزیکه الحقیقت حضرت گرفته را ای او بمر شدند حکم بر طرفی

برطرفی ایشان در دفتر فرستادیم روزیکه خوابیده آمد خانه ایشان سست حکم بحالی ار روز رسیدن خواهد رسید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام --- مورخه بیست و سیوم ربیع الثانی سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی
رجوع دار رسعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر قبالها مرغوب شده دو تا عرایض ایشان کالف مندرجه رسیدند
کاریگر داروغه بلقیه منه سردار شکسته بست آنرا باز پس کردیم عوض آن دیگر سالم از کاریگر گرفته فرستید
والعجب ملاح سنجی عوض شاه مرتضی خان از جاگیر رسید و مندرجه بیت بیضه جات بالمره باور و عادل ایشان حاضر بود فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر حسین مورخه بیست و چهارم ربیع الثانی سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی
عمده دستگاه منشی میر حسین الکاهی باشند با حبیبا صاحبه بیع والده داد اهتمام وزیر محمد خان سپه سالار ام مولا را
درجامه رسته است پس صغیر بر درده شادی کرده بودند از جیبی مادر روزشی با جگهان گریخته قید الحال
زبانی بیر خان مهر تحشم دیده سراغ شان در اندور ثابت شد چنانچه نقل عرضی مولا بدینجا ارسال و نقل
اظهار بیر خان نیز ملفوف شقه میرسد مضمون شان با عتماد مشفق و مهربان مشفقه بسیار رگذارش کنند و مولا را
نیز همراه خود بر بند تا جای باش خود عرض نمایند و بعد روبه عرضی خود انجمن مذمه را مکس کنند فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام غلام مخدوم خان عاملان بهوپال مورخه بیست و ششم ربیع الثانی سنه ۱۲۸۰ هجری قدسی
باتور وسجاعت دستگاه حاکم غلام مخدوم خان قندهاری محفوظ باشند از تحوای رقعه دیوان سرعمل محتیار کار و دیعه حقوق عالیه مرقوم
میان عبدالله دربکار رسیده بملاحظه گذشت چنان بالصاف شور چند سال میان از روستا علاقه گوارکنگ قرار شده در دیات
علاقه سیول مطلوبه کار خالصه رقعه ایالت حسب معرفه شکه بعمل استاج نوکند بر واقعه بنام شوبعل حود سیوی درباره ملاقات

زر باقیات سرکار واجب الاداء و کمال اسامیان مذکور اجرا شده لهولیف مبادر مرقوم کوید الکولی از روقه مباحو ملوجان
دلفع گذشت در شیونل جموع اطفار ها الکور برمور برصد جدید جدید اسامیان باقیداران نا علاقه سلولی نزاره شده دروتنا علاقه
بموی رقیه ایلا شده زند برها بلکه قیصله زر باقیات و کمال اسامیان مذکور و مذکور تعلق خواهد رسید فیصله اسامیان مقرور علاقه نوزنگ هم
شده جوابدهی دارالخلافه از سرکار استمانه عمل فیصله زر باقیات واجب و کمال اسامیان قرار شده آمده غیر علاقه مالگذاری
بلکه احکام صدور است مذکور شیونل جدید سلولی در بدین حمل حواله ناحیه فیصله اسامیان مقرور علاقه مذکور و در جملة المال مدد الله
بلکه از کارمشی معهود و در اسامیان قرار شده آمده علاقه سلولی در کیهی هلیدار مقابله معتمد سونل جدید فیصله با سامیان تحت سان
زرا بوی لعقت و واجبی کرده رقعه نامه مذکور ارسال داشته و جمله اسامیان مقرور علاقه مذکور در علاقه نوکری رفیعه ایلا شده باشد مصدر
آن کرده گروش مقدم داشته در ساعات تکلیف سرکار شده حسب المسطور عامل شوند فقط

۱۵ جمادی الاول سنة ۱۲۶۰ هجری قدسی
ارسال شده جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم غلام حسین خان مورخه دوم جمادی الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
حکیم و صدارت پناه سلامت و امانت درگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند از روزیکه ایشان از اینجا
رفته اند هیچ از احوال آنجا مطلع نگردیده و در اینولا خبر رسید و سفر دارالصحت بهادر بسمت هندوستان
شنیده میشود بسیار تردد دیگر دارد که مبادا عذر سفر در دلوان نزد ایشان اهل خالصه رسیده زیرا که
نزد محکمه صاحب‌کلکتر بهادر حکم در مقدمات مانبرمی میرود و اهل خالصه بسبب بر می حکم صاحب‌کلکتر بهادر در مقدمات

جدید ها به رنگ نیز انداز بر آنکه ابتدای شادی از چهار راست تماشا بود دلائل بسبب جدید بسیاری
اهل خالصه نوبت بنهضت سالک شده و باز معلوم نیست که تا کجا دیگر بعد چه خواهد کشید امیدیه مقدمها
صاحب‌کلکتر بهادر گوینده و هر چه حوالش باید اطلاع کنید زیرا که از تحریر و تقریر تنگ آمده ام چه
منظور باشد حاصلات آن معلوم گردد و هم سطح نمایند اگر از ایشان و جمیع بسیاره در انتظار بیگانه هم رکرد سلطنت

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام بزرگی مورخه دوم جمادی الاول سنه ۱۲ هجری قدسی
عمده درگاه ستایش برجسین بوصیت باشد چنان شنیده شد سفر نواب صاحب بهادر بر تصمیم بسمت
هندوستان از اجازت صاحب‌کلکتر بهادر قرار یافته بودند ایشان این خبر را خوب تحقیق کرده بر نگارند
و شقه موسومه حکیم غلام حسین خان خوانده حواله بکنید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم غلام حسین خان مورخه چهارم جمادی الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
حکمت و صدارت پناه سلامت و امانت درگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند عرضی مورخه سیوم شهر حال رسید
مضمون دریافتیم مضمون شقه مورخه دوم جمادی الاول بنام صاحب‌کلکتر بهادر رسانید و هم مضمون این شقه را بعرض ایشان
ایشان رسانیده برای ایشان نخواهند داد و اگر ایشان را حسب حکم قرضداری ریاست درد نباید کشیده تا ملک
در رفع صحت گنجایش دارد که قطع نظر از آنها بولا جاگیرات دوانی را اگر برای خرچ بسم الله نور العین نواب صاحب بهادر

فقط به خاصه بند بند حج لسم الله را که نه خواهد بود و انتظار اقه خلاف ریاست هست برای

شادی همشیره بی بی دری هند نشینی نواب صاحب بهادر دربری لسم الله و نشره ما دوانی از ریاست

ودوباره از سیاه گرفته شده بود و از انحارت برای شادی لسم الله شاهجهان بیگم گرفته شود نواب صاحب بهادر

را کدام بار بیست و صاحب کلان بهادر را درد نمانید نشان تا بلب حیثیت دعوی نمانید چه در عهد ریاست

جناب بیگم صاحبه قدسیه دام اقبالها در سالگره منیر محمد خان مبلغ یازده میر یازده هزار روپیه

سالانه مقرر شد و تجویز از سلطان محمود به در ریاست مبلغ علاقه بلند از ریاست گذشته برای

شادی لسم الله نور العین حسنی حسنه جنس پیش آیند و خرج شادی آن رو نمانید و هنوز معلوم نیست برای

شادی لسم الله چه تجویز کرده اند حقیقت خواهند داد نمانید تا کی وصول خواهند شد و با جواب صاف خواهند داد

[illegible] الحکمت و حکمت پناه عاقل اند بهر صورت کیفیت دلی صاحب کلان بهادر مفصل دریافت برای رسید مطلع خود دارند

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام تحصیلدار [illegible] مورخه [illegible] ماه جمادی الاول [illegible]

[illegible] شاه سرا امید که کامکار علام محمد خان قندهاری عاملات محفوظ باشند حکم [illegible]

[illegible] بهادر [illegible] گرفتاری مجمل گویند بالکل تا [illegible] و [illegible] خاصه حسب [illegible] رسید للدم [illegible] شاه

نامه ده را اسیر کرده [illegible] تمام محکمه [illegible] رسانیده رسید بیان الحکم از دستخط دیگر درجه دوم الحاد حضور

و رسیده محکمه [illegible] دیار هم برای اعلام ایشان از مقدمه [illegible] ملفوف شده میرسد

ارسال ری نمایند فقط

انتخاب رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم حکیم [illegible] مورخه نهم جمادی الاول ۱۲

حکمت پناه سعادت دستگاه حکیم [illegible] محفوظ باشند از زبان کرامت بیان خالو صاحب میان فوجدار محمد

خان بهادر شنیدم جناب نواب [illegible] محمد خان صاحب بهادر [illegible] جنگ زاد مجده برای علاج صاحبزاده از الحکمت

شرف [illegible] نافیه لازم الحکمت پناه در علاج صاحبزاده [illegible] معروف نمایند [illegible] احوال باید نوشت

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم علام محمد خان تحصیلدار مورخه [illegible] ماه جمادی الاول ۱۲

[illegible] شاه سرا [illegible] دستگاه صاحب علام محمد خان محفوظ باشند روشن [illegible] شنیده

در سرکار رسانیده در اینجا [illegible] و مفید [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] مورخه چهاردهم جمادی الاول ۱۲

[illegible] دستگاه [illegible] باشند [illegible] وکیل [illegible] بهادر رجال حکم فرستاده صاحب کلان بهادر بنام

[illegible] میان [illegible] اگر حصه خود بگیرید داخل خزانه سرکار کنید اگر نه بهادر خواهید بود داخل شدن [illegible] محمد خان

در [illegible] نوشتن [illegible] تمام اخبار نویس نوشته و ایشان هیچ نوشته اید [illegible] دل [illegible] استفید

که خلاف ماضی از ایشان ظاهر [illegible] اگر انتظام بعهده خود نمی توانید کرد چرا معروض نمیدارند [illegible] استغنا

[illegible] کار سرکار می کنند و سر غفلت و استغنای ایشان زیاده از این چه دلیل قاطع است که ایشان و بعده

گرده رفته ایم از [illegible] صاحب بهادر رجال [illegible] نواب صاحب بهادر در باب خواهم نوشت و مکانی که در [illegible]

[illegible] خواهم فرستاد پس با وجود بعده [illegible] دیده و قاعده قدیم آن [illegible] الخ

ارزانی می یافتیم و باز دیگران را رعیت میرسد فی الواقع این قاعده از ما شد ... تا سنجاق داران آن

چنانکه حالا مکلّم نبود اگر میکردیم غفلت و استغنا از ایشان هم میشد اگر چنین حال ایشان در یافتیم چنانکه

تا سنجاق داران ایشان است بهمان قدر در حق خود علاقه پیدا ... اگر ... بسیار ... ملفوف چهار عدد مجموعه

سنتیشه سفید و دو عدد ... ملاحظه ... بعد اطلاع ... مجموع از انجا خواهند رسید خواهیم در ... [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم علام حسن خان مورخه ۱۴ جمادی الاول ۱۲ ... هجری قدسی

حکمت و صداقت ... و امانت دستگاه حکیم علام حسن خان محفوظ باشند ... سالگره نور العین ... بیگم

میرسد تا رسیدن ... میان خیر الدین ... خود امانت ... رسید بوقت رسیدن ... موافق حکم

بقدر ... هر کس تقسیم خواهند کرد ... نوشته بودند ... بسیار ... نواب سکندر بیگم جلدی میکنند حقیقتاً

مقام ... است ... از ... مقرره بسم الله افزودند و ... جلدی ... ممنون ... باید بعرض

بحکمت ... عقل و فهم قدیم ... متوجه یافته باشند ... گفته باشند فقط

دو ... سرکار جناب نواب بیگم صاحبه قدسیه دام اقبالها ... اراده ... انگلیسیه ... کرده حضور ... ملکه ...

حسنت ... چنین ... واقع است میدارند ... خواهیم رفت ... و ... ملکه ...

دو ... از ... سرکار ... موقوف کردیم ... فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم ... مورخه ۱۶ جمادی الاول ۱۲ ... هجری قدسی

تهور و شجاعت دستگاه ... علام محمد ... خان محفوظ باشند ... رسید ... بیگم

وحالا ... متفقه دو ... بعد از ... چهار ... زمین ... گنید

با عنایات میرسد ... باغ انجا خواهند ... و احوال ... خانه ... مسجد ... رسید و ... خان ... انجا

... کار میکنند و ... بعد ... نوشته ... از ... معلوم است ... رسید ... دعا

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم حکیم ... الفتاب ... مورخه ۱۶ جمادی الاول ۱۲ ... هجری قدسی

... بسیار ... میرسد ... بعد ... بوده

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم ... مورخه ۱۴ جمادی الاول ۶۰ ۱۲ هجری قدسی

شجاعت دستگاه ... محفوظ باشند ... رسید ... عافیت ... بمکان

... سرور ... از کار ... دلخواه ... خوش ... و ... خورسند ... امراو

دلی طهور را دعا خیر بگوئید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم مرتضی خان مورخه ۱۶ جمادی الاول ۶۰ ۱۲ هجری قدسی

شجاعت ... تهور دستگاه مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا معلوم نمایند ... از شنیدن ... عذر

... الحمد لله ... بعد عارضه ... صحت کامل و شفا عاجل نصیب گردد

... از صحت ... مسرور ... برای رفتن ... نوشته ... مناسب است ... بعد رسیدن ... جب ...

از ... انتها ... همراه ... رسید ... اجازت نمایند فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم حاجی محمد فاضل خان مورخه شانزدهم جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

حاجی صاحب مجمع خوبیها ... مخزن کمالات ... محمد فاضل خان صاحب سلمه الله تعالی بعد سلام مسنونه تحفه ... السلام است مسعود ... با

از مکتوب الصفا ... جمال الدین ... احوال ... عوارض ... دریافته ... گردیده ... بنجاه ... [illegible]

میرسد ... احوال ... زیاده ... و خاتمه بالایمان نصیب مومنان باد فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر ... حسین مورخه هفدهم جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

عزت ... میر ... حسین ... باشند ... دراینجا رسیده ... حجاب ... گفتیم ... این ماده را

... جمال الدین ... دختر ... امضا ... جواب ... بنیت ... او

خواهند ... در باب ... سید ... خیر الدین انصاری ... کار ... کرده ... آمد و رفت زمینداران

... لهذا تجویز ... کردیم ... میر ... دارند ... بعد رسیدن

... خواهد بود ... فرستاده ایم ... دارند فقط

عرضی ... حکیم غلام حسین خان ... ملاحظه گذشتند ... دریافته شد

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم غلام حسین خان ... مورخه هجدهم جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

حکیم ... حکیم غلام حسین خان ... میر ... حسین ... عافیت باشند ... و ... سنگ ... میلان

... موضع ... برکهیره علاقه ... نالهٔ ... بنجاه ... در موضع ... نمود

همراه خود آورده ... آبادان را ... گرفتار کرده برده بودند ... المفسدان

المفسدان از محکمه ... حضور ... بست ... عوض ... المفسدان

اسامیان موضع مذکور ... رسیده ... گرفتار کرده برده بودند ... تاکید ... آید

... صاحب ... گرفتار ... رسیده ... و نیز ... از ... المفسدان

در موضع ... باز ... آنها را ... گرفتار ... گرفتاری ... قباحت ... رد

محض ... صاحب ... موضع ... حال ... میگویند ... برضا و رغبت ... اسامیان موضع ... همراه خود بردن مضایقه نیست

مگر موضع ... بردن چه معنی دارد ... است ... میکنند و آن ...

... میکنند ... موضع ... تا اگر المفسدان ... موضع ... برده ... سازند فقط

نقل شقه جناب ... بنام شیخ ... الدین انصاری مورخه ... جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

... خیر الدین انصاری محفوظ باشند ... دستور ... رسید

... محمد خان ... فیض محمد خان ... میراث ... آن

... لهذا ... مطابق مضمون شقه ... کنید

... جناب نواب نظیر الدوله

... محمد خان ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... از زمین

سرکار ... سند ... فقط

نقل شقه سکندر بنام منشی صاحب ... جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری

شرافت و نجابت پناه فضیلت و دیانت دستگاه منشی محمد جمال الدین صاحب
بعافیت باشند عرضی ایشان رسید حالات مفصل معلوم گردید مانده شما
تا جواب خریطه مناسب بنظر نمی اید زیرا که تحریر تعداد زر مذکور بعد
استمزاج ما جاری شد پس الحال زود که بقول منشی تا الی بهتر نیست و در این
ولا نواب اسد علی خان مصروف کار بار شادی کدخدای هستند از این
سبب تاخیر جواب خریطه بنظر در خواهد شد لازم که از صاحب بهادر رخصت
گرفتن بدین شرط انسب که اگر حکم شود تا جواب خریطه نواب اسد علی خان
انتظار نمایم و یا حکیم غلام حسین خان را گذاشته راهی اسلام نگر شوم و سعید
کوهر علی ... حکیم غلام حسین را حصه دادن ضرور است فقط زیاده

نقل شقه ... سکندر بیگم ... [redacted] ...
... [redacted] ... باشند عرضی ...
... رسید ... [redacted] ... و نه بدست
... [redacted]
[redacted]
در ... حکیم غلام حسین خان ... بیایید و کوه ...
حقانیت ... [redacted]

نقل پروانه سکندر بنام سکندر قلی مورخه بست هشتم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت سکندر قلی بعافیت باشید دو تا عرایض
ایشان رسید دریافت حالات گردید در این ولا ددی رانی جی بطرف مکه شریف
میروند و بروز دو شنبه مقام بر مقبره حضور یعنی باغ فلان خواهد شد لازم که تنخواهی
مبلغ دو صد روپیه سکه کلدار زود از دوکان بندرام گماشته شیوداس سیته گرفته
حواله شان نمائید توقف یک ساعت روا مدارید و خریطه بدین مضمون
بنام بندرام میرسد بسپارید و کریم خدمت کار را تعین شما کرده ایم عرایض خود
بدست او فرستادن مناسب زیرا که احتیاط شرط است فقط

نقل پروانه سکندر بنام بندرام مورخه بست هشتم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۶ هجری
عزت آثار بندرام بعافیت باشید در این ولا ددی رانی جی سمت
مکه شریف میروند لازم که تنخواهی مبلغ دو صد روپیه سکه کلدار کرده حواله
سکندر قلی سازید توقف یک ساعت روا مدارید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام ... مورخه دوم جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ ... ماه جمادی الثانی ۱۲
... سرا ... دستگاه ... غلام محمد خان محفوظ باشند ... را که در اینجا ...
راضی نامه ... در سرکار دیگر ... در ... لازم ... سکه ... قرضه ... و ...
خواهش ... و نقول راضی نامه ها ... شقه ... در دفتر اخبار دارید فقط

نقل شقه نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم غلام حسین خان مورخه سوم جمادی الثانی ۱۲۸۶

حکمت و عمدا پناه لطافت و امانت دستگاه حکیم ... حسن خان محفوظ باشد اول ...

منشی ... صفحه ... بدار رفته بعد سلام تحیات از طرف ... سرکار کنید هم اگر چه صحت ...

صاحب ... شاه منشی جمال الدین رفع تردد ... از ... کسل لاحق بود گردید اما

خاطر مکرر از مژده صحت نامه صاحب گوش بر آواز است و باز از خود ... در بارگاه رسید ... از

خاطر رسید یا هنوز روز اول است فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم منشی ... بر رسیده ... مورخه

سیوم جمادی الثانی سنه ۱۲ هجری قدسی منشی ... شفیق ... بعد ارتفاع رسم ... گذارش اینکه

... نور ... مقدر ... الا ... بخدمت سرکار فیض آثار دام اقبالها عرض کردم فرمود که تا

حال ماخوذ معلوم نیست از قرض هنوز نجات نیافته ام تا برداشتن ملازم توجه رسد لیکن ... خاطر ... بالفعل

نکنید روپیه ... میکنیم ان شاء الله المستعان بعد ... جاگیر ... بیگم جهره ... مرزا موصوف

خواهد ... پس بنظر غور و انصاف موافق ارشاد ... راضی بر رضا بودن و کار ... عین صواب

مصلحت چنانچه ... مذکور ملفوف ... میرسد و درباره مقدار جاگیر ... او الاصل ...

مستفسر ... فرمود که دفتر ریاست بحکم ما نیست که شرح ... کنیم الآن میدانیم ... و ... از آن

نو ... جاگیر منیر محمد خان ... پس جاگیر ... بیگم زیاده از ... باید ... فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... در دیوان سکندری ... بیست و پنجم جمادی الثانی سنه ۱۲ هجری قدسی

برخوردار ... خیر خواه ... دیوان سکندری ... عرضی ایشان با اخبار رسید

شقه ... درخواست ... دیانت ... ده روپیه ... باغ ... میرسد

شقه حواله ... کنید ... دارید ... آنکه جواب داده ... مناسب ... قول ما را در باب

... خیر خواه معاملات را از رای دقیق و قوت عدالت ... حقیقتا ... ایشان نزد ما

... معاملات ریاست را تعلیم میکردیم لیکن ... آخر ... استقلال دارد ... السلام

... بیگانه بودن و کارهای ... شقه ... کشاده ... میرسد ... بخط خود ...

... نالی ... شنیده ... از ... در ... در حق ما ...

... ضرور ... آینده ... خبر داشتن ... سعادت ... و خیر ...

حاصل ... الی ... خود را ... محفوظ داشتن ... ششم جمادی الثانی سنه ۱۲ هجری قدسی

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی ... ششم جمادی الثانی سنه ۱۲ هجری قدسی

... دستگاه منشی ... بیگم ... برخوردار دیوان سکندری قلم

اجرت ... حواله کنید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه هجدهم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

مسطر [illegible] اردلی [illegible] افزون [illegible] طبایع عام و خاص را که بود [illegible] شنید زبانی [illegible] دار سعادت
و طور [illegible] در باب [illegible] صدر روپیه [illegible] صدر روپیه [illegible] لایق
خلعت و [illegible] پادشاه [illegible] اول [illegible] خود [illegible] نواب [illegible] سالار
قرار داده [illegible] با دولت آمد و رفت شروع کرد و [illegible] لاعلمی [illegible] منقاضی
فرمان [illegible] سال [illegible] اگر [illegible] نواب [illegible] سالار [illegible]
[illegible] خود را [illegible] کرده [illegible] دل [illegible] پروردگار [illegible]
دولت [illegible] خود و [illegible] جناب نواب سکندر بیگم صاحبه قدسیه دام اقبالها [illegible]
نواب [illegible] را در اینجا [illegible] فرمان [illegible] در اینجا هم موافق رتبه شما موجود [illegible] فقط

نقل شقه جناب [illegible] سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] سنه ۱۲۶۶
[illegible] بجانب [illegible] دعا محفوظ باشند
[illegible] تخته سنگ [illegible] شاه [illegible] خان
[illegible] مطلوبه [illegible] عمارت [illegible] ضرورت [illegible] را
[illegible] داده باشند [illegible] میگیریم [illegible] از آمد و شد [illegible]
در صورت [illegible] عمارت مذکور است اگر [illegible] میگفتید فکر [illegible] میکردیم [illegible]

نقل خط جناب [illegible] میرزا صفدر علی بیگ مورخه هفتم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی
میرزای [illegible] سلامت بعد سلام مسنون [illegible] محبت [illegible] مشفق و مهربان [illegible]
[illegible] مهربان فرموده بود [illegible] دام اقبالها
[illegible] بندوق [illegible] مهربان فرستاده [illegible]
فرموده [illegible] درگاه [illegible] نور العین [illegible] بیگم [illegible] خاطر [illegible] خواهد بود از
جانب [illegible] میرزا صفدر علی بیگ [illegible] دفتر [illegible] خواهد [illegible] رسید بندوق [illegible] ملفوف
رقیمه [illegible] تا اینجا [illegible] قلم آورده [illegible] اللهم [illegible]
[illegible] باید [illegible] در حق [illegible] شرف [illegible] علوم [illegible] جاگیر [illegible]
[illegible] مهربان را [illegible]
[illegible] نشنید و جاگیر جناب صاحبزاده [illegible] از برادران و عزیزان [illegible] الحمد [illegible]
[illegible] زیاده می باید [illegible] در این باب [illegible] لقمان را [illegible] رفع [illegible]
معتمد [illegible] خیرخواهی [illegible] مهربان [illegible] دوستی [illegible]
[illegible] وقت امتحان دوستی دوستان [illegible] زیاده [illegible] فقط

نقل پروانه سکندر بنام غلام حسین خان مورخه [illegible] جمادی الثانی سنه ۱۲۶۶ هجری
حکمت و صداقت پناه نظامت و ایالت دستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند [illegible]

و نه هیچ از جواب پروانه اجنتی که بنام عامل بهیلسه جاری گشته دریافته چونکه تعمیر بند و لست آبادی موضع مذکور که مزاد از طلبید
آسامیانیکه پتیل های بر در برده مقصور است نخواهد بود بلکه ویرانی روز افزون لازم که جلد با صاحب کلان بهادر عرض کرده طلب
اسامیان و پتیل های بلبید و نقل خط دولت رای متصدی می رسد از مضمونش مطلع شده و در هفته اگر یک ملاقات با صاحب کلان
بهادر کرده کم است لکن تا هم چیزی مطلب برای منظور نه که دست برد است نهاده انجا مقیم شده

نقل پروانه نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی عزیز حسین مورخه هفتم جمادی الاخری سنه ۱۲۸۶ هجریه قدسیه

[illegible] دستگاه منشی عزیز حسین بعافیت باشند اقول خطوط دولت رای متصدی متعلق موضع بهوده که نوخان حوالدار برای دریافت حال
اسامیان دهبلیه فرستاده بود مهر سند مضمونش نوشته که از منشی [illegible] در ده موافق دستور عمل سرعت از چه تا [illegible] طلب اسامیان
و پتیل های موضع مذکور کنید که در تابل ویرانی موضع مذکور روز افزون داشتن و حکیم صاحب در انجا نشسته چه کار میکنید اگر در هر هفته
یک ملاقات با صاحب کلان بهادر کرده باشند چیزی صورت مطلب برای منظور است فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مرتضی خان مورخه هشتم جمادی الاخری سنه ۱۲۸۶ هجریه قدسیه

شجاعت پناه تهور دستگاه مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا معلوم نمایند که نقل عرضی [illegible] پناه جوالا [illegible]
مرسله مضمونش دریافته از کتب راه سنیه و بلدیو صراف اسباب مرتبه متفقه دولت صاحبه را موافق سررشته سابق [illegible]
السلام بگردیده مال گذاشته در اینجا فرستید و یا با خود آرید و اگر نامبردگان از این نفهمند در عدالت اجنسی مورد منع
دیارام یا از کوتوالی تصفیه انها کرده بهر کیف اسباب مذکور را رها مده باید فرستاد مورخه هشتم شهر مذکور سنه

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عزیز حسین مورخه [illegible] شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ هجریه قدسیه
[illegible] دستگاه منشی عزیز حسین بعافیت باشند عرضی مرسله با خطه موسومه منشی جمال الدین [illegible] مضمونش رسیده بود

نمودی نفرستاده اید عنایت نامه سرکار مرقوم بود [illegible] مندرجه دریافتیم لازم است با سید [illegible] رسالدار [illegible]
[illegible] چنان نگویند که از تجویز شما سرکار خیر خواهی سرکار است کمال [illegible] رسیدیم الله در این ولا [illegible]
[illegible] نور العین از همه اول مقدم بعد انقراض از اینها هر چه مناسب ملحوظ و منظور خواهد بود بجواب تجویز شما خواهیم کوشید و اگر
در این ولا تحریک هیچ مقدمات مجوزه شما میکنیم [illegible] برانکه [illegible] در یافته این هم تلف خواهد [illegible]
[illegible] زیرا که تحریر انگریز [illegible] صاحبان [illegible] دیگر خواهد بود لهذا این مقدمه را مصلحتا تا خود [illegible] توقف داشتیم فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم حکیم غلام حسین خان مورخه [illegible] جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ [illegible]

حکمت و [illegible] پناه [illegible] دستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند از توقف [illegible]
[illegible] خالصه در [illegible] بعرض رسید چنان معلوم میشود [illegible] انقضای [illegible] میکنند و بعد بر
اراده [illegible] که روبروی الحکمت پناه و منشی جمال الدین [illegible] حاضر کرده بودند اگر
[illegible] از طلبید [illegible] مرقومه [illegible] صاحب ممدوح گردید [illegible] در حصولش [illegible] خواهد کشید لازم [illegible]
[illegible] موصوف کرده در طلب [illegible] مذکور [illegible] جلدی کنید [illegible] مذکور

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ هجریه قدسیه

شجاعت پناه تهور دستگاه مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا معلوم نمایند [illegible]
از دفتر خالصه دریافته مطلع کنید اگر [illegible] بر می آید [illegible] خواهیم فرستاد [illegible]
را در اینجا باید فرستاد و اگر [illegible] خواهد بود [illegible] باید کرد [illegible] از اطلاع [illegible]
از حوالات [illegible] باید [illegible] گردید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ولیعهد بهوپال مورخه جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ تحریر قدسیه

عزت و دستگاه منشی ... بیرون حضور شده عرضی ایشان با عرضی نقل ... حکیم غلام حسین خان ... ملاحظه گردید که ... بشنود

لازم ... از ... مضمون حرف ... در یافته ... گردید و ... خوب اختیار کرده ... از ... بسیار

روز ... معلوم شده اینوضع خوب برآورده شد و ... ممکن است باید ... [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم دیوان سکندر قلی مورخه جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ تحریر قدسیه

سرحوز ... دیوان سکندر قلی ... سلامت ... ملاحظه گردید ... در یافتیم

اعلام ... کنید با وجود ... میان ... بازار ... شده

در ... برای کار ... سرکار است لازم ... زاده ... همراه خود برده ... گرم ...

و به هر کیف با تحمل تمام کار ... انجام رسانیده بدون ... مراجعت ... معامله ...

... دفتر ... در ... سال ... تخفیف ... از ...

مقام جلدی ... است و حرید ... اسپ ... اراده ... ضرور است ... بر ...

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قلی مورخه جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ تحریر قدسیه

سرحوز دار ... دیوان سکندر قلی ... عرضی مرسله ... در یافته ... منعقد

... کنید و ... اگر از نوکران دفتر ... خواص و عوام ...

در ... هر خواهد بود ... ممکن ... الا ...

... خوب ... سکندر ...

اطلاع دادن ضرور و بهتر است ... موصوف ... همراه ...

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم مرتضی خان مورخه یازدهم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ تحریر قدسیه

منشی ... عزت ... دستگاه ... خان محفوظ باشند عرضی مرسله کاشف ... محمد اعظم ... ما از ...

... کرده ایم ... منزل ... مقدمه تصفیه یافته ... سرنوشت ... بنا بر آن میگوئیم که این ...

... اند و الا ... چند و ... ساهوان کرده ... گرفتیم از ... از ... راه و ...

هم میگرفتیم ... موافق سررشته ساهوان راضی شدند ... گفتیم ... موافق سررشته ساهوان

... تصفیه ... و اگر ... شود جواب ... از روی ... ساهوان منزل ...

و ... جمع کرده موافق سررشته ساهوان و ... تصفیه ... کرده ... خواهیم گرفت

اگر ... امروز ... تصفیه باید ... المراد ... فردا ... سوده ... توقف ...

... صاحب ... کنید ... ساهوان ... دیوان سکندر قلی ... الله ...

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قلی مورخه یازدهم جمادی الثانی ۱۲ سنه ۱۲۶۰ تحریر قدسیه

سرحوز دار ... دیوان سکندر قلی ... رقعه ... خود ... خاص

میان ... محمد خان ... رسانیده جواب ... رسانیده ... سوده ... کرده ... وقعه

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم غلام حسین خان مورخه ... جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰

حکمت و ... دلالت ... حکیم غلام حسین خان ... باشند ... مختلف

از فواید حیات کمال ملحوظ گردد این روزها نواب اشرف والا که بعد از [illegible] اهل انگلیس [illegible] حکم کلاه [illegible] بعد سلام [illegible]
که هیچ احوال و کیفیت مزاج نواب اشرف والا معلوم نشد زیرا که نواب سعید علیخان نواب اشرف والا در قلعه در رشته اند و هیچ کاغذ نامه
امیر محمد خان و الله ستان نوشته اند [illegible] بعد لهذا کاغذ نوشته و چون که حال مزاج نواب اشرف والا در [illegible]
صحیح [illegible] به کیفیت مزاج نواب اشرف والا مطلع [illegible] مطلع [illegible] زیرا که [illegible]
جناب از دیگر [illegible] خاطر ارشاد جناب خواهد [illegible] که با ایشان معاودت نواب اشرف والا مع [illegible] در نواب [illegible]
رسند و الله [illegible] همراه گرفته [illegible] بوده [illegible] زیرا که از [illegible] نواب اشرف والا [illegible] نواب اشرف والا کمال [illegible]
منجوله و خریطه [illegible] بلد توقف گذرانیده و جواب گرفته فرستید و باید [illegible] بگویند و از [illegible] نواب [illegible]
در قلعه با سوده و ممانعت رفتن هر کس در آنجا مفقود [illegible] رسیده است لهذا [illegible] نوشته اند جواب [illegible]
که نقل است [illegible] بحسب [illegible] رند فقط
[illegible] ۱۶ [illegible] قبله و کعبه [illegible]

نقل خط جناب نواب [illegible] امیر محمد [illegible] ۱۲ [illegible]
بعد [illegible] در [illegible] مزاج نواب اشرف والا [illegible] خاطر [illegible]
دل [illegible] لهذا [illegible] که از کیفیت مزاج نواب اشرف والا [illegible]
مطلع [illegible] فقط [illegible]

نقل [illegible] جناب نواب [illegible] ۱۲ [illegible]
[illegible] محمد [illegible] محمد حنیف [illegible]
[illegible] نواب اشرف والا [illegible] محمد خان [illegible]
[illegible] محمد حنیف [illegible]
[illegible]

نقل [illegible] ۱۲ [illegible]

جناب [illegible] تعد باکیسین [illegible] صمیم [illegible]
[illegible] از شدت [illegible]
و [illegible] خاطر [illegible]
که [illegible] گرفته [illegible]
در [illegible] نفت اسفان
و [illegible] دلسوزی است زیاده چه [illegible] فقط
۱۶ سنه ۱۲۶ [illegible]

نقل [illegible] جناب نواب [illegible] حکیم علام حسین خان [illegible]
حکم [illegible] نظام [illegible] حکیم علام حسین خان [illegible] خریطه و شقه [illegible]
[illegible] خریطه را واپس کنید و هم مضمون شقه را گوش گذار [illegible] نکنید فقط

نقل [illegible] جناب نواب [illegible] مرتضی خان [illegible] سنه ۱۲ [illegible]
[illegible] محفوظ باشند [illegible]
[illegible] دعوه دیگر [illegible]
[illegible] وهم [illegible]
[illegible]
[illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسومه میرزا حسین مورخه ششم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه
عزت دستگاه منیع مرزا حسین بعافیت باشند عرضی که مقدمه روپیه صاحب کالف مدعا شد جوابش در مقدمه رقعه مرقومه دولت صاحب
و حقایق پناه حکیم جواد حسن دلیل است میرسد مطابق آن کاربند شوید و دیگر حرف نوشته بودید از برادر جانب
خریده فرستید اگر رسید جواب شد و قیمتش بعد هر ماه خواهیم فرستاد مورخه هفتم شهر مذکور سنه ۱۲۶۰

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم غلام حسین خان مورخه نوزدهم جمادی الاخری سنه ۱۲۶۰ هجریه قدسیه
حکمت و صداقت پناه نظامت و امانت دستگاه حکیم غلام حسین خانی بعافیت باشند دو تا عرایض شما از دست برخوردار الف خانی و هرکاره
رسیده تا حال در فریب غرض لوبانی نیامده بودم لیکن مقتضای تسبیب این بار بحرف یار بهتان اعتماد کرده آخر ندامت برداشتم تا ملی کرد
گزرانیدن خریطه نمودید آفرین بر حسن تدبیر شما کردم برای همین بزرگان گفته اند قدیمان خود را بیفزای قدر که هرگز نیاید ز پرورده غدر
کاری کرده اید و غیرت مشغولی ما داشته اید در عوض این مبلغ یکصد روپیه بعد از مراجعت سپهر الت رالله لوی خواهم داد دیگر آنکه میرزا حسین را
گفته دهید که هیچ آثار رجای از بر و در صاحب گرفته ارسال نماید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام سیم صاحبه مرتضی خان مورخه نوزدهم جمادی الاخری سنه ۱۲۶۰ هجریه قدسیه
شجاعت پناه تهور دستگاه مرتضی خان محفوظ باشند بهندن لال و تهار دو در بهوپال اند بهندن لال را طلب کرده اظهار نمایند از دیگر بدیار هرچه
بی بی صاحبه و بهندن لال بگویند بجان بعمل آرید چراکه مقدمه این است فقط

ارسال رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر رضا مورخه بیستم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر رضا بعافیت باشند انتشاری و باورچی را که بعضی پیش هیچ کار است
همراه گرفته جلد حاضر شوید فروشنده تصاویر را که اول قیمت هر یک بیست و چهار روپیه میگفت زیاده که کم کرده یافت

یافت بر یک عدد هفت هشت روپیه میداد لیکن تا این قیمت هم نگرفتیم و فیصله کردیم در قیمت های نیز
راضی نیست پیش روپیه کرده و همه تصاویر را از نام خود خریده فرستید یا همراه خود آرید و کیفیت حال دو ساله ها
را که بود کمی با احوال زمین و سود جمله دریافته بیارید بعد ادراک جواب داده خواهد شد فقط —

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسومه عالیجاه تهور دستگاه مورخه بیستم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
تهور و شجاعت پناه شرافت و نجابت دستگاه خان صاحب علام محمد وهاب محفوظ باشند عنایت نامه حضور خان باغ آنجا میرسد
زمین باغ را که بنا لیکن منظور نیست از آسته و نو باده اش درختان را در این ایام نشانده رای شایدان بینید بار گذشته
تا دیگر در کیوتر استجار از اینجا برده رونق آن افزاید نوع تلک و جلب کرده به بهتر هرچه تمام تر مهیای باغ در انداخته
و خار و خس هر بهندی بار همی نامند گرد آورده اگر دستی گرد در بیده دار کار ما بعلق به فارغ کرده باغبان را جلد رخصت نماید فقط

ارسال رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسومه میرزا سردار لیکن خان صاحب محمد ل مورخه بیست و دوم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه
حقایق و معارف مرتبت ... سعادت بعد تا مدتی آشنا به خلوص قدیم از اهم مقاصد محبان مهم است کیفیت خاطر
در این ایام که روزگار ملول الارام است و شب و روز از مساعت اخبار متوحش و لسوزش بیست که از هجوم هموم حقایق نیست و آنی نه
که از انواع تردد بهانه نیست که روز رنج نیز آید و صبحی نه که بوطن ما غربت نماید شادی امروز امید فردا است و امید
از هر سو یاس افزا دمی نیست که غبار افکار دامن دل نکشد و وقتی نه که از جبین تشتت خاطر سر بر نزند خصوص از جهید نسل
شفقت انتزاع از تحریر نظامت ... حکیم غلام حسین خان با دراک رسید چه نقد دم و توحش ها که خاطر فاتر سیما موان ندید دست
بدعا کمال برکات مجیب الدعوات ملتمس است که هیچ شفیق را که توجه دلی میبذول حال این شکسته بال میدارند نیز الام مراد افزون

دفعه
دفعه ...

نصیحت دوام مبدل فرموده اشفاق و عنایات بی‌غایات را کارروای و بیخ‌زدای مخلصان گرداناد امید که از نوید عافیت

عاجله جرد دل نیاز منزل گوش برآواز او بهت معلی و شاد فرمایند زیاده چه بر طراز دعوات

٢٢

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم علاء حسین خان مورخه بیست و دوم جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ هجری

حکیم و جهد امید بناه لطف و امانت دستگاه حکیم علاء حسین خان محفوظ باشند [illegible] عیادت [illegible] از

[illegible] جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها نوشته لهذا از این سرکار هم سمت ارباب [illegible] امید و [illegible]

[illegible] سید و اگر [illegible] در این باره [illegible] خواهند شد [illegible] سمت [illegible] خواهد بود [illegible]

[illegible] ممکن نیست از آنجا که آن لطف بناه [illegible] دست [illegible]

و وقت [illegible] مطلع سازند [illegible] نواب [illegible] میان امیر محمد خان [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] اطلاع [illegible] فقط

٢١

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] جمادی الثانی ۱۲۸۶ هجری قدسی

[illegible] نوک و [illegible] و نصف [illegible] در

پانزده [illegible] رسید لهذا [illegible] قیمتش همه در [illegible] نوشته [illegible] ٢٤ و چهارم سنه مذکور

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر [illegible] مورخه [illegible] جمادی الاول سنه ۱۲ [illegible]

[illegible] دیوان سکندر [illegible] نفر [illegible] و اگر

از غفلت [illegible] باز [illegible] خواهد آمد [illegible] و از حال [illegible]

بر نگارند [illegible] بامسوده [illegible] باید [illegible] میان خیرالدین [illegible] گفته شد فقط

٢٣

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] مورخه [illegible] جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

[illegible] و [illegible] قوم [illegible]

[illegible] اگر [illegible] در سرکار رسانند [illegible] علت

[illegible] گرفته خواهد بود [illegible] نباید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] مورخه [illegible] جمادی الثانی ۱۲۸۶

[illegible] شاه [illegible] برای [illegible] و [illegible]

[illegible] برای [illegible] و برای [illegible] باشند

[illegible] رسید [illegible] مذکوره در [illegible] رفته [illegible] صاحبه [illegible]

کرده طلبیدند [illegible] سابق [illegible] الله و [illegible] تعمیر [illegible] و خود مراجعت نکنند

[illegible] اختیار [illegible] فقط

٢٨

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] مورخه بیست و هشتم جمادی الثانی سنه ۱۲۸۶ هجری قدسی

منظور و مشتهای همت ستاد سرا و نجابت دستگاه خان صاحب علام محمد رمضان محفوظ باشند مبلغ هشت هزار روپیه قسط اول تحصیلات رگینه منظور بابت سنه ۱۲۵۶ فصلی در دوکان شیو داس سنه داخل کنند فقط

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر حسین مورخه هفتم رجب سنه ۱۲۶۱ هجری میر ... باشند ... بست هزار روپیه بقیمت هشت تولت ... می رسد ... رسید ... و قیمت جاه ... رسید فقط

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم علام حسین خان مورخه ... رجب سنه ۱۲ ... هجری قدسیه ... که ... صد ... روپیه ... اما ... حکیم علام حسین ... محفوظ باشند ... می رسد ... اند ... رقوم بود ... نفس ... شنیده ام ... اما از شخص معتبر و آگاه شنیده ام که کار ... جناب ... روپیه ... انجا ... رسید ... روپیه ... تلبیس ... علامات ... سنه ۱۲۵۶ فصلی ... که تک ... سے تجاوزی ... اسکی ... کے واسطے که ... کے ... زیادتی ... ایسی ... فقط

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... عالیات ... منظور ... صاحب ... سنه ۱۲ هجری ... منظور ... علام محمد ... محفوظ باشند ... اسامیان ... در ... اند ... ناچار ... مقام اصلاح ... زر ... و ... که ... داشته باشند ... و اظهار ... نذر ... حواله کنند ... نظام ... صاحب ... جناب ... مرقوم شد

نقل رقعه

٣٦

نقل خط جمال الدین خان بنام میر تروالی صاحب بولتکل ایجنت مورخه هفتم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

صاحب والاشان فیض رسان زاد شرفه و دولته بعد تقدیم مراسم نیاز که شیوه عقیدتمندان راسخ الاعتقاد است معروض رای عالی میگرداند امروز جناب گردون قباب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها و دولتها از استماع رونق افروزی حضور در یهوپال برای عیادت و ادراک کیفیت مزاج وهاج جناب نواب صاحب بهادر دریافته بکمال سرور دانسته به استعداد حرفی گذارش پذیر است که اشتیاق دم مراجعت بدون ملاقات ما صاحب تشریف نبرند زیرا که مطالب ضروری ملا شرکت و زبانی غیر ... گفتنی است ... لهذا ... حکم یافته تجدید عادت مزید داشته زیاده نیازمند چه ... صلوات فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر حسین مورخه ... رجب سنه ۱۲ ... هجری قدسیه ... میر حسین ... عرض ... که ... لازم ... رفته از ما بگو ... اگر ... باشد ... تکلیف ... باشد ... در باب ... در دل داریم ... بعد ... ملاقات ... نگاه ... دارند

نقل عریضه‌ٔ سکندر بیگم بنام نامی نواب ناظر الدوله جناب امیر محمد خان بهادر مورخه نهم رجب المرجب سنه ۱۲۶۰ هجریه قدسیه

بوقوع عرض مقدس خدام والامقام حضرت قبله‌گاهی دست‌پناهی امیر آسمان جهانگیری و جهانبانی خورشید برج عالم فروزی دام ظله العالی

ادام الله اقباله می‌رساند نوازشنامهٔ شرافت‌شمامه شرف صدور فرمود معزز و ممتاز و سرافتخار این بنده را افتخار بلند نمود

قاصدان آنچه نوشته‌اند وحی آمد فرشته آمد تمنای لقای مقدسه که مرقوم قلم شفقت رقم بود دل بیتاب از منزل هم آرزوی قدمبوسی

جناب می‌نمود لاکن بسبب بی‌مهری روزگار جرات حضوری نمی‌داشتم الحال روزگار ارشاد نمود حاضر شده شرف استلام

اقدام خادمان خدام حاصل نمایم زیاده ایام جاه و اقبال بساط دوام باد

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر برکت علی مورخه نهم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

عزت دستگاه منشی میر برکت علی خان خیریت باشد دو تا عرایض مرسله کار ایشان معروض شد بنده یکی دیگر هم

بابو سوار ایشان با دو رقعه بابو مطلوبه بدست دولان سکندر قبل و بتمامه رسیده باشند

و شقه ملفوف را نزد حکیم متیس صاحب برسانید تا کهارهای ایشان حکیم غلام حسین خان را بیارند

و حالات سعید اللقب را استفسار نموده است و اگر صاحب بهادر ایفای عهد نکرد در باب آمدن خود با بیگم مسلم

کرده اند نکنند و از جهانگیرآباد بدون آمدن اینجا راه سیهور پیش گیرند باید گفت که اگر صاحب

بلندمقام در جهانگیرآباد دیگر فرمایند سرکار در باغ فرحت‌افزا اینجا در آمده برسد

مکنون خاطر دارند با صاحب گویند فقط

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم متیس صاحب دام ظله مورخه نهم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

حکمت پناه صداقت دستگاه حکیم متیس صاحب دام ظله المحفوظ باشند بحمد الله مطالعه شقه که از حضور راه

آوردن حکمت پناه حکیم غلام حسین سوی سیهور فرستید و هم شقه ملفوف را بدست کهارهای ایشان

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام حکیم غلام حسین خان مورخه نهم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

حکمت و صداقت پناه لطف و اخلاص دستگاه حکیم غلام حسین خان محفوظ باشند عرضی مرسله شما بدست کهاران

و در باب بعد خط گذشت کهاران میسر شدند و یا بودن بسبب آوردن کاه اسبان کم اند فقط

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر برکت علی مورخه نهم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

عزت دستگاه منشی میر برکت علی خیریت باشند عرضی مرسله کار ایشان معروض شد ایشان با شقه

چهار کهار یکی شدند از تشریف آوردن حکیم صاحب در اینجا حاضر شوید و یا نزد کهاران بالفعل

در سرکار موجود اند اگر کهارهای حکیم متیس صاحب برای آوردن حکیم غلام حسین خان نرفته باشند در قبضه

ایشان نیز با صاحب مراجعه کنند فقط

نقل ... نواب ... حضرت ... باد ... گشته ... شهر رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

جناب خانوخان ... مدظله العالی ... ملتمس آنکه ... نامه کرامت طراز در طلب حکیم صاحب

سو... خادم حسین شرف ایراد یافت مخدوم ما ... برای طلب تنخواه در اینجا قدم رنجه فرمایند اگر

یکبار ... طلب ... دیگر تکلیف گوارا خواهد ... از حد ... وصول ... بعید ... فقط

نقل خط جمال الدین موسوم ... سرکار ... مورخه ... رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

... نوشته ... بمواصلت ... محبت ... یاد

... جناب ... لهذا ... گردیده ... بادر ... فقط

نواب ... بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم ... سنه ۱۲ ... هجری قدسی

... بارگاه ... محفوظ ... در صفحه ...

... و وصف ... گرامی ... فتح ...

نقل ... جناب نواب ... بیگم صاحبه دام اقبالها ... سنه ۱۲ ... هجری قدسی

... بارگاه ... علامه ... شد ...

... و جواب ... نیز ...

بعد ... فقط

۳۸

نقل عرضی جمال الدین ... رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

صاحب ... و کنون ... و بوده بعد تقدیم مراسم ... که ... عقیده ... الاعتقادی است معروض رای عالی میگرداند حسب الحکم جناب سرکار فیض آثار دام اقبالها گوارا

... مرتضی خان صاحب ... بنده ... که ملازم این سرکار اند

امروز فرمان جناب نواب نظیر الدوله نظر محمد خان صاحب بهادر ... والابار

... بیگم در طلب ... شرف ایراد یافت با صله ملفوف ... بعد ملاحظه والا ... فقط

نقل خط جمال الدین ... مورخه ... رجب سنه ۱۲۶۱ هجری قدسی

... معروض ... بعد ... مسعود

... ملاحظه ... مقصد ... بوده ملاحظه ...

نامدار دام اقبالها گذشته ... از ... جناب ... بهادر ...

... سرکار ... فرموده رسانیده ... اراده ... ارسال ...

نور العین شاهجهان بیگم تمام اراکین ریاست را بار رساله‌های خاص تا با ولی ما حیفا حبه
که مصر جنابها سرکار رین است و سید سرکار صاحبه بجوابش با نواب صاحب بهادر گفته رسانیدند که هنوز
صفائی طرفین باقی است و اثنای راه دو علی است که باغ بزرگ حضور جنت آرا معمول جناب
سرکار بزرگ است و باغ با ولی معمور تا آمدن چنین به حوض تا اینجا مناسب است پس استقبال تا پل پخته
آنست و در اینجا جناب نمرتیت یعنی امیر محمد خان الصف را با چند مردمان معتمد شان فرستادن
شایان است و هم منشی بیسی سرکار صاحب را با منشی باکر علی اخبار نویس همراه نموده باشند و چند
چند اسمای اشخاص برای همراهی صاحبزاده صاحب والاتبار که مرقوم خامه سامی اند و جناب سرکار صاحبه
بعد ملاحظه بجوابش مقرر نمایند که بهیچ یک از آنها با جناب سرکار بزرگ دام اقبالها تعلق دارند رفتن
همراه صاحبزاده صاحب والاجاه نخواهد شد و ضرورت رفتن میان خیرالدین انصاری با چندان نیست
زیرا که کار سیاحان نیست که امروز همراه باشند لو کا فتح جنگ خان باشند و پنج سوار کم و بیش را
همراه خواهند بود و سید صاحب استاد صاحبزاده صاحب اگر قبول خواهند فرمود همراه خواهند بود و تشریف
آوردن نواب اسد علی خان بهادر تا اینجا مناسب نیست محض اختیار جناب صاحب عمدة الحکم بهادر است
جناب سرکار صاحبه نوشته و ملاحظه کرد زاینده خبر سال است فقط

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام نواب نظیر الدوله نظر محمد خان بهادر ثابت جنگ مورخه چهارم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری
نواب صاحب الطاف فرمای بی‌ها یان نواب نظیر الدوله امیر محمد خان بهادر ثابت جنگ سلمه الله تعالی
بعد سلام سنت اسلام واضح باد شاهجهان بیگم حسب طلب می‌رسد امید که بعد از حفظ مراد استن
دیدار رخصت نمائید زیرا که نزد ایشان خیلی فرزند دختر همین است شود که زندگی تلخ گردد

پروردگار گوش شنوا داد فقط

نقل رقعه جمال الدین خان منشی بیسی سرکار بسید دار الصبیع سبهور مورخه چهارم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قد
منشی صاحب مشفق مهربان از رقعه شما زمینداران منشی بیسی سرکار شما شملته اعداد مراسم
ما وجب مشهود ضمیر تحسین تحمیر باد در باب استقبال در این مقصد نوشته شد بلوز جناب
سرکار صاحبه منتظر جوابش هستند والحال عرضی مرتضی خان صاحب می‌رسد ملاحظه کرده باشند
[illegible] میفرمایند که استقبال تا باغ مقبره شریف مناسب است محض اختیار است فقط

نقل [illegible] جمال الدین [illegible] بنام منشی [illegible] مورخه [illegible] شهر رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قد
منشی صاحب مشفق مهربان کرمفرمائی بیان نمودار [illegible] زاد اتفاقه تکلف بر طرف جناب سرکار صاحبه

دام اقبالهما میفرمایند که از تنکیله که منشی بینی پرشاد صاحب با منشی شاکر علی در اینجا نخواهند آمد ... اینجا هم
نخواهیم فرستاد. اطلاعش بخدمت صاحب کلان بهادر کرده اجازت گرفته جلد تشریف آرند تا جناب صاحبزاده صاحب
تشریف برند ... تشریف بیارند و فرستادن الصاحب جناب صاحب کلان بهادر منظور ندارند استقبال
بالکل موقوف کنند فقط ... بهادر ملاقات خواهند کرد زیرا که غرض فقط از ملاقات است

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام مرتضی خان ... چهاردهم شهر رجب ۱۲۶۱ هجری قدسیه
شجاعت ... مرتضی خان ... العلی
صاحب ... که استقبال ... مقبره شریف منظور نیست زیرا که
... استقبال ... کنند منظور نیست و اگر ... امیر محمد خان
با منشی ... در اینجا تشریف نخواهند آورد ... نخواهند
... مقبره شریف استقبال نکنند و الا استقبال بالکل موقوف کنند و ...
... استقبال ... مقدم ...

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه ... مورخه ... رجب ۱۲۶۱ هجری قدسیه

منشی ... صاحب ... منشی ... نقد ... قه
... جناب صاحب ... بهادر ... ملاطفه ... محمد مختار خان
عنایت نامه ملاحظه جناب سرکار ... دام اقبالهما گذرانیده شد فرمودند ... بهادر ...
... امیر محمد خان ... بهادر را ... ارسال ... فقط

نقل پروانه سکندر بنام هربر حسین مورخه چهاردهم شهر رجب سنه ۱۲۶۱
هجری عزت دستگاه منشی هربر حسین بعافیت باشید دو تا عرایض
مرسله صباح و یک بدست سوار ڈاک رسید داشتن ... مناسب بدین وضع که اگر سرکار خواهند فرمود خواهیم داشت
... خواهیم نمود فقط

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالهما بنام حکیم ... مورخه ... رجب ۱۲۶۱
... حکیم ... صاحب ... زبانی ... رسید
... تا ... از مرض ... منتقل ...
... غافل نشوند فقط

نقل ... نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالهما ... مورخه ... رجب ۱۲۶۱ هجری

بخیریت ها رسید را هم سپرده لیکن نیست باشند از لنگری و طلائی و گوهر و تحفه گوشه فرستید

۱۲ ۶

نقل رقعه نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قلمرو ... تاریخ [illegible]

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر [illegible] محفوظ باشند یک [illegible]

سرکار [illegible] مقصد نیکی دلاور شاد مفهوم شد و عاقبت سرکار [illegible] منتظر

براهیم [illegible] سپرده باشند [illegible] بعض از [illegible] عجب [illegible] الله [illegible]

گرفته باشند و از آن نگویند سلامت [illegible] فرستید و حالی نواب [illegible] صاحب

[illegible] از رقعه [illegible] مقصد نوشته باشند [illegible]

[illegible] باشند و [illegible] هیچ [illegible] در باب [illegible] اگر [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] و [illegible] دیگر

[illegible] باشند [illegible] و هم [illegible] فقط

۱۲ ۶

نقل رقعه نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر [illegible] تاریخ [illegible]

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر [illegible] باشند [illegible]

تکلف [illegible] خاص طیار کردیم بدست نواب صاحب [illegible] برسانید فقط

نقل خریطه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] ۱۲ ۶ [illegible]

صاحب [illegible] و مهربان [illegible] سلمه الله تعالی بعد [illegible] خلوص قدیم [illegible] مقاصد

[illegible] آنکه [illegible] خاطر خطیر آنکه [illegible] تشریف بردن [illegible] نواب [illegible]

[illegible] مسموع [illegible] و مخالفت برادران و [illegible] چنانکه در این باب [illegible]

[illegible] ظاهر و باهر [illegible] ضرورت [illegible] مشفق

با مشفقه مهربان صاحبه در اینجا تشریف آورده در شهر بهوپال [illegible] جناب

بیگم صاحبه [illegible] دام اقبالها [illegible] باشند [illegible]

[illegible] گردد اقامت فرمائید زیرا که [illegible] در اینجا [illegible]

[illegible] خاطر [illegible] شفقت [illegible] برطرازد

۱۹

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] ۱۲ ۶ [illegible]

[illegible] مرتضی خان محفوظ باشند [illegible] صاحب

سرکار [illegible] دام اقبالها [illegible] تشریف برده [illegible] نواب [illegible]

تو [illegible] رقعه [illegible] خلوت دیدند [illegible] اتفاقی است ضعف و نقاهت [illegible] فرمودند که ما هم [illegible]

خانم حسین [illegible] خواهیم فرستاد [illegible] صفحه [illegible] فرمودند که تا سوز و قول و افواه عالم تحقیقات [illegible]

[illegible] می بینداشتیم حالا که [illegible] بچشم دیده میگویند یقین بلکه بیان می بینداشتیم که مرد [illegible]

[illegible] نواب [illegible] کرده باز [illegible] برند و بعد آمدن [illegible] را اراده [illegible]

تا [illegible] باغ فرار اراده ما [illegible] نواب [illegible] اطلاع مضمون [illegible] رقعه [illegible] شاه [illegible]

[illegible] سلام رسانیده [illegible]

و [illegible] خاطر [illegible] مورخه [illegible] شهر [illegible] ۱۵ ۶۰ ۱۲

بعد خط جناب [illegible] الدین [illegible] منشی [illegible] مورخه [illegible] ۶ ۱۲ هجری [illegible]

[illegible] بعد سلام [illegible] السلام [illegible] جناب [illegible] کار [illegible]

[illegible] رونق افروز [illegible] بوده انتظار [illegible] مقدم [illegible]

و [illegible]

بعد خط [illegible] الدین [illegible] مورخه [illegible] ۶ ۱۲ [illegible]

بعد سلام [illegible] السلام [illegible] ضمیر [illegible] خاطر [illegible] مضمون [illegible]

مرقوم [illegible] مرسلید [illegible] ارسال [illegible] باید [illegible]

[illegible] افزا را رونق افزوده عیادت جناب نواب [illegible] زیاده [illegible]

[illegible] جناب نواب [illegible] سکندر [illegible] دام اقباله [illegible] مورخه [illegible] ۱۲

[illegible] بعد [illegible] بنده [illegible]

[illegible] سکندر [illegible] شاه [illegible] دریافته [illegible] دریافتیم [illegible]

[illegible] داستان [illegible] از کار صدق [illegible]

ملفوف رقعه [illegible] مکتوب [illegible] رسانید فقط

[illegible] نواب سکندر [illegible] صاحب [illegible] مورخه [illegible] ۲۲ ۱۲

[illegible] ۲۴ [illegible] برده [illegible]

[illegible] رسید [illegible]

بعد خط جناب نواب سکندر [illegible] صاحب [illegible] سکندر [illegible] مورخه [illegible] ۲۳ ۶ ۱۲

[illegible] ۲۳ [illegible] مورخه [illegible] ۶۰ ۱۲ [illegible]

[illegible] هنوز نرسیده

مدعی تقاضای زخرفی بیان است هنوز نرسیده که بدعت [illegible] نوازید [illegible] معلوم مهید شده و در روز [illegible]

سنگینی [illegible] از آنجا که مقرر او است و زنجیر بیعت شاه مرتضی [illegible] اگرچه [illegible]

رنجه نشوید زیرا که اوشان را از برای بنده معلوم نگاشته و این ان از جای خود از اوشان رنجیده [illegible]

میمنت [illegible] از آنجا او [illegible] کار سرکار است نه از نام و [illegible] شاه مرتضی را چنین [illegible] گفته بودیم [illegible] خاقان

العظیم نمایید ایشان در دقیقه [illegible] اظهار روشان [illegible] میرزا [illegible] وکلاء و [illegible] میرزا محمد خان بهادر

[illegible] برابر باشند و [illegible] تا [illegible] در [illegible] شود [illegible] ملکف

[illegible] عریضه میر واصل [illegible] ستاره [illegible] مستغفر بود که [illegible] و [illegible] داشته

[illegible] بر وی [illegible] مضامین [illegible] کار [illegible] رسید [illegible]

بعد [illegible] و با عریضه ایشان و مرتضی خان [illegible] شد [illegible]

[illegible] سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مرتضی خان مورخه [illegible] رجب [illegible] ۱۲

[illegible] شاه [illegible] مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا [illegible] سکندر [illegible]

گرفته فردا و را اینجا بیایید زیرا که از گرفتن معلوم بود که خوش خاطر نور الابصار [illegible] است [illegible]

[illegible] سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر واصل علی مورخه [illegible] ۱۲ [illegible]

[illegible] شاه [illegible] میر واصل علی محفوظ باشند عرضی [illegible] دستخط [illegible]

[illegible] که [illegible] خیرخواهی [illegible] بود [illegible] از این فقره [illegible] کتاب [illegible]

جهانی فتح [illegible] خاطر [illegible] گردید [illegible] هر چه از ایشان مظنون بود علم الیقین شد

للازم [illegible] صدق و [illegible] که مضمون آن [illegible] بنیاد [illegible] انکه ما را نیز بهر حال متوجه حال خود ببینید [illegible]

فدای متصور شوید و مضمون [illegible] مقصود باشد [illegible] زیاده توفیق [illegible] ملتی باد

نقل خط جناب [illegible] میر واصل علی مورخه [illegible]

بعد سلام شوق و اظهار تمنای [illegible] مواصلت مشهود ضمیر منیر [illegible] از [illegible] عرضی مرسله گرامی

و مطالعه آن [illegible] ملال [illegible] مبارک سرکار [illegible] دام اقبالها [illegible] ضمیر

[illegible] از رنگ مخالفت عهد [illegible] خاطر [illegible] امرای جیلا

[illegible] مقصور گردد [illegible] عهد است [illegible]

[illegible] انکه لوازم فهم و فراست [illegible] عقلای آفاق [illegible]

خاطر [illegible] مخالفت انجام [illegible] خیرخواهی جناب عالیه سرکار را که ملکوت طبع [illegible]

[illegible] رسانید که نتیجه آن بهبودی دوستان مخلص [illegible]

بجلوه درآید و وقت وقتی است که [illegible] افسوس [illegible] کارگزاران [illegible]

[illegible] تا فردا است زیاده [illegible] الحکم [illegible] مورخه ۲۵ [illegible] مذکور

[illegible] سکندر بیگم [illegible] مورخه [illegible]

[illegible]

از رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان مورخه بیست و [illegible] رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

[illegible] محمد مرتضی خان [illegible] بعد [illegible] رقعه [illegible] رسید [illegible]

[illegible] چند [illegible] خبرت [illegible]

از گفته [illegible] حقیقت متغیر و مبدل گشته و [illegible] الله [illegible]

[illegible] از [illegible] رونق [illegible]

[illegible] بعض [illegible]

از رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

[illegible] محمد [illegible] خان [illegible]

[illegible] رسید [illegible]

[illegible] همراه گرفته [illegible] محافظت [illegible]

از رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان [illegible] سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

[illegible] محمد مرتضی خان [illegible]

[illegible] اول [illegible]

[illegible]

[illegible] خط [illegible] بنام [illegible]

[illegible] تحریر [illegible] بنام نواب [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] هم [illegible] رسید مقصود از تحریر [illegible] بود [illegible] تحریر [illegible] کرد نواب [illegible] خواهند نمود

[illegible] از اینجا [illegible] گرفته [illegible] مقام [illegible]

[illegible] جواب [illegible] سوالها [illegible] ترتیب [illegible] اول سوال [illegible]

[illegible] جواب [illegible] از نواب [illegible] مقدمات [illegible]

از رقعه [illegible] بنام [illegible] مورخه [illegible] رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی [illegible]

محمد مرتضی خان [illegible] از محمد جمال الدین [illegible]

[illegible] گرفته [illegible] اگر [illegible] تحریر دیگر مقدمات [illegible]

از رقعه [illegible] جناب [illegible] بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] محمد مرتضی خان مورخه [illegible] سنه ۱۲۶۰ هجری [illegible]

[illegible] محمد مرتضی خان [illegible]

[illegible]

[illegible] برای

[illegible]

خواهم دید چنان که هست و بیرحمی ما از یوسف وزیر جنگ بهادر از ذات ما نیز خارج است هم چنان نواب صاحب بهادر
عرض و گله‌ای نداشته باید و فوج صحت مزاج صاحب با من سوء خواهم کرد و بیشتر هم نواب صاحب خدیو خجسته خصال کو
و شکرگذارانه فرستاده بودم همه مقدمه راز نهفتنی گزارش باشد نوشته فرستید منظوری و غیر منظوری بعد
مطالعه آن دیده خواهد شد در آن وقت فهم خیال گفته فرستاده بودیم که وقت تحریر مقدمات اهم فرصت نیست
هنگام صحبت فهمیده خواهد شد همین هم گفته بودم محض برای آنکه در سرکار خدیو خصال نواب صاحب بهادر
رسیدن ضرورت دارد خواهد بود نواب صاحب بهادر [illegible] روزگار صاحب بهادر و در روز خلوت [illegible]
دوستانش نوشته بود لیکن نتوانستند [illegible] حال بعد تحریر آن [illegible] زمانی که از خوشی [illegible] نواب صاحب بهادر
سرسبز خوش و خرم خواهد شد بعد چند روز [illegible] ما و نواب صاحب بهادر هم خواهند شد بلکه [illegible] مقصور
بهادر این نوشته [illegible] در روز خلوت [illegible] مذکور [illegible]
اجنت صاحب بهادر [illegible] نام ما نوشته [illegible] عنایت فرستند [illegible]
[illegible] نواب صاحب بهادر [illegible] اجنت صاحب بهادر [illegible] نوشته بود [illegible]
[illegible] زمین [illegible] لیکن [illegible] جان [illegible] نواب صاحب بهادر را
مرض [illegible] در پیش [illegible] عوض نمایید [illegible]
در [illegible] از میان امیر محمد خان با

سید خان با [illegible] فرستید تا [illegible] نوشتم [illegible]
جلد [illegible] زیرا که ما [illegible] فقط

[illegible] ۲۷ [illegible]

۱۲ [illegible] خدا [illegible] امیر محمد خان [illegible]
جناب جلالتمآب صاحب [illegible] مدظله العالی بعد ادای ادب و تسلیم گذارش آنکه نوازش نامه کرامت طراز [illegible]
کاشف [illegible] فرمود [illegible] قول و اقرار [illegible] اشتیاق بود [illegible]
تا [illegible] از [illegible] مقصود [illegible] در مقام ادب و سکوت [illegible]
موصوفه [illegible] غرض [illegible] آن [illegible] خواهد بود.
که از [illegible] صاحب بهادر [illegible] نواب صاحب بهادر بود در
رفته [illegible] و بر فضل حافظ حقیقی توکل کرده جان را [illegible] حالا هم
همان وقت است که بدون صفای باطنی بدانجای اندیشناک جرات [illegible]
زیرا که نواب صاحب بهادر [illegible] خاک [illegible] امید و هم از [illegible]
اگر خدا نخواسته [illegible]
[illegible] زیاده ابرام است [illegible]
فردا خواهد شد فقط

نقل رقعهٔ جناب نواب سکندر بیگم دام اقبالها بنام میرزا تقی خان مورخهٔ بیست و یکم رجب سنهٔ ۱۲۶۰ هجری قدسی
... عمر شاه ... محمد ... محفوظ باشند ... بعد الاعلام [illegible] نواب سکندر بیگم صاحبه
... رفته ... ده ... طبع نواب صاحب ... عنایت ... مردم ... ازینجا طلب ...
جناب ... بعد ... سید ... نام ... فرستادند ...
... برای دیدن نواب صاحب ... خواهد ... ایشان را همراه خود ...
... نواب صاحب بهادر ... جناب ... در اینجا تشریف آرند ... روز ... در اینجا ...

نقل رقعهٔ نواب سکندر بیگم دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان ... مورخهٔ ... شهر رجب سنهٔ ۱۲۶۰ هجری قدسی
... محفوظ باشند بعد ... معلوم ... مرقوم بود ...
... صاحب بهادر ... صاحب بهادر ... گویم ... نواب صاحب بهادر
... مقدمات ...
... صاحب نواب صاحب بهادر ... خواهم
گفت ... اگر نواب ... بهادر را طلب ... نواب صاحب بهادر را
... خواهان باشند ...
... در اسلام ... متوجه ... نواب صاحب بهادر و سوای این ...
... دیگر مقدمات در باب ... بهادر خواستند ... نواب صاحب بهادر ...
... مقدمات ... تلف کردیم و در ... دیگر مقدمات ...
... بزرگ ... دام اقبالها ... در طلب

نواب صاحب بهادر ... همچنانکه جناب ممدوحه ... نواب صاحب بهادر ...
نواب صاحب بهادر ... می شوند ... ولی که ... نوشته بود ...
... هیچ ... طلب نواب ... بهادر و از
... ممدوحه شده است تا ... اقبال و ... از نواب صاحب ... ولی
نخواهیم ... و این چند فقره از دستخط خاص نوشته ام ... نواب صاحب بهادر ... تا ...
... شما ... کار امید ...
ضعف ... نواب ... از خوبی خود ... در حرص و ... آینده ... اختیار

نقل ... نواب سکندر بیگم صاحبه ... دام اقبالها ...
... چند ...
که ... نواب صاحب بهادر و کیل ... مضمون ...
... که ... مضمون ... فقط

نقل رقعهٔ نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان ... شهر رجب سنهٔ ۱۲۶۰ هجری قدسی
... محفوظ باشد ... محمد ... خان ...
رسانید که وقت ... وقت است ...
... صاحب بهادر ... زیرا که ... خودمی ... از تمام ...
نواب صاحب بهادر ... نواب ... بهادر ...

کنجی تلخی ما و بربادی بابت گرد و فقط جواب . اینچنین هرچه از اوشان باشد بر کام
و شبی از یکدیگر و روز ... مینویسند مقام ما و نیز خواهیم رفت و در آمدن بوزن صاحب
در ... نظر ما هیچ فیاحتی نمی گذارد و زیرا که در میان ایشان ... و خبار ...
بیگم صاحبه ... سرکار ... تمامت پس است بعد یکدیگر و روز دیگر ... بوزن صاحب ...
جسید ... که در این باب صاحب ... کسی ... و طلب در اینجا آمدن ...
می شود و امروز خریطه صاحب ... ما ... خریطه ... سرکار ... سنیه
قبول ... تولد دختر ... اختر ... ورقه های کرته ... رسید فقط
... در خریطه را که رسیده بودند ... خریطه بود فقط

نقل ... نواب ... دام اقباله بنام میان ... محمد ... ۱۲ ... ۲۳ ...
منشار ... وقت ... الحمد لله ... که ... الله ... وقت ...
... خاطر ... جمعیت ... شکفت ...
... اگر ... اما ...
... بسیار ... و استدعای ... که ... صاحب ...
... کنند ... هستند
... ما و ... دلدار
... مقدمات ... لطف ...
... سرکار ...

۲۷

... محمد ... گفته بود ... صاحبه ... عنایت ... ایشان ...
جناب ... بواسطه ... فرمایند ... سیب و ... ...
و ... متعدد ... صاحب ... جسید ... اینجا ... ... خوبی ...

... صاحب ... رسیده ... ... نماز

نقل ... نواب ... صاحبه دام اقباله بنام ... مورخه ... ششم رجب ... ۱۲ ... قدسی
... که ... اعظم ... فان
در ... ایشان ... ضرور است ... جملهء ...
... محمد ... صاحب ... رسید ...
... ایشان ... بود ... ما ...
... رسید ...

نقل خریطه ... نواب ... صاحبه دام اقباله بنام ... ۱۲
... خاطر ...
... حقیقی ... اخلاص ...
... ایشان ...
... بنیاد ... بخیر ...

سرکار دولتمدار کمپنی انگریز بهادر جانبی ملجائی و ماوائی ندیدند بنا علیه بهنگام مهمات و معضلات و مطالبات

[illegible] عمیم مساعدت بلیغه [illegible] مخلصانه و انقطاع راه و رسم ازینجانب [illegible] بتقدیم رسانید [illegible]

مورد حظوظ نوابی و حکومت [illegible] استقلال ذات و نسل و مصدر عطای ملک و خلعت بوده بنامی ریاست [illegible]

[illegible] در [illegible] سرکار با اقبال [illegible] در فضای امید [illegible]

مستحکم فرمود اما چون [illegible] نبودنی بگذشت [illegible] ریاست در [illegible]

جان جان آفرین سپرد [illegible] نسل [illegible] ذات واحد [illegible] امید [illegible] عهد نامه [illegible]

صاحبان عالیشان تا زمان [illegible] متفق و مهربان [illegible] بهادر [illegible] بوده [illegible] و از این چند سال که بالای

نواب [illegible] بهادر خلعت [illegible] چندان کاوش دل نبود زیرا که عقد [illegible] استقلال ریاست [illegible] گردید

[illegible] مصداق [illegible] این لطیفه [illegible] بهادر [illegible] میکند [illegible]

مستقر [illegible] منظور گردید [illegible] محمد [illegible]

نام نشان با اختیار [illegible] گردید [illegible] محمد خان نواب [illegible] اطلاع این امور [illegible]

خامه [illegible] که [illegible] حکم قضا و قدر [illegible] دوستان هم

بوده [illegible] دشمنان [illegible] نواب [illegible] محمد [illegible] بهادر [illegible] عهد [illegible] سرکار [illegible]

[illegible] ریاست محروم قطع کرده [illegible] بهادر ریاست را [illegible] نام [illegible] دست غنیمت که در این زمانه دراز

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دوازده [illegible] نواب [illegible] بهادر [illegible]

[illegible] بهادر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صاحب [illegible] عقیدت [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] دام اقبالهم [illegible] بهادر [illegible]

[illegible]

[illegible] بهادر [illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۹ [illegible]

[illegible] محمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دفعه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان مورخه سیوم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه
سنجا ... محمد مرتضی خان محفوظ باشند ... حکیم جواد ... دلیل ... محمد ... مسعود ... صاحب
و هم ... در ... گویند ... از طرف ... ایشان می‌رسند ... همراه ...
... بسیار ... از ایشان ... رسانید ... [illegible]

حال المحال ... نوشته باشید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان مورخه سیوم رجب سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه
سنجا ... محمد مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا ... ایشان در عرضی ... نوشته بودید
بدین عبارت ... محض برای تفویض ... نواب ... سعید خان تاکید فرموده‌اند ... امورات
... سید خان ... اسد علیخان ... تمام ... عالیه تشریف آوردند ... زمان
... خواهند فرمود ... احکام صادر ... بسیار ... معروف گردد
... مستند ... اطمینان ... دولت ... میکنند ...
... تمام ... نمایند و ...
... صفائی ... خط ... بسیار ...
... نوشته ... ترتیب ... جواب ... نوشته باشند ...
... ترتیب ... جواب ... نوشته ... فقط

دفعه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه ادام الله اقبالها بنام منشی ... حسین مورخه ... رجب ۱۲۶۰ هجری
عرضی ... منشی ... حسین ... بتاریخ رسیدیم ...
بسیار ... جواب ... سابق ... در ... منشی ... الدین
... ایشان ... نوشته بودند ...
خاطر خاطر در آید نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه ادام الله اقبالها ... رجب ... ۱۲۶۰
صاحب مشفق و مهربان کرم فرمای مخلصان ... خان ...
... مشفق و مهربان ... تشریف ... بودید ... در ...
... بیگم ... و مخلص ... مطلع ... نمایم ... بیگم ...
... از طرف ... بسیار ... محمد مرتضی خان ... مخلص
... ملاحظه ... بر ...
... مخلص ... تمام فرمائید ... کار و سرکار ...
... زیاده چه بر طراز د فقط

ماه شعبان سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی علام ... مورخه ... شعبان ۱۲۶۰ هجری قدسیه
... منشی علام ... محفوظ باشند ... ثابت ... اخباری
را ... دار ... اگرچه ... سرکار ... باشد

مطلع می کنید اینجا در حق خود بهتر از آنچه اند که اگر خدا خواسته از آنجا بی جان بظهور خواهد آمد

معاف نخواهد بود زیاده توفیق متانت و خیرخواهی و پاس نمک رفیق باد مورخه شهر شعبان ۱۲

[illegible] نور سکندر نکته دام اقباله [illegible] علام [illegible] شهر شعبان سنه ۱۲ تحریر [illegible]

[illegible] مرتضی قلی مخصوص باشند بعد دعا اعلام [illegible] رساله کاشف مندرجه

شدند [illegible] از [illegible] مطلع [illegible] اوشان [illegible]

میدیدند [illegible] بعضی [illegible] علیخان و [illegible] خان [illegible] گفته [illegible]

[illegible] بر [illegible] بس اگر [illegible] خان [illegible] آمدن ما

[illegible] از آمدن اسلام [illegible]

اگر [illegible] در دل [illegible] سرکار [illegible] در اسلام [illegible]

[illegible] کمال [illegible] شاه [illegible] که [illegible]

در [illegible] مانوب [illegible] مقصود [illegible] خواست اگر [illegible]

[illegible] در طلب [illegible] تمام عمر [illegible] زود [illegible]

[illegible] سکندر [illegible] دام اقباله العالی [illegible] علام [illegible] شهر شعبان سنه ۱۲

[illegible] مخصوص باشند [illegible] جمال الدین

[illegible] مکتوب [illegible] زاده [illegible] کلان [illegible]

[illegible] کرده [illegible] مذکور [illegible]

بار [illegible] سکندر [illegible] دام اقباله العالی [illegible] علام [illegible]

[illegible] شاه [illegible] مخصوص باشند [illegible] سکندر

[illegible] سکندر [illegible] از ایشان مانوب [illegible] اگر [illegible]

[illegible] مطلع می کنید [illegible] در حق [illegible] آمدند [illegible] ایشان [illegible]

بظهور خواهد [illegible] معاف [illegible] زیاده توفیق متانت و خیرخواهی و پاس نمک رفیق باد

[illegible] محمد جمال الدین [illegible] شهر شعبان سنه ۱۲ تحریر [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] بعد [illegible] الاشفاق

[illegible] بنده [illegible] از [illegible] ما [illegible] تقدیم [illegible]

آقای [illegible] داشتم [illegible] مهربان [illegible] کلان [illegible]

[illegible] روز [illegible] باشند [illegible]

[illegible] نوروز [illegible] در [illegible]

[illegible] در [illegible] شریف [illegible]

[illegible] در [illegible] اگر [illegible] مهربان [illegible] کلان [illegible]

[illegible] اینجا [illegible] رفت [illegible] دارم [illegible]

زحمت احوال و جناب کربلائی فرمودند بیمار است ... بیمار محمد ... در بیش
آمد حال طی ... شد ... در نظر ... است ... بیمار ... و در اینجا
صاحبکاری بیمار ... است ... از ... و ولای ... خود آمد بود
و ... معالجه ... است ... بر ... القرینه
موقوف است لکن ... است ... بیمار ... در زمان ... جناب
... بیمار ... بعد ... احسان ... خواهم شد
و هم ... در ... القرینه ... باقیست
مورد ... رسید

... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... از ...
... [illegible] ...
تمام ... [illegible] ...
از ... [illegible] ... کنند بس

... [illegible] ... فقط

... محمد ... سال ... مطابق ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... بیمار موقوف ... فقط ... حکم ... فقط

... [illegible] ... شعبان ... مطابق ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... فقط

... [illegible] ... شعبان ...

وجه [illegible]

عزیز ... مرحمتی ... نوشت شد ... مرسله جلد ... درست ... که ... فقط

القاب ... جناب نواب ... دام اقبالها ... بنام ... محمد ... حسین خان مورخه دوم ربیع ... ۱۲ ... هجری

حکمت ... دستخط ... علم ... حسن خان محفوظ ... با ... الحمد لله ... لوالقاب ... سپار

خط از دست خاص در ... با فرستاده ... ملاحظه ... دور ... دستخط ... محمد مرتضی خان ملحوظ

میر سند جلد ... ملاحظه ... بدست ... باز برسانید ... خواهد

که موقوف ... نوالقاب ... مید ... کرده ... فقط الانتظار ...

و سواری سرکار ... فقط

القاب ... نواب ... دام اقبالها بنام ... مورخه سوم شعبان ... ۱۲۰۶ ... هجری

عزیز ... شیوه ... خط ... مبلغ ... روپیه ... ملتان ... جلد

... ارسال ... آورند ... خاص ... مبلغ ... روپیه ...

و ... میرسانید ... فقط

وجه ...

القاب ... جناب نواب ... دام اقبالها بنام محمد ... خان مورخه دوم شعبان ۱۲۰۶ ... هجری

شجاعت پناه ... محمد ... خان ... بعد دعا ... خط ... نوالقاب ... جواب ... جمع

ملاحظه ... الشجاعت پناه ... الاسباب ... دیگر

الملال ... نوالقاب ... بالکل موقوف دارند

پیشتر

بیشتر هم با لشجاعت پناه ... بودیم ... اطلاع ... فقط

القاب خط ... محمد ... الدین ... بنام ... مورخه ... ماه شعبان ۱۲۰۶ ... هجری

... مهربان ... کرم فرمای ... صاحب ... نوالقاب ... بنام ... جناب ...

میرسد ... جناب ... ارسال ... هم بخدمت جناب ... از طرف جناب ... موقوف ... که ... سرکار

بزرگ ... برای ... نوالقاب ... لطف ... بودیم ... صاحب ... ما ... اند ... صاحب

لازم ... بخدمت ... برای ... عبادت نوالقاب ... فقط

القاب خط ... بنام ... مورخه دوم شعبان ... ۱۲ ... هجری ...

... مشفق و مهربان ... محمد ... خان ... بعد ... از ...

... خط ... جناب نواب ... جناب ... آثار

کمال رفع ... خیر خواهی ... تدبیر ... منظور ...

دام اقبالها ... محمد ... خان ... کار ...

روز افزون سرگرم ... بعد ... باید ... از ... محمد

از جواب ... قلم ... فرمود ... روبروی ... ما ...

وارد [illegible] سامنے [illegible] مبلغ [illegible] اسم بالاسم [illegible]
قرطاس سیاہم دریغ فرمایند چہ مقصود [illegible] ابرام [illegible]

نقل عریضہ جناب نواب سکندر بیگم صاحبہ [illegible] نواب سکندر بیگم صاحبہ قدسیہ مورخہ دوم شعبان [illegible]
عرضداشت بخدمت فیض درجت [illegible] بلقیس زمان [illegible] دوران جناب نواب سکندر بیگم صاحبہ قدسیہ دام اقبالہا
میرساند بعد ادای آداب تسلیمات [illegible] کورنش [illegible] معروض میگرداند [illegible]
کی رقعہ سے معلوم ہوا کہ آپ یوں فرماتی ہو کہ تم [illegible] صورت یہ ہے [illegible]
[illegible] تک آتی اسکو اوسی روز منع کر دیا تھا کہ سوال و جواب [illegible] کیجیو کیونکہ ہمارے [illegible] کی معرفت
جواب کیجیو جب یہ دونوں باتیں اپنی نہیں لیکن تو بڑی [illegible] کی معرفت سوال و جواب [illegible]
[illegible] ہمارا سوال و جواب [illegible] کی معرفت طی ہوا اور [illegible] اپنی [illegible]
[illegible] اور آج تک جو کام [illegible] بغیر انکی اطلاع نہیں کیا اور اب بھی یہی ارادہ رکھتی ہوں
کہ جو کام کروں انکی حکم سے کروں اور جس طرح سے کہ [illegible] اللہ [illegible] اگر [illegible] معتقد
ہوئی تو [illegible] آپ [illegible] اور [illegible] جو فرمایا کہ وہ اسلام [illegible]
[illegible] اگر رہی تو مجھی انکی [illegible] بلکہ یوں جانتی تھی کہ جو میں مر جاونگی
تو آپ [illegible] پرورش کرینگی اور [illegible] جلد دینگی سو اپنی [illegible]

جلد دینا اور [illegible] قیامت [illegible] محبت [illegible]
[illegible] اور آپ کو بھی [illegible] مناسب [illegible]
[illegible] اور جو [illegible] سو وہ بھی [illegible]
[illegible] ہو سکتی [illegible] اور آج تک [illegible]
[illegible] ثابت ہوا [illegible] اور [illegible]
[illegible] اپنی [illegible] مناسب [illegible]
[illegible] نہیں اور میری [illegible] انکی [illegible]
[illegible]

نقل تحریر [illegible] سکندر بیگم [illegible] قدسیہ مورخہ دوم شعبان [illegible] تحریر [illegible]
بخدمت فیض درجات [illegible] بلقیس زمان [illegible] دوران جناب نواب سکندر بیگم صاحبہ قدسیہ دام اقبالہا میرساند بعد ادای
آداب تسلیمات [illegible] معروض میگرداند [illegible] جو اپنی
[illegible] میری عرض [illegible] اور [illegible] سو جناب میں
وہ مجھکو عبادت کے واسطے بلاتی [illegible] شام تک [illegible] اور شام کو [illegible]
[illegible] ہو سکتا [illegible] اپنی [illegible] اسلام [illegible] اور اب آپ [illegible]

رہیں اسی جاگیر اللہ میں ہوں تو وہاں کا سو صاحب جن کے محلی امیدوار ہیں کی انکی جاگیر کے گماشتہ داراب
اپنی عرضی کو موقوف کرکے میری معاملہ کو سنلو پھر جو کچھ آپ فرماویگی میں لڑکی اور پرولیت بھی
میں انکی شریک ہوں انکی جاگیر اللہ انکو مبارک رکھی میں دولت و دنیا کی آرزو نہیں رکھتی ہوں
کہ جسکے واسطے وہاں جاتی ہوں [illegible] کی آرزو ہی اسحال میں بھی انکی شریک ہوں جہاں
آپ جاوگی وہاں میں [illegible]
جانبگی اگرچہ [illegible]
[illegible]

[illegible] دوم شعبان [illegible]
[illegible] معروض اینکہ
[illegible] حضور مقبر [illegible]
ملک [illegible] فرمانا اور [illegible]

میں نہیں ٹہیر سکا فقط

[illegible] دوم شعبان [illegible]
[illegible] وقت [illegible]
[illegible]
[illegible]

یا بیحد [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] حضور مقبر [illegible] کی تاریخ ملک
[illegible]
[illegible]

[illegible] اور [illegible] فقط

[illegible] سوم شہر شعبان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

که رفیق شما و بنده نوازند و بنده شمایی شما [illegible] رفع نمود مدتیست که از شما [illegible] بحال هم و جمیع متعلقان خود بود

با فنا باید [illegible] تنگ برآ [illegible] و شما [illegible] موقوف در [illegible] عرض کنیم در حالیکه [illegible]

[illegible] خود [illegible] عمارت [illegible] از [illegible] متعلقان ما و موقوفی جا [illegible]

ما و موقوف [illegible] باز مانده [illegible] در حالیکه [illegible] عمارت

[illegible] عمارت [illegible] عمارت [illegible]

بگذاریم [illegible] اعتبار [illegible] نماند [illegible] صورت [illegible] شوند [illegible]

[illegible] ملاقات [illegible] صاحب [illegible] شد [illegible]

ما [illegible] دولت [illegible] در حالیکه [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

[illegible] میشد خاطر عاطر جناب [illegible] نمی‌نماید

[illegible] جناب نواب [illegible] صاحب دام اقباله العالی [illegible] مورخه سیوم شعبان ۱۲۶۰ هجری [illegible]

[illegible] سلامت بعد سلام [illegible] دام اقباله العالی [illegible]

[illegible] خدمت جناب صاحب [illegible] رسانیده [illegible]

عین [illegible] اعلیحضرت جهانگیر [illegible]

[illegible] از [illegible] سپاهیان را [illegible] جناب چندان گذشت که [illegible] در

مقبره [illegible] خواهیم ماند و روزی [illegible] خواهیم گذرانید تا آن وقتی که سعادت در میان است

در این یک دو روز [illegible] از [illegible] گرفته [illegible]

[illegible] جناب نواب [illegible] دام اقباله العالی [illegible] مورخه [illegible] شعبان ۱۲۶۰ هجری [illegible]

صاحب مشفق و مهربان کرمفرمای مخلصان سلمه الله تعالی بعد [illegible] خلوص قدیم که اهم مقاصد محبان صمیم است

مکشوف خاطر خطیر [illegible] تدبیری که در حق مخلصان بر صفحه روزگار ثبت شده عقاید [illegible] سالهای این محل را

[illegible] در نظر عوام و خواص محال می‌نمود [illegible] توجه مخلصانه [illegible] نیکنامی [illegible] و تعمیل عین [illegible]

صدر رفیع القدر در جهان و جهانیان نواخت و هم رضای طرفین و خوشی خاطر زوجین و گزیده احباب

صادق [illegible] عقلای موافق از کتم عدم [illegible] زبان [illegible] شکر [illegible] و قلم و تحریر

[illegible] سرانجام مهام طرفین و زوال افکار [illegible] جانبین [illegible]

[illegible] منت بی پایان فرموده [illegible]

[illegible] امید قوی [illegible] ملحوظ خاطر

[illegible]

[illegible]

نقل خط منشی جمال الدین بنام منشی شیخ ریاست سررشته دار محکمه اجنتی مورخه سیم شعبان سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

منشی صاحب مشفق و مهربان کرمفرمای منشی ... منشی شیخ ریاست صاحب زاد اشفاقکم بعد اشتیاق ملاقات سامی موصلت مشهود
ضمیر محبت تخمیر میگردانند نامه‌های محبت و عنایت جناب آقای نامدار دام اقبالها از ابتدا تا انتها کاشف مضمون
گردید جواب میفرمائید که آنکه مرقوم بود که بعد از درک مرحوم ... صاحب کلکته بهادر دام اقباله فرمودند که جناب ... آید ...
نواب بیگم صاحبه قدسیه از ته دل مستمند با مرتبه بهتری اولاد و احفاد خود تصور فرمائید از رنجیده خاطر شوند
اگر نوعیکه نواب سکندر بیگم صاحبه مدظلها میفرمایند بخیال نواب بیگم صاحبه قدسیه بود در رونق بخشش عیش باغ نمیشدند فقط این مبلغ
راست است لیکن جائیکه جناب ممدوح خوف جان مای باید همه سخنان فراموش میکنند والا در صورت اطمینان
عین تمنای جناب قدرانیت که ما و نواب صاحب یکجا باشند معاذ الله که در جمیع ملت انگریزی وغیره تا امروز تحریر
و تقریر دروغ گاهی از ما سرزده باشد بنابر علیه اصل کاغذ مرسله جناب ممدوح محبت و عنایت صاحب کلکته بهادر ... افتد
تصدیق قول خود در آورده تا دیگر بار از دفتر انگریزی چنین تحریر که خاطر مخلصان صادق الاقوال را رنجه گردانند تحقیق
ثبت نگردد حسب الحکم بعد از محبت و محبت الیه بسمت ارسال یافت زیاده زیاده فقط

نقل خط منشی جمال الدین بنام منشی شیخ ریاست مورخه هشتم شعبان سنه ۱۲ ... هجری قدسی

منشی صاحب مشفق و مهربان کرمفرمای منشی رمضان ... اشفاقکم بعد اشتیاق و اظهار مراسم مشفقانه بر ضمیر محبت تخمیر میگرداند
هرچه ارشاد از جناب صاحب کلکته بهادر گوش کرده بودم بجان بحر موعود دست بگوش مبارک جناب آقای نامدار
معروض داشتم جواب فرمودند که الحال یکبار صاحب کلکته بهادر در اینجا اول تشریف آرند و با سخنان ... نمایند
و هرچه در دل ما است آنهم بواسطه گوئیم بعد آن هرچه مناسب خواهند بود رفتن و نرفتن نزد نواب صاحب بهادر

بهادر بجوهر خواهم کرد پس تشریف آوردن جناب صاحب کلکته بهادر در عیش باغ فرماید ... روز برفرود
و خوبم حسب آنکه نوشته شد حرف بحرف بلا تاخیر بحضور عنایت جناب ... گزارش نموده از جواب اعلام فرمایند فقط

وصول

نقل خط منشی نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی عثمان بیگ مورخه هشتم شعبان سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
نور چشم ... جان من عثمان بیگ حفظه الله ... بعد دعا افزونی عمر و اقبال مطالعه نمایند ... رسید کاشف کیفیت
گردید ... مطلق ... عمر ... فرماید ... بهر حال ... در قدر داشته
... حسب قصد خواهان باشید مشغول بوده دل را خوش و خورم دارید و بخدمت جناب ... لطف و کرم
بعد سلام ... گردانند ... خاطر ... باید ... دارید مبادا ... باشید ... نزد
... باید ... اگر ... در آن باشد ... مطالع ...

مطالع نوشته باشد فقط

وصول ...

نقل خط پروانه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم ... صاحب مورخه ... شعبان سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
حکمت و صداقت پناه ... حکیم ... باشند عریضه مرسله کاشف صحت قرة العین
گردید ... مطلق ... اگر ... باشد ...
... هر روزه ...
در ... حکیم ...

و خوش دارید او صفی در عکس صفات از ذات او پیدا شد و خلاف [illegible] بر وفق

دور شکله خوابگاه بر جان لعوق [illegible] همراه آن رسید [illegible]

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] مورخه دوم شهر شعبان ۱۲۸۰ هجری قدسی

[illegible] با عریضه رسید [illegible]

[illegible] نفرمایند در دو [illegible] روز [illegible] خواهند

[illegible] خواهم [illegible] شده [illegible] خواهم [illegible]

نقل خط جناب سکندر بیگم صاحبه بنام نواب [illegible] محمد خان بهادر مورخه یازدهم شعبان ۱۲۸۰ هجری قدسی

نواب [illegible] دل [illegible] جان [illegible]

[illegible] رخصت می‌شود ایزد نگهبان شما اگر رنج نشود والا [illegible] فقط

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه سیزدهم شعبان ۱۲۸۰ هجری قدسی

[illegible] بعد از [illegible]

و از [illegible] از [illegible] داده [illegible]

فرستید و [illegible] سیزدهم [illegible]

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام نواب [illegible] الدوله [illegible] محمد خان [illegible] مورخه دهم شعبان ۱۲۸۰ هجری قدسی

الطاف فرمای نیاز مندان سلمه [illegible] با تکلف [illegible] تیاری شود تیزی نفرمائید [illegible]

د کله [illegible] خواهد رسید [illegible] از بیست سال [illegible] خود [illegible] شما از کجا [illegible]

[illegible] نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible]

[illegible] الله [illegible] الحکیم [illegible]

[illegible] باشد

[illegible]

[illegible] تا کنید

[illegible]

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] شعبان ۱۲۸۰ هجری قدسی

[illegible] از دم رخصت تا اینم [illegible]

[illegible]

در باغ [illegible] از میان [illegible]

[illegible]

[illegible] مناسب بود

الحال در این صورت ... نه ... بند ... و هم ... و ... رفقای ... و تکلیف ذات ... سرکار

روز افزون مسیحا ... و ... بنا علیه ... که ... تیمم ... علاج ...

با ... و حالت آیدن شان در اینجا در ... قدم ... رسید ... تا ... اند ... حال ... سند ...

معلوم خواهد شد فقط

وصول ... نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه ... شعبان ... ۱۲ ... ۱۸۶۰

صاحب مشفق و مهربان کرمفرمای مخلصان سلمه الله تعالی بعد با سلام ... خلوص ... که ... مقاصد ... خاطر ... از

روز ... المشفق ... سمت ... تشریف برده ... بالای ... لاحقه ... نوشتن ... افزود ...

نواب صاحب بهادر که هر دم سوی ... جانست دیگر گونه کل عناصر شریف که ... متوجه ... بهبودی ... حال ... آید

سخت در کاوش ها انداخت لیس امید که المشفق به هر حال خیر اشتمال جلد تشریف فرمای این سمت شوید و اگر در ... مقدم ...

توقف یک دو روزه باشد لیکن صاحب بهادر مهربان را در اینجا روانه فرمائید که از قیام شان طبیبان تمام غور و پرداخت

نواب صاحب بهادر کرده شود و هم از کیفیت مزاج صحت امتزاج ارقام فرمائید که خاطر فاتر از ان نگران است زیاده ...

وصول ... نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه ... شعبان ... ۱۲ ...

خریطه لطف ... صاحب ... بالا ... صاحب ... میرسد ... صاحب مشفق و مهربان ... بهادر ...

... ساخته ... تا ... فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم ... مورخه ... شعبان ...

حکم ... صداقت ... حکیم ... باشد بعد نماز صبح فردا ...

گرفته اند توقف ...

وصول ... نقل خط منشی جمال الدین بنام منشی ... مورخه ... شعبان ۱۲ ... ۱۸۶۰

منشی صاحب مشفق و مهربان کرمفرمای نیاز مندان منشی ... زاد الطافکم بعد سلام واجب ...

کہ جناب ... نواب سکندر بیگم صاحبہ دام اقبالہا نے اسوقت مجھکو طلب فرمایا کہ آج ... آخر ذی ... مجکو

نواب صاحب بہادر نے بلوایا اور فرمایا کہ میں تمہاری آگے ہاتھ باندھتا ہوں کہ خدا کیواسطے میرا علاج اپنے حکیم سے

کروا دو میری پاس ہر وقت رہکر میری تدبیر ... طرح چاہو کروا او اور ... اور ...

... رمضانی خان ... کو اور اوسکی دوا دیوں ... کو سامنے بلوا کر فرمایا کہ تم سرکار کی ...

میں حاضر رہو جب یہہ حکم کریں ویسا بجا لاؤ اور ... کو حکیم ... بہت ... بلوا او کہ

مجکو چاہو تو اسلام نگر میں یا ... میں یا اپنے باغ میں لیجا کر علاج کروا او اور مجکو ان ... میں سے

نکالکر میرے علاج کی صورت کرو کیواسطے کہ یہہ لوگ میرا علاج نہیں کرتی پس یہہ باتیں نواب صاحب

کی اور رو نکا گر گرانا دیکھکر دل بھر آیا اور نہایت درد ہوا لیکن اسوقت میں جو ... حال

... اور ضعف ... علاج میں نواب صاحب کی دخیل ہونا اپنی جان پر کھیلنا ہے

لیکن نواب صاحب کی گرانی سے لحاظ ہوتا ہے تو باہر نہیں ہو جاتا مگر اس شرط پر کہ مستوفی ہو جائیں
بڑے صاحب بہادر کی جب صلاح اور اجازت ہووی اور اونکی نوکروں میں سے ایک نوکر بھی
نواب صاحب کی پاس رات اور دن متعین رہی کہ وہ بھی اور نوکر نواب صاحب کی میری تدبیرونکا
دیکھیں اور اونکی رپٹ ہر ہفتی کی بڑے صاحب کا نوکر اور ہم بڑے صاحب کو کرتے رہیں
اور تفصیل بیان تدبیروں کا طول کی سبب اسوقت لکھوایا نہیں جاتا جب علاج شروع کرایا
جاویگا اوسوقت بڑے صاحب بہادر کو اطلاع کر دینگی اور اگر بڑے صاحب بہادر کی صلاح اور
اجازت نہیں ہو سکیگی تو ہرگز نواب صاحب کی علاج میں دخیل ہو نہیں جا سکتا لیکن بے منتظر
بڑے صاحب کی اجازت کی ہمیں ہم فقط مسہلوں میں جناب سرکار صحت آثار نے فرمایا حرف
بحرف لکھکر اور ملاحظہ میں گذران کر اونکی پاس حسب الحکم بھیجا یا تو ادب عرض ہے جناب
بڑے صاحب بہادر کی جس طرح منظور ہو منگوا اگر جناب ممدوح کی خدمت مبارک میں بھیجدو
اسمیں توقف نہو اور جناب سرکار صاحب فرماتے ہیں کہ جو جو گفتگو نواب صاحب بہادر کی زبان سے
سنتے ہمنے لکھوا دی لیکن ان باتوں کو لوگوں نے علاج شروع کرواتی وقت اونکی ہاتھ سے
لکھوا لیجاویگی اسواسطے کہ نواب صاحب بہادر کی قول کا اعتبار نہیں کہ وہ گھڑی گھڑی بدلتے
ہیں فقط

دفعہ ...

دستخط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام ہز ہرجستی مورخه نوزدهم شعبان سنه ... هجری قدسی
عرضداشت ... ہز ہرجستی بعافیت باشند دو تا عرضی مورخه هفدهم و هجدهم شعبان باشش ...
شیرین کاشف مندرجه ... از ... با حکیم ... صاحب مطلع کردیم ... از لذت ... شیرین
دریافتند چونکه مثل مزاج مدبرا [illegible] واپس کردند برسانید ورقعه در خواص مدبرا و شیرین ...
نیز میرسد و اگر ... بهادر را فرصت باشد حاضر شده بگویند ... الکفایه بعض ...
مقدمات خود ظاهر نکردیم ... تشریف آوردن ... موقوف داشتیم مورخه نوزدهم شعبان ...

دفعه ...

ادا ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... بهادر ... مورخه ... شعبان سنه ... هجری
... مهربان کرمفرمای ... سلمه الله تعالی بعد ... خلوص ... ماه حال ...
ملفوف خاطر ... ایکه از ظهور کسل مزاج شریف ... مژده عافیت ... رسیدن ...
رنج بیرون خاطر ... زیرا که زمانی ... حال ... روز ... طبع لطیف
بکسل مائل گردید بناء علیه بدرگاه والای شافی مطلق هر دم صحت کامل و شفای عاجل ...
مسئول که ... تمام ... بالتحقیق ... تمام غم زدای دل دوستان و مژده ...
گوش ... فرمایند ... از کیفیت مزاج مبارک که بخیر و صحت ... ارقام فرمایند
زیاده ... فقط

نقل دو از حساب نواب سکندر بیگم صاحبه اسمی ... مرقومه [illegible] شهر شعبان ۱۲۸۰ هجری قدسیه

عرض و سلام [illegible] لیاقت مآب شدند روز شنبه [illegible] بازار [illegible] شب ما از جهانگیرآباد

در فرحت افزا آمدیم سه روز در اینجا مقیم شدیم روز شنبه [illegible] گذشته بیشتر از رسیدن [illegible] در جهانگیرآباد

رسیدیم [illegible] بازار [illegible] [illegible] و [illegible] در عالم [illegible]

[illegible] در [illegible] ماند [illegible] شدیم [illegible] در آرام [illegible] بیدار [illegible]

طلبید و گفت [illegible] در خط [illegible] فرستادم [illegible] بازار

[illegible] بعد [illegible] نور العین [illegible] [illegible] رسید [illegible] ساختیم

[illegible] بازار [illegible] خط [illegible] نوشته [illegible] رسید [illegible] بازار

در آمد و [illegible] محمد [illegible] آمدن نور العین طلب کنانیدند [illegible]

[illegible] جناب نواب سکندر [illegible] موصوف [illegible] روز

دوشنبه نور العین در فرحت افزا رسید [illegible] در [illegible] خان [illegible]

[illegible] در فرحت افزا آمدیم روز سه شنبه [illegible] در جهانگیرآباد رفتیم بعد [illegible] رسیدن [illegible]

[illegible] فرود [illegible] و [illegible] رسیده [illegible] نواب [illegible] علیخان و محمد [illegible] خان

و [illegible] خان و [illegible] محمد [illegible] خان [illegible] نواب سکندر [illegible] اطلاع

[illegible] بازار [illegible] در نماز مغرب [illegible] محمد [illegible]

مضطر [illegible] در [illegible] [illegible] از [illegible] که هم [illegible] [illegible]

[illegible] بیا [illegible] ما [illegible] مضطر [illegible] گفته

رفتند [illegible] بیا از [illegible] معلوم [illegible] کجا [illegible] طلبیدند [illegible]

[illegible] نواب سکندر [illegible]

موصوف گفتیم که امروز تاریخ هیجدهم [illegible] روز سه شنبه [illegible] امروز [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] روز [illegible] شدند [illegible]

[illegible] نواب سکندر [illegible] بازار [illegible] گفتیم [illegible] از [illegible] خان [illegible]

[illegible] نواب سکندر [illegible] بیا [illegible] نواب سکندر [illegible] رسیدیم [illegible]

[illegible] امیر محمد خان و [illegible] محمد خان و محمد [illegible] خان و محمد [illegible] خان [illegible]

[illegible] آمده [illegible] در [illegible] موصوف [illegible] مقام [illegible]

[illegible] نواب اسد علیخان [illegible] آمده رفتند [illegible]

طلبیدیم بعد [illegible] بازار [illegible] در [illegible]

[illegible] در فرحت افزا [illegible] جهانگیرآباد آمدیم [illegible] رسیدیم [illegible]

[illegible] رفتند [illegible] موصوف [illegible] در [illegible]

طلبیدند آنجا [illegible] موصوف [illegible] اسد علیخان [illegible] نواب اسد علیخان

[illegible] نواب سکندر [illegible] محمد [illegible] خان و [illegible] خان [illegible]

نواب صاحب بیمار کنیم و پرهیز نماییم و اگر ایشان بعض پرهیز و علاج ایشان خواهند کرد باید خاص [illegible]
سپرده خواهد بود و اگر حکیمان متفق نتوانند نمود مدد و معاون یک دیگر نتوانند شد [illegible]
این سخن شنیده حضور جلیله اش این گفت که [illegible] زمانی خود هرگاه [illegible] آنچه جواب
خواهند فرمود شرط آنکه نتوانم رسانید صباح منشی [illegible] رسانید در خدمت رفته اطلاع دادم گفتند
همه را خواستند علاج نواب صاحب نمی کنیم بلکه نواب صاحب از ما میکنند اگر ترک شدن [illegible]
در علاج [illegible] نواب صاحب علاج ایشان را منظور است از حکیمان بیمار گویند یا [illegible]
نقل احضار حقیقه نوشته فرستادم شرط خدمت [illegible] حکیمان بیمار [illegible] بعد
[illegible] و دولت سکندر [illegible] رسید آنهم رسانید و [illegible] رقعه سوال [illegible]
و حکیم [illegible] صاحب [illegible] می رسید [illegible] حکیمان
بیمار رسانید و [illegible] نور العین شاهجهان بیگم [illegible]
[illegible] شبانه روز می مانند [illegible]
[illegible] حکیمان بیمار [illegible] تا کجا خواهند [illegible]
رسانیدم که [illegible] حکیمان [illegible]
[illegible] و [illegible]

نقل [illegible] نواب سکندر بیگم صاحبه [illegible] شعبان [illegible]
[illegible]

اول الله صاحب را حال خود معاینه کنانیده مناسب نبود و [illegible] ارواح [illegible] فایده نمود که
دلم را مشتاق ماهی بی آب گذاشته رفتی آه کجا بودی و صحبت یکبار کجا تنها [illegible] دیدار کجا
ضمیر زحمتم بدرفع خوب ترا خدا حافظ و از حال اهل ریاست مرا علم نیست که چه میشنوند [illegible] ترا
بخدا سپردم زیرا که گویم مشکل و گر نگویم مشکل سخت در حیرانی مرا انداخته رفتی و تا حال از سکندر قلی [illegible]

نقل رقعه [illegible] نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دولت سکندر قلی مورخه بیستم شعبان سنه ۱۲[illegible] هجری قدسیه
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت نواب سکندر قلی [illegible] باید آن برخوردار بخدمت نواب [illegible] بیمار [illegible]
گذارش نمایند که از وقتیکه [illegible] برای علاج خود با من گفتند صباح آن برای درستی علاج خاص در خدمت [illegible]
آمدم بعد [illegible] روز [illegible] در عالم [illegible] درستی [illegible] و بعد از آن گذشت صباح
بعد [illegible] با حبیب [illegible] گذارش کردم [illegible]
[illegible] نواب [illegible] علاج [illegible]
درجه [illegible] ملاقات [illegible]
[illegible] گذشت [illegible]

[illegible] نزد شان رسانید فقط

[illegible] شعبان [illegible]
[illegible]

الحمد لله [illegible] بجهت تحریر [illegible] بالقاب [illegible] جناب صاحب مشفق مهربان [illegible]

علاوه [illegible] عدم بعد مطالعه [illegible] تشریف [illegible] یافت [illegible] امر [illegible]

[illegible] ما را [illegible] واقف [illegible] دارند حسب الحکم [illegible] خامه [illegible] موصوف [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قلی مورخه بیستم شعبان ۱۲۷۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دلی دیوان سکندر قلی خان خوش باشند عرضی با رقعه نواب [illegible]

کاشف مضمون [illegible] شد لازم است بخدمت نواب صاحب رفته معروض دارید [illegible] از تشریف [illegible]

خود در باغ فرحت افزا چنانچه پاس بیشتر ما را خبر رسانند تا مکانها یعنی کمره‌های باغ را

درست و صاف کنیم زیرا که [illegible] بیگم [illegible] شده اند و [illegible]

والحال معلوم نواب صاحب [illegible] است در باغ [illegible] و از طرف ما و [illegible] بیگم خدمت

نواب صاحب و میان امیر محمد خان القاب سلام و ادا رسانید و با نواب صاحب بگوئید که جلد درینجا

تشریف آرید تعاقب و توقف مناسب نیست [illegible] حکیم [illegible] صاحب را [illegible]

جهان [illegible] رفته [illegible] نواب صاحب رفته بودند لیکن [illegible] نواب صاحب [illegible]

تشریف خواهند داشت و مولوی [illegible] صاحب [illegible] نواب صاحب خواهند دید

[illegible] بر [illegible] نواب صاحب [illegible] از [illegible] نواب صاحب [illegible]

[illegible] را از نواب [illegible] در [illegible] حضرت اعلی [illegible] را امداد [illegible]

نواب صاحب [illegible] کاشف مضمون [illegible] الحال دیگر [illegible] روبروی نواب صاحب [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر قلی مورخه [illegible] شعبان ۱۲۷۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دلی دیوان سکندر قلی خان [illegible] باشند [illegible] مرسله [illegible] کاشف مضمون شد

نواب صاحب بگوئید [illegible] علاج حکیم [illegible] فرصت [illegible] تا زمانیکه مولوی [illegible] صاحب [illegible]

معالج نواب صاحب خواهند ماند [illegible] تشریف [illegible] مناسب [illegible] آمدن [illegible]

و [illegible] بیشتر از آمدن نواب صاحب [illegible] مورخه [illegible] شعبان [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه [illegible] دیوان سکندر قلی مورخه [illegible] شعبان ۱۲۷۰ هجری قدسی

برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دلی دیوان سکندر قلی خان [illegible] عرضی [illegible]

مضمون معلوم شد [illegible] بیگم [illegible] دست [illegible] اور

نواب صاحب [illegible] اور دستور [illegible] احوال [illegible] حال [illegible] فقط

[illegible] جناب نواب سکندر بیگم صاحبه [illegible] مورخه [illegible] شعبان ۱۲۷۰ هجری قدسی

[illegible] عرضی مرسله [illegible] کاشف [illegible]

[illegible]

نہالی کار ما موره خواهد شد و برخواستن زرگر از انجا ممکن نیست و هرچه در کار باشد از ایشان بخواه

میان خیر الدین انصاری که اینجا موجود اند بگیرید در ماه رمضان المبارک قریب رسید آب باران را برای یک روز

بداند اورده برود فقط

نقل رقعه نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام نواب نظیر الدوله جہانگیر محمد خان بہادر مورخه بست و دوم شعبان ١٢

نور العین ... سلمه الله تعالی بعد سلام سنت الاسلام ... معلوم ہوئی مجھکو بارہا تیری بیوفائی کا ...

٢١

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام سکندر قلی مورخه بست و دوم شعبان ١٢

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دلی دیوان سکندر قلی صاحب ... تم نواب صاحب کی پاس جاکر

اونسی کہو کہ اگر تم اجازت دو تو کل بعد جلاب بلوائی کہ یہاں تو حکیم منشی صاحب کو تمہاری

دیکھنی کی واسطی بھیجدیں کہ اسلیے کہ جب تلک وہ اپنی انکھوں سی دیکھکر اور احوال دریافت

کر کر صحت نکہینگے تب تلک ہمکو تمہاری طرف سی تسلی نہیں ہوویگی اور تمہاری واسطی جو

اونہوں نی نسخہ تجویز کیا ہی وہ بھی اپنی ساتھ لا کر ہمکو دکھا دینگی اور پھر اوس نسخہ کی مطابق عمل میں ہوویگا

اور یہ رقعہ جو اسمیں بھیجا ہے نواب صاحب کو دیدینا فقط

٢١

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر قلی مورخه بست و دوم شعبان ١٢

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دلی دیوان سکندر قلی خان ... نواب صاحب سی

سی جاکر عرض کرنا کہ جو آپ حکیم خادم حسین صاحب کی علاجکی امید پر یہاں آئی ہو تو جان

لینا کہ حکیم خادم حسین کا علاج ہماری اختیار میں نہیں اونکی اختیار میں ہی جو وہ چاہینگی کرینگی

اور جو وہ نہ چاہینگی نکرینگی اور جو تکلیف ... کی سبب سی آئی ہو تو یہ مکان حاضر ہی اور میں حاضر ہوں

اور میرا حکیم حاضر ہی فقط

اور یہ بات ضرور کہدینا کہ اوس دن جو حکیم خادم حسین میری ساتھ جہانگیر اباد میں گئی تھی

خدا ہی جانتا ہی کہ کیونکر میں لیگئی تھی فقط

٢٢

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام سکندر قلی مورخه بست و دوم شعبان ١٢ هجری قدسیه

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دلی دیوان سکندر قلی خان ... عرضی دو رقعه

مسمیات نواب صاحب کی پہنچی مضمون سب کا معلوم ہوا لازم کہ نواب صاحب سی جاکر عرض کرنا کہ اگر

میاں تمہاری اور دوستداری فرحت افزا میں آنیکو منع کرتی ہیں تو مناسب کہ جہانگیر اباد میں آو

میں اپنی ذات سی رات اور دن وہیں رہونگی اور وہاں کہتی ہی اور بازار بھی موجود ہی جو

دوا چاہینگی وہاں ملجایا کریگی اور فرحت افزا میں جہانگیر اباد سی دوا آتی اور منگوائی ہوئی بہت دیر

لکی گه اوس شمان کو اگر کہو گے اور اوسکو بہی لیکر مدد کی وہین ہلا الیا جاوینگی یہہ وقت جا کرکا

نہیں ہی ہو دلین بتہا ہی ہووہ ہی کہدو وفقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر حسین مورخه بیست و سیوم شعبان سنه ۱۲[illegible] هجری

عرض دستگاه منشی میر حسین عافیت باشند در کیفیت ملاقات صاحب کمشنر سالار و آمدن ایشان در اینجا تحصیل کرده

لکی ربوده برای قیام اینجا و مراجعت ما بدون ملاقات و صلاح دید اوشان بلکه تمام جزئیات و کلیات ما

منحصر بر رای شفقت آرای ایشان است لازم است این مضمون را بخدمت ایشان رسانید زیرا که از رفتن بلده صاحب کمشنر بهادر

ما را در اینجا گذاشته رفتند همه مقدمات ما بیچاره معطل افتاده اند و مردم در انتظار ایشان میگذرند

اگر بسرعت در اینجا تشریف آرند فهو المراد والا پانزده روز تک بهوپال ماند ایشان بکمال طول عمر آمده اند

تا ده روز هم مهلت آن شود و بعد دو روز سوم مهلت دیگر خواهند داد و الله تعالی بیماری این دختر

[illegible] بیمار بحدی سخت در آنکس بدانند و به فضل المهالک قریب رسیده از ربی لیک [illegible]

[illegible] بجای تشریف ایشان لعلکم حسب تقدیر اراده ایشان امروز بیشتر بینیم که چه میشود

و البتعه نواب صاحب سالار روز بروز بخور و میشود تدبیر علاج شان کیمیکنند و در تعجب باشان مقیمی معلوم میشود

و چند سعداد احسان اند قابل تحریر نیست و اطلاع امید باشد [illegible] تا وقتیکه چه [illegible] رای تو آمده اند

توسط اندوری باز اوشان خواهم لطف گاهی بخواهم رفت انشاء الله [illegible] رسانیده

رسانیده هر چه بجواب فرمایند همه بزرگان [illegible] دراینجا ما [illegible] ما [illegible] بدون و رفتن ما بدون

ملاقات صاحب ممدوح موجب سوء ادبیست فقط

نقل رقعه سکندر بنام نواب دولهٔ مورخه بیست و چهارم شعبان سنه ۱۲۶۰ هجری

نواب [illegible] صاحب بهادر کرم فرمای نیاز مندان سلامت بعد سلام

آنکه بادشاه بیچاره برای داد و ستد نامه ایم فقط الطاف لیس و باقی

هوس بعد صحبت شما و شاه بیچاره دیده خواهد شد فقط

نقل رقعه جناب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی میر حسین مورخه بیست و چهارم شعبان سنه ۱۲۶۰ هجری

عرض دستگاه منشی میر حسین عافیت باشند الله سکندر کاره بد معاش رسید زنجیر پاش بدل کرده در [illegible]

و عرضی بالای رقعه سکندر کالیه معدرجه گردیده و از رفتار بد کاره مذکور خبر جواب و [illegible] الله منصور السالی

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میان خیر الدین [illegible] مورخه بیست و چهارم شعبان

بعد ازین [illegible] رسانده [illegible] و امانت دستگاه میان خیر الدین [illegible] محفوظ باشند از روز بدر [illegible] شاه [illegible]

در اسلام بگر رفته اند تا اینم یک بیرچه [illegible] از عر الفو محروی حال الحال متعلق بد قدر باشد [illegible] ستار [illegible]

[illegible] بعد حرف [illegible] مسافرت [illegible] ایران یک روز در اینجا آمده گفتگوی [illegible] حضرت اقدس [illegible]

[illegible] الحکم تعمیل شد و [illegible] آن کرده باز رد [illegible] زیرا که او شان را از ایران [illegible]

[illegible] ضرورت [illegible] انجا باشد [illegible] فقط

نقل [illegible] نواب سکندر بیگم صاحبه [illegible] بنام نواب [illegible] محمد خان بهادر مورخه [illegible] شعبان سنه ۱۲[illegible]

نوشته [illegible] رسید بعد سلام [illegible] رسید [illegible] گردید لیکن [illegible]

آن مهربان [illegible] روز [illegible]

[illegible] سکندر [illegible] معلوم [illegible] رسید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] شعبان سنه ۱۲[illegible]

عرض [illegible] آمده [illegible] باشد تخت [illegible] در یکی [illegible] و انگلیسی [illegible] مقفله

و [illegible] تخت [illegible] و [illegible] شاهجهان بیگم

[illegible] و قرآن شریف [illegible] شاهجهان بیگم [illegible] در صندوق [illegible]

و صندوق [illegible] همراه [illegible] مورخه [illegible] شعبان [illegible]

نقل خریطه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] شعبان ۱۲[illegible]

صاحب مشفق و مهربان کرم فرمای مخلصان سلمه الله تعالی بعد [illegible] مقاصد [illegible] مکتوب [illegible]

[illegible] اظهار افکار و ملال [illegible] طرف [illegible] نور [illegible]

طال الله عمرها [illegible] وصول [illegible] فرحت [illegible] الله تعالی بدین یادآوری و اشفاق [illegible] سعادت [illegible] روز [illegible]

تپ [illegible] العین [illegible] شده [illegible] عرق نکرده با آنکه درین میان دو مسهل [illegible] اما بفضل حکیم مطلق [illegible]

تپ تخفیف یافت [illegible] مسهل سومی ان شاء الله خواهد شد از بارگاه افضالش امید قویست که بعد مسهل سومی ماده که

باعث تپ است خارج شود و همچنانکه عنایت بی نهایت [illegible] صحت عاجله [illegible]

[illegible] فرموده عافیت تامه [illegible] بزرگان [illegible] زیاده چه برطراز فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام میر [illegible] حسین مورخه [illegible] شوال سنه ۱۲[illegible] هجری [illegible]

[illegible] میر [illegible] حسین [illegible] باشد [illegible] مرسله [illegible]

[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام میر [illegible] حسین مورخه [illegible] شعبان سنه ۱۲[illegible]

[illegible] در طلب نواب [illegible] بعد سلام [illegible]

[illegible]

زیرا [illegible] معلوم است احوال نواب [illegible] سکندر [illegible]

از سرور و حال شاهان [illegible] خصوصا در سر رشته استفراغ [illegible] الحال شده [illegible] گفته شد قطع
در سر [illegible] واقع شده و تمام [illegible] و در استفراغ آلوده و سر [illegible] نواب صاحب زیادتی احساس شد غرض سر سال
نواب صاحب را ناخوشی حال خود [illegible] اگر [illegible] از رفتن مشهور کرده باشند از صلاح ارکان ریاست و برادر درک کرده باشند
و آن [illegible] حکیم صاحب [illegible] میفرمایند در یک روز [illegible] تا مشهور میدارند فی الواقع اگر نواب صاحب اراده مشهور خواهند بود
در دو سه روز خواهند رسید و علاج ایشان تحقیقت قرار واقع در مشهور خواهد [illegible] تجویز حکیم صاحب مار استحسن است لکن [illegible]
و ازان [illegible] می کنند برای آرام خود ها و حال نواب [illegible] که [illegible] فردا ان واله مسهل
[illegible] خواهد شد و [illegible] از وی مفارقت نکرده از این سخت در کشمکش افتادیم [illegible] ناخوشی حال است
و [illegible] مضمون [illegible] حکیم صاحب [illegible] رسید و اگر چه [illegible] مذکور [illegible] اجازت
دهند [illegible] نواب صاحب [illegible] رفته در [illegible] سوم [illegible] حوالش [illegible] میشود
معلوم خواهد شد [illegible] ضعیف عذر میدارند [illegible] اگر حکیم صاحب مار را اجازت دهند از زمان
گفتگو [illegible] صاحب کنیم باز دریابیم [illegible] عذر [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب [illegible] صاحبه بنام [illegible] منشی میر [illegible] شعبان [illegible] هجری
یکصد و ده روپیه سکه [illegible] قیمت [illegible] از نواب صاحب [illegible] رفته [illegible]
و رسید [illegible] قیمت مذکور اند باز خواهد رسید فقط

نقل رقعه جناب نواب [illegible] صاحبه بنام حکیم [illegible] صاحب [illegible] شعبان [illegible] هجری

حکیم [illegible] صاحب [illegible] باشند [illegible] الحکمت [illegible] قسمت [illegible]
خرید نمودیم [illegible] آمده [illegible] مقیم باشند [illegible] حکیم [illegible] صاحب معذور [illegible]
بدون حضور [illegible] تکلیف [illegible] منظور [illegible] بهر حال [illegible] الارقام تعجیل نمایند فقط

نقل رقعه جناب نواب [illegible] صاحبه بنام میر حسین [illegible] بیست و [illegible] شعبان [illegible] هجری
عرض [illegible] منشی میر حسین [illegible] باشد عرضی [illegible] بیست و ششم شعبان [illegible] کاشف [illegible]
بعد سلام پیغام [illegible] دیروز [illegible] نواب صاحب [illegible] از [illegible] در [illegible]
آمده [illegible] نسخه حکیم [illegible] صاحب [illegible] نوشته پیش کرده [illegible] ادویه یک نسخه
تا یک هفته [illegible] خواهند کشید [illegible] اگر [illegible] با نواب صاحب میگوییم [illegible]
راضی بر رفتن مشهور [illegible] ادویه [illegible] علاج [illegible] موقوف [illegible] تمام میشوند پس بعد [illegible] تمام نسخه ها
بخورد با نواب صاحب [illegible] ترغیب خواهیم داد و حال ملاقات منشی [illegible] صاحب برادر [illegible]
[illegible] اگر [illegible] ملاقات کنند اجازت یابند و اگر ملاقات [illegible]
[illegible] اطوار [illegible] احتراز کنیم [illegible]
[illegible] نمایند [illegible] اگر [illegible] خواهند [illegible]

مناسب نیست و ترغیب والدین ما [illegible] چند روز متن سطور که نوشته‌ایم یکی را از اهل محله انگریزی [illegible]

[illegible] مطلق خبر نشود زیرا که مبادا [illegible] و تجدید [illegible] [illegible]

[illegible] کنند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام میان حمید الدین القادری مورخه سیوم ماه رمضان المبارک ۱۲۶۰ هجری

شرافت و نجابت پناه لطافت و امانت دستگاه شیخ حمید الدین القادری محفوظ باشند موضع [illegible] از شروع سنه ۱۲۵۴ [illegible] موجب سند

عالیجاه [illegible] بنام شیخ محمد جمال الدین [illegible] جاگیر مرحمت فرموده‌ایم [illegible]

از محاصل موضع مذکور مبلغ [illegible] روپیه سالیانه [illegible] شیخ معز الله [illegible] داده [illegible]

و شیخ نجابت الله [illegible] شیخ معز الله [illegible] موضع مذکور [illegible]

[illegible] شیخ علیم [illegible] و نجابت الله [illegible] در سند [illegible] السطور الصدر مرقوم [illegible]

[illegible] فقط

دین امر بنام الشرافت پناه نگاشته شد حسب [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان مورخه چهارم رمضان المبارک ۱۲۶۰

[illegible] دستگاه محمد مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا اعلام آنکه عرضی مرسله کاشف مندرجه

[illegible] ذات و صفات [illegible] سید خان [illegible] رسید [illegible]

[illegible] مناسب [illegible] دیده [illegible] موصوف خواهیم [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر [illegible] مورخه چهارم رمضان المبارک ۱۲۶۰

[illegible] سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر [illegible] باشند عرضی مرسله کاشف مندرجه

[illegible] فقط

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام میرزا محمد یوسف علی بیگ مورخه دهم رمضان المبارک ۱۲۶۰

سالک مسلک شریعت [illegible] طریقت میان محمد یوسف علی بیگ سلمه الله تعالی بعد دعا [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] کاشف مندرجه [illegible] مسجد [illegible]

[illegible] تعمیر [illegible] تعمیر مسجد [illegible]

[illegible] مقبول [illegible] فرمایند لازم خلوص [illegible]

مقبول [illegible] در حق ما دعای حصول مقصود [illegible] سبحانه تعالی مستدعی [illegible] تا بعد حصول [illegible]

[illegible] نتیجه دلخواه رو بظهور آید [illegible] در مرض [illegible] بسیار [illegible]

[illegible]

[illegible] دام اقبالها [illegible]

[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] مورخه دهم رمضان المبارک ۱۲۶۰

سنجا عصمت پناه بهور دستگاه [illegible] برایشان محفوظ باشند عرضی در باب [illegible] طلب بالصدور

کاشف [illegible] شد چونکه [illegible] قصد [illegible] اینجا معلوم است واگر نبودی [illegible]

[illegible] روپیه [illegible] از اخبار [illegible] باشند [illegible] روپیه [illegible]

لازم است [illegible] کرده مع الخیر مساعدت کنید زیرا [illegible]

آن [illegible] بار بار [illegible] امور ضروریه [illegible] اصلاح [illegible] بسیار [illegible]

[illegible] بسیار [illegible] رفته و [illegible] فرحت افزا مفهوم بوده باز آمدم فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام والده [illegible] صاحبه مورخه [illegible] رمضان المبارک ۱۲[illegible]

عفت پناه عصمت دستگاه والده [illegible] محفوظ باشند [illegible] اضطرار [illegible] و مقدمات [illegible]

لازم است خاطر عاطر را [illegible] اینجا [illegible]

و [illegible] برون خواهید [illegible] صاحبه [illegible]

[illegible] دعا [illegible] سؤال [illegible] روپیه [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه [illegible] رمضان المبارک ۱۲۶۰

عزت دستگاه [illegible] باشند [illegible] نارنگی [illegible] است [illegible]

آنها برای [illegible] وعده کرده رفتید لازم است [illegible] نارنگی ها و [illegible] هم [illegible]

[illegible] زیرا که طبیعت صاحبه مذکوره [illegible] و حال

[illegible] حقیقت بسیار [illegible] شنیده باشند و دریافته مطلع سازید فقط

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] مورخه [illegible] رمضان سنه ۱۲۶۰ [illegible]

[illegible] دستگاه [illegible] خان [illegible] خط

[illegible] مضمون اینکه بوصول رقعه عبدالله خان [illegible] میان [illegible] محمد خان [illegible]

که [illegible] میان [illegible] علاقه میان [illegible] قرار بوده [illegible]

گوندی وغیره [illegible] رفته [illegible] مطلع [illegible]

[illegible] مضمون [illegible] باقیات [illegible]

[illegible] خود رفته [illegible] که [illegible] جواب [illegible]

[illegible] میان خیر الدین [illegible] رسیده [illegible]

اما میان علاقه [illegible] بر خاسته [illegible] علاقه میان [illegible] موصوف [illegible] پذیر بوده [illegible]

درجه اولی را بدرجه اولی و درجه اخری را بدرجه اخری [illegible] کنانیده [illegible]

[illegible] میان [illegible] علاقه [illegible] بوده [illegible] کنانیده [illegible]

[illegible] از طرف ثانی کیفیت [illegible] بر نگارید فقط

تصدق رسانیدن

دهید اقوام مستحقه الموصوفه بمولوی آقا محمد دادند — دهی سکندر اقوام مستحقه الموصوفه [illegible] آقا محمد داده

صه ۱۲ ار — نقد — کارپنبات

ــه یکیصد

مجموعه بابت اصلی

سوده [illegible]

ارسال رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان مورخه [illegible] رمضان المبارک ۱۲

[illegible] شاه تهور دستگاه محمد مرتضی خان محفوظ باشند بعد دعا معلوم نمایند [illegible] مرسله کاشف [illegible]

گردید آنکه مرقوم بود که شاهزاده محمد سعید خان [illegible] از ده [illegible] بنده [illegible] سرکار [illegible]

حسب [illegible] امور سرکار [illegible] شان خیریت [illegible] خیرخواهی [illegible]

حفظ [illegible] خیریت [illegible] خیرخواهی [illegible] و اول [illegible]

از [illegible] دو باید شد [illegible] مقتضیه مصلحت [illegible] مقدمات خود را از

همه سود [illegible] خیرخواهی [illegible]

بیقلمی شد [illegible] سند مذکور [illegible]

ارسال رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] مورخه [illegible] رمضان المبارک ۱۲

۷۹

هندوی مبلغ طلبید روپیه [illegible] بعد وضع [illegible] مذکور [illegible] نوشته فرستید در

حساب مجرا خواهید یافت [illegible] حاضر نویسد [illegible] ایرادی

طلبید لازم [illegible] نوشته دهید فقط

ارسال خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] محمد [illegible] خان مورخه [illegible] رمضان المبارک ۱۲

جناب [illegible] مد ظله العالی تعداد ادای تسلیم معروض آنکه [illegible] طبیعت عزیز القدر [illegible] محمد خان

تردد فراوان دارم ترقب که من مهجور مخلص [illegible] بر راه نوید اعتدال مزاج [illegible]

باطلاع کیفیت طبیعت عزیز القدر رافع تفکرات [illegible] سند مذکور

ارسال رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام دیوان سکندر [illegible] مورخه [illegible] رمضان المبارک ۱۲

[illegible] خیرخواه [illegible] دیوان سکندر [illegible] باشند [illegible] میرسد

[illegible] محمد [illegible]

حاضر شده بعد گذرانیدن [illegible] میرسد [illegible] عزیز القدر [illegible] محمد خان را دیده

بواسطه عرضی کیفیت [illegible] شریف [illegible]

نوشته فرستاده [illegible] قرآن مجید [illegible]

وقتی و [illegible]

منشی علاء الملک ... که در تحریر یک پرچه از مقدمات سنگین و کتابت و لوازم آن

عاری است. نباید بدانم خیرخواهی است یا غیر متوسلان این سرکار را دل مدت آورده در این

سرکار رجوع کرده باشند. نه متوسلان و معتمدان سرکار را متنفر و پراکنده خاطر کنید ...

معامله ایشان و منشی موصوف واحد باشد و تحریرات و اخبار افواهی است نه از مقدمات اجنبی

از حاوی چند ان شده باشد فقط

معمول خوانهای طعام را پلو و زرده

دیگر و غیره و نان باشد

نواب ... محمد ... هزار | مستوفی ... محمد ... | ... | ... | ... فلان

... این قدر را اعتماد مرتضی خان حواله کنید زیرا که ...

از مقدار طعام میگیرند ... خواهد بخت ... کرده اند ...

... سنه ۱۲ ...

... باید که ... میرسد ... باشد ...

در کار است ... ستمکاری اول دریافته ... باید ... خواهد شد ... شاه ... را

نواب ... بیدار ... از ... داخل ... که ... از ... رسیده اند ...

محمد ... باید ... بالحاج المجذوب ... دریافته ... حسب ...

از ... محمد شاه ... را برای ... در ... باشد

اگر المجذوب راضی شود ... اجرت رسانید ... رسیده

... خاطر ... طلب میداریم ... دادگاه ... داریم

نقل ... سلطان ... محمد ... ماه ...

... محمد ... خان ... بعد ... و اصحاب ... اعلی ...

از ... بعد مدت ... خاطر ... روزگاری ... دکوس

... بر ... سرور ... در ... ده ...

مرحوم ... الملک ... در ... ابن ... و سلوک ... مصلحت ... مورد

... اهل اسلام است زیرا ... مرحوم ... مصلحت ...

اما الصلاح وقت منتظر صحت ... باید ... آقا ... وطن را

تنها نباید ... مصداق ... سلطان ... شده [illegible]

و عنایات فرمودن نواب صاحب بهادر را موجب اطمینان قلب خود کرده اند و در اینولا زیادی مرض [illegible] باعث انفعال

احسنت [illegible] صاحب بهادر [illegible] بر علالت در انجا تا ایام گذرانیده راجع با اسلام [illegible] وصف [illegible]

[illegible] تا [illegible] منظور است [illegible] تا [illegible] در این [illegible] راه [illegible]

در رقعه [illegible]

نقل رقعه [illegible] سکندر بیگم صاحبه [illegible] مورخه [illegible] رمضان المبارک سنه ۱۲۶ [illegible]

[illegible] بر [illegible] بالکل [illegible] موجود [illegible] کرده [illegible]

[illegible] بهادر [illegible] بدست [illegible] خواهند [illegible]

در رقعه [illegible]

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام نواب صاحب بهادر مورخه پانزدهم رمضان المبارک سنه ۱۲۶ [illegible]

نواب صاحب [illegible] فرمای [illegible] نواب [illegible] محمد خان بهادر سلمه الله تعالی بعد سلام سنت اسلام واضح باد

روز [illegible] از [illegible] فرحت افزا [illegible] برده [illegible] حال [illegible] معلوم [illegible]

شدم که اگر در [illegible] برای [illegible] سکندر [illegible] را اجازت حضوری شود تا [illegible] خود

دیده از کیفیت [illegible] کرده [illegible] تا اطمینان دل مضطرب را شود [illegible] این شعر برای تسلی دل

بیقرار است شعر تهی دستان قسمت را چه سود از رهبر کامل که خضر از آب حیوان تشنه آرد سکندر را

[illegible] از [illegible] جان [illegible] نیاز فقط

در رقعه [illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام [illegible] سکندر [illegible] مورخه [illegible] ۱۲ [illegible]

برخوردار [illegible] سعادت [illegible] دیوان سکندر [illegible] باشد [illegible] با امیر محمد خان

صاحب [illegible] باید [illegible] گاهی [illegible] مورخه [illegible] رمضان [illegible] ۱۲

نقل سوالها [illegible] سرکار نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها که در جواب [illegible] بهادر [illegible]

اول سوال اینکه صفائی خود از ما [illegible] وضع میخواهند دست [illegible] از ما میخواهند یا بطریق قلم بندی یا زبانی

دوم اینکه ما صفائی خود را از نواب صاحب بهادر بعد صحت [illegible] منحصر [illegible] یا صفائی خود بعد صفائی

نواب صاحب بهادر از ما میخواهند یا اول از صفائی نواب صاحب بهادر

سیوم بعد صفائی [illegible] بهتری در حق ما خواهند [illegible]

چهارم [illegible] صدر [illegible] نواب صاحب بهادر [illegible] بدی از ما در حق خود دیده [illegible] صفائی از ما میخواهند فقط

نقل [illegible] سکندر [illegible] مورخه [illegible] رمضان ۱۲ [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] رسید [illegible] گردید

[illegible] لکن [illegible] کار [illegible] لازم

[illegible] بالا دریافت کرده [illegible] تمام

[illegible] معلوم [illegible] شده [illegible]

[illegible] بگوئید [illegible] فقط

دعوی کیسی

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بجناب محمد مرتضی خان مورخه بیست و سیوم شهر رمضان سنه ۱۲۹۰

نسخه عریضه بتوسط شیخ محمد مرتضی خان بتوقیت نزع مدت ایشان رسید و احوال معلوم گردید در اوائل عریضه

ارقام نموده بودید که تعرف بعد نوازش جنس از آنها تا اکنون باز گشت نمیکند درین عریضه حال او نوشته‌اند

که بدستور سابق حرکات نا ملایم حرکت میکند و رسید چکیه و بهیچی نوالسان میرسد لکن تا وقتیکه

حکیم و بهیچی رسید نشود نگیرید رسید نه بندد و منشی سینا کرد عیار را ابوب داون رسید ارز

حرف ما گوئید که ما از رضاوند شما محاربت گرفته بر عالیشان آمده بودیم و هم از صلاح ایشان بار با یام کر

رفتیم شما اینقدر جهد در طلب رسید نمود دید یا منافی یا و نواب صاحب انگور کرده بودید و آنچه در تقدیر همه

مدت و ادب در طرف سید صاحب که نوشته‌اید صورتش زبانی گفتیم از انجور خبر تقاضی سید صاحب انجیه

از بهر سرکار نوشته مدت مرحمت گشته آن معامله دیگر است و قیمت انشا که خرید و فروخت بقدر مه علیحده است از

نوشته عوض قیمت و امکان و ادب از سید صاحب بر سید و تشخیص نموده اظهار نمائید بعد از آن جواب

آن نوشتم مراد و در نخست نقد طلب نمود در شهر از که سید صاحب نموده بود با عوض ایشان اولاً که از نظر صاحب

فدویه و ام اقبالها تشخیص داریم و از در آنکه صورت بیند و نیز در سرکار نظر صاحب مقصود بود بیشتر مطلب

از طرف ما مهمات مسعود فقط و چند معدودات زیاده گفتنی است شما در اینجا بیائید تا گفته شود فقط

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه از طرف دیوان سکندر رفا مورخه بیست و سیوم رمضان سنه ۱۲۹۰

بر خود در رسالت احوال خیر خواه دیوان سکندر قبلاً نوشته‌اند عرضی بود رسید و کیف معلوم دیگر

و به ما را ابراهیم خان و محمد خان از ایشان نگوئید همه در انجا نوشته اطلاع داده‌اند شما باید اما ما

ابراهیم خان و محمد خان بصواب دیدیم صورت و بود شما در سرکار معروض کسیکه باشد معرفت

همان کس نزد سرکار رسانید و معتمدان شما در سرکار از معرفت قسم نشده‌اند فقط

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی ... مورخه ... شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۹۰

سراوقت بجا بود شگفت منشی ... محفوظ هستند ما از رضاوند شما اجازت گرفته به زیارت آمده بودیم

و هم در صلاح ایشان بار با یلدم اگر رفتیم شما اینقدر اذان کرد دلان بهو بخور بود ببینیم معلوم نیست آیا حقیقتاً

با و نواب صاحب بهار اینقدر کرده‌اید و قضیه مسفی و مهربان صاحب بهار بما از رضائی در جواب خواهند برد

آن وقت احتیاط که از مراد شاه می‌کنند زیاده از آن خواهیم بفرستید رسید از دیوان سکندر قلم

ز قسمت اشیا مذکور را تلف ما فرستید یا از نواب صاحب بهار رسید گرفته فرستید فقط

نقل عریضه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه بیست و پنجم رمضان المبارک سنه ۱۲۹۰

عرض دیگر آنکه منشی ... باشند تا ... رسید کاشف مندرجه شد مذکور خاطر بود رسید و مقدمه

عیوض تا هاشم فرستیم اما از حرار ایشان بعد بکند و ماه بوضع نوشته اند فرستاده خواهند شد زیرا که محرره

با احتیاط هم میرسد تبدیلش خواهد رسید و شراو شاه محمد سعید خان بعد بگوئید جمله مراد از خیلان را

از ایشان پیدا نشتند فی الواقع اما از طرف ما خبر میدارند و نه با ما مواصله اقدام دارند اشد جای متعجب تا
یا نوشته ما که سبب اطمینان شان باشد مکنون خاطر میدارند ما را از این هر دو انکار نیست اما
صورتش از برادرشان محمد مرتضی خان ناجی ملقوش طبع شان شده است لیکن ما را احوالش [illegible]
والحال بر صحه خان موصوف را منظور باشد بر سید برانکار زیرا که تا امروز جواب شان صاحب
نامده اند مستعد بودن شان معلوم نیست از کدام طرح میخواهند مورخه بیست و پنجم رمضان المبارک سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد مرتضی خان مورخه بیست و پنجم رمضان المبارک ۱۲۶۰ هجری قدسی
شجاعت پناه تهور دستگاه محمد مرتضی خان محفوظ باشند عرضی مرسله کاشف معذرت برای اجازت
ملاقات با حکیم وارث علیخان [illegible] بود از طرف ما هیچ ممانعت نیست زیرا که ملاقات
ایشان با او شان بطور [illegible] برای کار ما نیست [illegible] احتیاط کنیم و بعد حصول
ملاقات حکیم صاحب بروز جمعه در اینجا ائید [illegible] ۱۲۶۰

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] سکندر خیل مورخه بیست و پنجم رمضان
عرضی مرسله امروز کاشف [illegible] شد [illegible] نور العین [illegible]
فرستیم [illegible] برده حکیم [illegible] فقط
ولیعهد اگر روز جمعه [illegible] مرتضی خان در اینجا فرستند فقط

نقل خط منشی جمال الدین بنام منشی بهنی پرشاد مورخه بیست و پنجم رمضان المبارک ۱۲۶۰ هجری قدسی
منشی صاحب مشفق مهربان [illegible] منشی بهنی پرشاد صاحب [illegible]
بعد اشتیاق واضح مواصلت کتاب المسرت [illegible] بیست مد خط جناب
آقای نامدار دام اقبالها [illegible] را مدد فرمودند که قیمتش یک و نیم صد روپیه
سکه [illegible] ماه کم و بیش خواهم فرستاد حسب الحکم بجانب اطلاع رقم در آورده
را نیز اسید [illegible] شفقت [illegible] فرموده باشند بیست و نهم [illegible] ۱۲۶۰

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم منشی [illegible] مورخه [illegible] رمضان المبارک
[illegible] دستگاه منشی [illegible] محفوظ باشند مراسله کاشف معذرت مضمون [illegible]
[illegible] اولی [illegible] در ان مندرج نبود و نه [illegible] ما است که از مقدمات
خبر [illegible] نه تحفه در باب [illegible] واقعه نوشته [illegible]
[illegible] مرقوم بود جمیع خیر خواه [illegible] روزگار است [illegible] آقای خود [illegible]
[illegible] ولیعهد [illegible] رسیدن بهتر است و انکه نوشته اند اعتبار
راست [illegible] رسید [illegible] ما را [illegible] اعتبار [illegible] نیست مورخه [illegible]

نقل شقه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] مورخه بیست و [illegible] رمضان المبارک سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

تنخواه عمده ... شاه ... بدستگاه فانضه جناب علام مخدوم خان قندهاری پال مهوری محفوظ باشد شد

جاگیر داکسی ... لدها ... امر ... حضور ما بدولت ظاهر کرد که خیرات از فریق زدایل سکنه پرگنه مهوری ... جیه

از قدیم مقرر است برای ... پرورش عام خداوندی بنام عامل پرگنه مذکور رشته خاص مرحمت کرده بسی حسب

التماس ... نگارش میرود که هرچه خیرات از قدیم موافق ... استعداد و گنجایش هرکدام مقرر شود از فریق مذکور بنام مبرده باید

نقل رشته جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عاملان مهوری مورخه ... ۱۲۶۱ رمضان المبارک ...

... شاه ... بدستگاه فانضه جناب علام مخدوم خان قندهاری محفوظ باشد ...

... شاه ... خیر الدین انصاری ... خواهد رسید ... برای رسانیدن

... خواهند رسانید ... رمضان المبارک ... گردید ...

... باطور خان ... آورده اید و نیز در باب ... بنام ایشان ... باطور خان

را سپرده رسید از وی گرفته فرستید ... این ... را از میان برخیزانید که ماندنش ... نیست

و ... خان در اینجا رسیده بیمار شد بعد صحت اینجا خواهد رسید ... را که از اقربای ... شاه در موضع

با ... سکونت ورزیده از علاقه خود برانید اگرچه ... فساد نکند ... را ملحوظ دارید که ... از متعلقان

و اقربای ... شاه در تمام پرگنه مهوری بمقامی ساکن و مقیم نباشد و پروانه در باب ... بنام ایشان

جاری بوده است بشرط دستور قدیم آن موافق مضمونش عمل کنید و ... داری پرگنه ... حال جلد

... را داخل نمائید و حالات ... بنای ... معلوم نیست ... کرده آید یا نه فقط

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام والده پیر سید سلطان مرحوم مورخه ... رمضان المبارک ۱۲ ... هجری قدسی

دادا ... مجدوه ... لطف اظهار لوازم ادب و بسیار ... مکرمت در طلب پروانه

... مستاجر ... سپرده ... ممالعت ... بوده ... مسعود

در ... قصه ... مستاجر مذکور ... خم سده ... موافق ... پروانه از دفتر ... جاری

نقل رشته ... سالار ... ۱۲ ...

... رسیده ... حکم غلام حسین خان ... سالار

... دستور ... جواب طلب خواهند ... سالار

نقل رشته جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عاملان مهوری مورخه چهارم شوال ۱۲ ... هجری قدسی

مهوری ... شاه ... بدستگاه ... غلام مخدوم خان قندهاری محفوظ باشد ...

گندم از ... وقتی ... مردمان ... متفق دولتی صاحبه بواسطه ... حکم ... دلیل

کامدار ... برای ... رسیده باشد داده رسید گرفته باشد فقط

نقل رشته جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام مولوی محمد نواز مورخه ... شوال ... ساه

فضیلت دستگاه مولوی محمد نواز محفوظ باشند ... رسیده ... گردید و بعد ... موضع ... بوده

مسرور گردانید ... در این زمانه ... اتفاق ... علیه ...

سعی می‌شود که از تصفیه مقدمات خود بخوبی مطمئن خاطر باشند آنگاه با ما ملاقات کنند زیرا که هر عداوت
ستمی تا الحال بروز [illegible] مقصود خواهد شد اگر اعراض از ملاقات خواهید نمود ما تصفیه مقدمات را در این زمانه مذبذب
مصلحتاً بجای خود داشته اطلاعش با مفتی و مهاجران [illegible] رحمت [illegible] بهوپال کرده‌ام [illegible] فرمود که در این زمانه کسی
بتقریب عبادت ملاقات نواب صاحب بهادر کردن غیر مناسب خصوص بحالت آنکه ایشان از بدبهار خود نمیگذرند ما زنگیهای خود
چگونه بگذاریم چند روز بر عبادت نزد نواب صاحب بهادر رفته و متوقف شده در اسلام نگر باز آمدیم اگر صلح و صفای درمیان
می‌آید در بهوپال قیام مدام میشد در اسلام نگر نمی‌آمدیم و ما خبیثانیم [illegible] اگر صورتی نوخواه میشود مینویسد خیرخواهان خلوص شعار
و متوسلان [illegible] انتظار را از اطلاعش [illegible] ساعتها [illegible] المستعان [illegible] از بعد [illegible] اطلاع میرفت
لازم [illegible] خبیثان از توبه عاقبت و اخبار بد متعلق اینجا را باید مداومت نموده باشند فقط

۱۲۶۶ قدسیه
نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] جان قابله [illegible] [illegible]
قابله انعام معتمده الحرمت صاحب جان قابله بعافیت باشند از بد [illegible] اخبار اجازت
رسیده [illegible] خاطر نشان است و [illegible] راه و [illegible] بود [illegible] سرکار [illegible]
عیدیت شکر تابه بندوی یکصد روپیه سکه کلدار فرستادیم لازم که بجه رسید رقعه بلا تامل و تعویق راهی اصطور
شود و بسم الله و بدیه قرآن شریف نور دیده [illegible] که از فضل الهی بخیر تمام ختم کرده است در پیش درآن
شادی مبارکست [illegible] حقداری از جمله [illegible] روز [illegible] بندوی را توشه [illegible] و ما احتیاج [illegible] حسب الحکم [illegible]

۱۲۶۶ قدسیه
نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عدیت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] وکالت [illegible] باشند [illegible]
و [illegible] عاقبت [illegible] خاطر [illegible] می‌باشد [illegible]
و جمعیت خاطر خود [illegible] نموده [illegible] رقعه بنام [illegible] جان قابله بندوی یکصد روپیه

سکه کلدار [illegible] ملفوف رقعیه میرسد لازم که آن را طلب [illegible] ساخته [illegible] در [illegible] سوار شده
راهی [illegible] بشود در رسیدن [illegible] حسب الحکم الفرام کار [illegible] بجه [illegible] رسید
[illegible]

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه هشتم شوال سنه ۱۲۶۶ هجری قدسیه
[illegible] براد [illegible] فاروق [illegible] نرسید [illegible] باشد و [illegible] ارند [illegible] بهار [illegible]
بر گروه [illegible] اینجا هم [illegible] نموده و [illegible] مسجد و [illegible] تا آنکه رسید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] مورخه [illegible] شوال سنه ۱۲۶۶ هجری قدسیه
عرض [illegible] رسید [illegible] عرضی مرسله [illegible] مندرج بود [illegible] آثار [illegible] شده
[illegible] حکم داده [illegible] در [illegible] اول در [illegible] رفته [illegible] ملاقات کنند
و [illegible] تمام مستفید [illegible] رسیده عرضی در [illegible] شوند و [illegible]
حاضر شد [illegible] اعلام میشود [illegible] حاضر شده عوض [illegible] کنند [illegible]

[illegible] خواهد بود [illegible] خواهد [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] مورخه هشتم شوال سنه ۱۲۶۶ هجری قدسیه
[illegible] بندوی یکصد روپیه سکه [illegible] رقعه [illegible] سکندر [illegible]
[illegible] فقط

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها مرقومه بیستم شهر شوال سنه ۱۲۹۰ ...
عزیز ... سنه ... مبلغ ... روپیه و سیزده آنه ... بموجب ... رسید ...
... رسید ... در حضور حاضر ... در سرکار ... کرده
تجویز قیمتش ... خواهید ... همراه ... اگر
در ... باشد ... رسید فقط

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر علی مورخه چهاردهم شوال سنه ۱۲۹۰ ...
سرخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت دیوان سکندر علی بعافیت باشند ... روپیه ...
... روپیه ... که ... سرکار ... سنه ...
... رسید فقط

۱۶ ۶۰

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم ... اقبالها بنام ... سنه ۱۲ ...
عزت دستگاه ... باشند ... دیگر ... سنه ...
... میرزا اصغر علی ...
و ... حکیم ... خان ... فقط

وصول شد

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... سنه ۱۲ ...
... عزت ... حفظ الله تعالی ... بود ...
... حضور ...
... نکار ... فقط

۹۱۲

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... دیوان سکندر علی ... سنه ...
برخوردار سعادت اطوار خیرخواه دولت سکندر علی ...
... صد روپیه ...
...
...
...
...
...
... باشند

هرگاه که ایشان شکوه نوشته اند [illegible] اهالی [illegible] [illegible] بکار [illegible]

نقل [illegible] نواب سکندر [illegible] ادام الله اقباله اسمی محمد [illegible] خان [illegible]
[illegible] محمد [illegible] خان محفوظ باشند [illegible]
در [illegible] نوشتن [illegible] منظور باشد [illegible]
[illegible] فقط

نقل [illegible] نواب سکندر [illegible] ادام الله اقباله اسمی [illegible] خان [illegible]
[illegible] خان محفوظ باشند [illegible]
[illegible]
[illegible] فقط

[illegible] نواب سکندر [illegible] ادام الله اقباله اسمی دیوان سکندر شاه [illegible]
[illegible] دیوان سکندر شاه [illegible]
دیوان سکندر [illegible]
[illegible]
[illegible] فقط

نقل [illegible] نواب سکندر [illegible] ادام الله اقباله اسمی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نواب سکندر [illegible] ادام الله اقباله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فقط

نقل [illegible] نواب سکندر [illegible] ادام الله اقباله اسمی [illegible] خان [illegible]
[illegible] محفوظ باشند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

تا مالیت واری به شیخ فخر الدین القادری معلوم شد که اطراف مکان میان برم شاه و درویش مقام باب
آباد در سنت با صورت شاع جو بلی است و مکانات رعایا باید که حقوق بطلبت شده بصورت ناعدان که
صاحب خان نااند که شده بعد در روز چهار روز در آنجا مستعد و بالای فرجات بسیار عبرانم
تیار باید بعوض آن که چنان کسان اهل میان حوزه بید جست تا عمر باید دولت از اصل حضور خفی باید

نقل پروانه امیر ... محمد جلال الدین صاحب محمد بالج ... دوشنبه سوم شوال سنه ۱۲۶۰ ... دهیر با تدبیر محمد کمال الدین ... سلامت
عرض الثانی رسید در باب حالات ملفوفه سبحان الله شکوه نوشته تا که نگاشته اید ... در گذشت معلوم شد و ... شکوه سماحو اللید
که واحد اف انجا هیچ از شما نوشته ... و تازه المنان نرسیده که نوشته اید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسومه نواب میان محمد ... تحریر ۲۵ شوال سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
مامور الفت مشفق و مهربان نواب میان ... سلمه الله تعالی بعد سلام مسنون و اضطراب ... ملاحظه رسید کاشف مندرجه شد
مشفقا تا زمان رسانیدن ... نیاز مندی ... خود ... آن ندارم که در باب ... کنم
و اراده عرضی را بخدمت جناب نواب ... معز الدوله معز محمد خان بهادر فتح جنگ مرقوم بود اختیار دارند و
مسطور بود که از مرضی خداوند ... نعمت مقدمه ... دیگر ... کار ... اگر دیدار ... هیچ می گویید ... کار

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسومه حکیم غلام حسین خان مورخه ۲۷ شوال سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی
حکمت و صدور ... در باب ... دستگاه حکیم غلام حسین خان نواب ... باشند ... روانه ... شوید
تا خیر کرده و انتظار ... در باب حصول زر ... ضرورت ... ۲۷ ...

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام ... حسین ... مورخه ۲۷ شوال سنه ۱۲۶۰ هجری ...
... حسین ... ~~سیکهوله ... روانه ... تاخیر کرده و انتظار ... باب ...~~
بعد ... الاسف اگر ... حکیم غلام حسین خان ... و مهربان ... سالار شده باشند ... رسید
و دیگر ... حالات ... گفتگو ... شنید باشند ... در یافته ... فقط
میرسد ... رساید فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسومه ... حسین ... سنه ۱۲۶۰ هجری ...
... در دستگاه ... حسین نواب ... باشند عریضه ... بدست ... عرضی ... با
... مرجع ... رسالدار ... بخدمت ... حکیم غلام حسین خان را روانه ...
... هیچ کار ... در ... و در صورت توقف ... در ...
در حق ... بهتر خواهد ... ریخ کرده ... زیرا ... حیات ...
... خبر ... تعجب ... با وجود ...
خبر ... آگاه نمیکنند ... الحال ... وقت ...
خواهد ... گذاشته ... کدام ... فرستید فقط

در ربیع ۲۹

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] سکندر [illegible] مورخه [illegible] شوال ۱۲۶۹ [illegible]
[illegible] سعادت اطوار خیرخواه دو دولت سکندر [illegible] واقفیت باشد یک پارچه [illegible] رشته
[illegible] رسانیده [illegible] عالی دو [illegible] رسیده [illegible] نافرمان و
یک [illegible] دو تا [illegible] گشاینده یا دو [illegible] با [illegible] دیگر [illegible] دو [illegible]
دو پاره [illegible] دیگر [illegible] یکی نافرمان و دیگر [illegible] گشاینده [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم [illegible] قابله [illegible] ذی القعده ۱۲۶۹
معتمدة الدوله [illegible] قابله الانام [illegible] قابله [illegible] واقفیت باشد [illegible] شوال سنه ۱۲۶۹ [illegible]
[illegible] و کمالات [illegible] در طلب [illegible] لازم
[illegible] رود [illegible] خواهی [illegible] حسب الحکم [illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام [illegible] مورخه [illegible] ذی القعده سنه ۱۲۶۹ [illegible]
[illegible] واقف باشند [illegible] شوال [illegible] روپیه [illegible] کمالات [illegible] در طلب [illegible]
[illegible] قریب [illegible] نرسید [illegible] بسبب عوارض [illegible] باشند
لازم [illegible] اطمینان [illegible] باشند [illegible]
[illegible] فقط

۷۹

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] ذی القعده ۱۲۶۹ [illegible]
[illegible] [illegible] از [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] شیخ محمد جمال الدین [illegible] ذی القعده ۱۲۶۹
[illegible] شیخ محمد جمال الدین [illegible] باشند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] محمد جمال الدین [illegible] ذی القعده ۱۲۶۹
[illegible] محمد جمال الدین [illegible] باشند [illegible]
[illegible] فقط

هر از تقدیم شناسی حضرت اجل عالی بهشت سبحان الله فرستاده ام که از اسب [illegible] و قطع نظر از [illegible] ارشان [illegible]
وکالت [illegible] نباید بود چه که ایشان [illegible] عروت ایشان [illegible] میشوند و کتب گوسفند و ابوالبرکات [illegible] نمایید
چه بود [illegible] معلوم زمانه این [illegible] نشسته تیر وقت [illegible] و [illegible] اگر [illegible] و ضبط دارید [illegible]
[illegible] با خود بعضی چها [illegible] و [illegible] نمی‌کنند [illegible] که [illegible] منعه [illegible]
و [illegible] سوال و جواب [illegible] نامه [illegible] مطلب [illegible] نماید و [illegible] و [illegible]
وقت [illegible] بود [illegible] است و [illegible] حال وقت [illegible] از آن که گفته ام اگر [illegible]
باشند با علت [illegible] و [illegible] نماید و خاطر [illegible] و در این وقت [illegible]
و [illegible] و [illegible] مخالف [illegible] رسیدن [illegible] موقوف دارید تا
خدمت معاودت [illegible] تمام [illegible] باشد و [illegible] و [illegible]
برسد [illegible] نمایند فقط

راز [illegible] از [illegible] نماید و [illegible] حالت [illegible]
[illegible] در این وقت [illegible] و [illegible]
[illegible] فقط

[illegible] ادام الله [illegible] دلعقده ۱۲
[illegible] حسن [illegible] باشند [illegible] روز [illegible] حال [illegible]
[illegible] و [illegible] جه قدر [illegible] دارند

و کجا کجا [illegible] اند [illegible] عنایت [illegible] حکیم [illegible] حسن خان
[illegible] بنای شده است [illegible] نقد [illegible] کار [illegible] معمور بود
[illegible] از [illegible] کار [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] و [illegible] حاجی علاء [illegible] از آن
گفته [illegible] نوبر [illegible] روزی [illegible] بیرون [illegible]
[illegible] بیرون [illegible] سبحان الله [illegible] محمد [illegible]
[illegible] بیرون [illegible] و [illegible] تحریر معمور
[illegible] تحریر [illegible] و [illegible]

[illegible] ادام الله [illegible] محمد جمال الدین [illegible] دلعقده ۱۲
[illegible] محمد جمال الدین [illegible] است [illegible]
[illegible] روز [illegible] خان [illegible] و [illegible]
[illegible] الدین [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] خاک [illegible]
[illegible] و [illegible] اسباب [illegible] و [illegible]
[illegible] رسید [illegible] و [illegible] کذشت [illegible]
الطاف [illegible] فقط

نقل مراسله جناب ... اسکندر ... ادام الله اقباله العالی ... محمد ... [illegible]

[illegible]

... عمل نایب ... [illegible]

نقل مراسله جناب ... اسکندر ... ادام الله اقباله ... [illegible]

[illegible]

نقل مراسله جناب ... اسکندر ... ادام الله اقباله العالی ... [illegible]

[illegible]

... بر حسب ... [illegible]

نقل مراسله جناب ... اسکندر ... ادام الله اقباله العالی ... [illegible]

[illegible]

ایشان [illegible] خوب [illegible] بسیار ... سکان [illegible] و جز [illegible] انتقال [illegible] حضور [illegible] خان و
شاگرد [illegible] و خانوی [illegible] ماده [illegible] یک پنجصد روپیه برای طلبا [illegible] مرید [illegible] فلان
لسیار بد والا [illegible] خالیست و ریزند غائید و لعل [illegible] علیه مخدوم خان و اظهار [illegible] شاه گوند
[illegible] کار [illegible] و حکم [illegible] مرید [illegible] تمام [illegible]
از جانب فلان [illegible] گفته و [illegible] سپرده بیاید با رحمه [illegible] مرید [illegible]
نمائید و لعفار [illegible] خان میرسد فقط

نقل خط [illegible] سکندر [illegible] دام اقبالها بنام [illegible] نوشته [illegible] دیقعد [illegible]

[illegible] و مهربان [illegible] سلمه الله تعالی بعد [illegible] اخلاص [illegible] مقاصد [illegible]
مکشوف [illegible] انکه با صفای [illegible] طبیعت [illegible] فرخنده [illegible] اعلای
[illegible] اضطراب بر خاطر [illegible] الله تعالی [illegible] صحت کامل [illegible]
[illegible] طبیعی [illegible] امید [illegible] کامل اطلاع [illegible]

نقل [illegible] سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] امر [illegible] ماه [illegible] ۱۲

صدا [illegible] شاه [illegible] امر [illegible] باشد [illegible] گاشتی [illegible] شد از
ادراک [illegible] والد ماجد [illegible] تاسف و افسوس گردید اما چونکه از حکم قضا و قدر کسی را چاره نیست
رضای مولی از همه اولی دانسته ایم و آن [illegible] نیز راه صبر [illegible] بر درگاه [illegible] شاه زاده [illegible]

و انکه برای حضوری خود [illegible] شنید چندی همانجا مقیم باشند پس اراده ترددات [illegible] عاید [illegible]
[illegible] خاطر مرتفع شود انشاء الله خواهیم نمود انزمان مضایقه نخواهد بود و [illegible] باشندوی [illegible] خان
قابل [illegible] والد مرحوم ایشان مرسل شده است اگر رسیده باشد [illegible] انفعال الله [illegible] بنام [illegible]

نقل خط سکندر بنام رجبی بیگم مورخه بیزدهم شهر ذیقعده سنه ۱۲۶۲ هجری رجبی بیگم
صاحبه مهربان سلامت بعد سلام سنت اسلام انکه دختر شمان در حقیقت
دختر ما است لیکن متبنی کردند در شریعت درست نیست خصوص برین
نیست که اولاد زنده نمی ماند اگر دیگری را خواهید داد زنده خواهد شد معاذ الله
این مقابله با خدا است بجز دعا طاقت بنده نیست که دم زند اینده شما
خود عاقله و هوشیار اید حاجت تعلیم نیست اما امروز امراو بیگم را اگر
منظور باشد نزد ما بفرستید که آن را در اغوش گرفته انچه برای
آن پارچه وغیره تیار کرده ام همراه او بفرستم اینده اختیار فقط

نقل [illegible] سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها [illegible] ذیقعده سنه ۱۲۶۲
[illegible] مرید [illegible] نمانند و سکندر [illegible]
[illegible] رفته است

لازم که مجرد رسیدن رقعه نقد دیوان مذکور روبرو روز رسید زینجا نمایند فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام پیر محمد خطیب احمد صاحب مورخه نوزدهم ذیقعده سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

پیر صاحب طریقت و فضائل پناه شریعت دستگاه پیر محمد خطیب احمد صاحب سلمه الله تعالی بعد سلام مسنون

واضح و لایح باد که دیر باز بل از روز رخصت اخبار خیریت فضیلت و کمالات پناه پیر محمد حبیب احمد صاحب رافع

افکار انتظار نگردیده اگر نزد آن صاحب رسیده باشد مطلع نمایند و نقل نسخه سرفه که بهندی دمه گویند و

حکیم وارث علیخان بآن صاحب داده اند ارسال فرمایند مورخه نوزدهم شهر سنه مذکور صحیح

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام عاملان شهور مورخه بیستم ذیقعده سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

شهور و سیح عنایت پناه مراد و جلالت دستگاه خان صاحب محمد جوان خان محفوظ باشند عرضی مرسله با کیفیت گوند کاشف مندرج بود

شهور و صلابت و دلیری ایشان آنکه با گوند که ربر دید دریافته به احسین و آفرین گردید مردان کار

و خیرخواهان جان نثار همواره چنین میکنند ایشان گردیدند والله ... دم حضوری جلد ولی خواهند یافت

در بابی تعلق سیاه میان خیر الدین انصاری معلوم گردید که غله سرکار در بهوری مجتمع است پس لازم که بلاحظه رقعه

... گرد کاه متفقه در این جا حسب الارقام سابق سنجیده سپارید عذر ناه جیت نیست فقط

رجعت

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مکرم ... مورخه بیستم ذیقعده سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

شجاعت دستگاه ...

برای جمال الدین طلب از سیده ... فرستاده ایم و ... بیان کرده ... تشخص و گنده از ... جریده بردن

دیگر رسانید و قیمت آن ... تا فرستاده شود مورخه بیستم ماه سنه مذکور ... رقعه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان ... مورخه بیست و دوم ذیقعده سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

برادر ... بسیار ... و دیوان ... سلمه الرحمن بعد ادای رسوم قدیم مکشوف خاطر خلوص مآثر باد از اتفاقات

روزگار ... برای استقبال ... آمدید ... بود که تا اینجا ... نمودید

و با این نیازمند درگاه الهی ملاقات خواهید نمود مگر زمانه معذور داشت خیر بر کار ... خود ...

از اخبار خیریت محتوی مکتوب محبت اسلوب مسرور فرمایید زیاده چه بر طرازد فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه بیست و دوم ذیقعده سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

اخلاص اساس ... ایشان ... باز ... گردید

... بود ... فایز شده بودید مگر ...

طبع ایشان باید معذور کرده باشد اگر در اینجا آمدید ... و هم علاج ...

سید ... در این ملک حکیم عدیم المثال ... تا ...

و هم علاج می تواند شد فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه بیست و دوم ذیقعده سنه ۱۲۶۶ هجری قدسی

سنجاعت پناه مهور دستگاه محمد ... خان بعافیت باشند دو ... رسیده کاشف ... الحال ... و ...
... میگویند ... بخواه ... مالد ... تا ... حنین ... باشند ... حاکم زبردست اند ...
... خواهد ... بطهور ... و امروز ما ... و ... التحیه ... حاضر شوید فقط ... سنه ... نوکر

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر ... مورخه ... ۲۲ شهر ذیقعد سنه ۱۲۶۰ ... قدسیه
سرحوردار ... سعادت اطوار خیر خواه ... دیوان سکندر ... بعافیت باشند ... مرقوم بعرض ... معمدی ... نگر ... الاول
خبر ... گاه و ... واقعه گرده تعین ... معتمد ... الله ... مدام ... معمد ... و معتمد
... نگر ... واقعه ... رسانید ... کاغذ ... و جهان ...
... مهمات ... ملک ... بسته ... کرده اید ... باشند
از حضور ... فقط

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام محمد یار خان مورخه بیست و دوم ۲۲ ذیقعد سنه ۱۲۶۰ الهجری قدسیه
شهور ... دستگاه محمد یار خان محفوظ باشند بعد دعا ... مطلع باد ... شاه محمد رستم خان خلوص ان
... پناه ... این سرکار ... فتنه ... رسیدیم ... اوقع ... مخلصان ...
بخیال ... تهور ... رسید ... سرکار ... متوجه ... اخبار ... فقط

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه بیست و دوم ۲۲ ذیقعد سنه ۱۲۶۰ الهجری قدسیه
... رسیده شد ... بعافیت باشند مبلغ ... روپیه سکه ... از خالصه ... الیه ... نگار

طالع ... در ... کتاب ... مجتمع اند ... خود جمع کرده ... تا ... نوشته ...
باقی حال متعلقه ... شاه حکیم غلام حسین خان ... خود ... سید ... نوکر

نقل ... جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... مورخه ... سیوم ذیقعد سنه ۱۲۶۰ ...
... مشفق مهربان کرم ... سلمه الله تعالی ... خلوص ... مقاصد ... خاطر
... الحال ... شریف ... مخلصه ... ضرور ...
در ... مخلصه ... سبب ... در عام و خاص ... برادران و مخلصان
دولتخواهان منظور ... و ... الحال ... جهت
... مخلصه ... اید ... اطلاع داده ... ملاقات ...
کرم ... مخلصان ... مخلصه ملاقات ... بنشیند ... سبب
... الحال طلبیدن مخلصه درانجا ضرور ... اگر طلبیدن به سبب
... مشفق ... مخلصه ... شریف ...
... شاه حکیم غلام حسین خان ... خواهد شد فقط ... سیوم ذیقعد سنه ۱۲۶۰

موسومه ...
موسومه ...
[illegible]
[illegible]

نقل رقعهٔ نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام منشی [illegible] مورخه بیست و سیوم ذالقعده سنه ۱۲ [illegible]

[illegible] منشی [illegible] سکندر [illegible] تا امروز کاشف [illegible]

[illegible] در باوصل رسیدیم الحال [illegible]

[illegible] بتاریخ [illegible] انشاءالله [illegible]

کنند و [illegible] روانه [illegible] فقط

نقل رقعهٔ جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه بیست و چهارم ذالقعده سنه ۱۲ [illegible]

[illegible] همه [illegible] دست آویز [illegible]

نواب محمد [illegible] خان [illegible]

[illegible] العرب [illegible] بخدمت نواب [illegible]

[illegible] داده [illegible] جمع کنید والا هر چه [illegible]

معروض داریدـ فقط

نقل رقعهٔ نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] مورخه بیست و پنجم ذالقعده سنه ۱۲ [illegible]

از طرف [illegible] بعد سلام معروض [illegible] دل را کمال بیقراری [illegible]

وصال [illegible] چند [illegible] خریطه [illegible] توقف فرموده و بیقراری [illegible]

[illegible] خود قرار دادیم اما گونه بیقراری از حد [illegible] رسول

[illegible] وقت غلبه مرض [illegible] اهل [illegible] معاف [illegible]

[illegible] حکیم علام حسین خان [illegible]

[illegible] ۱۲ [illegible] ۲۵

نقل خط نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ظهیر الدوله جهانگیر محمد خان بهادر مورخه بیست و پنجم ذالقعده سنه ۱۲ [illegible]

نواب [illegible] مروت و الطاف فرمای [illegible] نواب ظهیر الدوله جهانگیر محمد خان بهادر سلمه الله تعالی بعد سلام [illegible] الاسلام [illegible]

میگرداند از روز رخصت تا این دم احوال [illegible] الطاف از اخبار دریافتم کمال [illegible] دعا هیچ علاج ندیدم

الله تعالی فضل خود کند و [illegible] زبان این عاجزه پر معاصی را اثری بخشد زیاده ازین چه باید نوشت [illegible]

[illegible] گناه ببخش جرم من روسیاه و نامه سیاه و باقی حال زبانی شرافت پناه حکیم علام حسین خان [illegible]

[illegible] خواهد شد فقط الله بس باقی هوس [illegible] ادب و دعای خیر فقط

نقل خط سکندر بنام میان فوجدار محمد خان مورخه بیست پنجم شهر ذیقعده سنه ۱۲ [illegible] خالو صاحب

قبله مدظله الله تعالی بعد اداب و تسلیم معروض آنکه در این ولا تشریف آوردن جناب

در اینجا بر ضرور است [illegible] هیچ و اندیشه وجهی من کل الوجوه [illegible]

خاطر عاطر [illegible] اگر [illegible] قاضی محمد [illegible]

اگر چه از فرستادن [illegible] مبارک [illegible] مگر [illegible] فرمایند

نقل رقعهٔ جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام [illegible] سکندر [illegible] مورخه بیست و پنجم ذالقعده سنه ۱۲ [illegible]

[illegible] سکندر [illegible] رسید [illegible]

فرستید و وقت طلب حکمت پناه حکیم علاء حسین خان همراه شان نزد نواب صاحب بهادر روید مورخه ۲ شهر مذکور

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام حکیم علاء حسین خان مورخه بیست و پنجم ذیقعده سنه ۱۲۷۶ هجری

حکمت و حذاقت پناه الطاف و امانت دستگاه حکیم علاء حسین خان محفوظ باشند شقه اسمی میر حسین را مهر مطالعه کرده نزد شان رسانند و منتظر باشند که صاحب کلان بهادر باشند وقتی که اوشان طلبند حکیم ما
از جناب بهادر ممنوع گرفته با نواب صاحب بهادر رسانند و الحمد نرمی و دلبری بطوریکه سر مو گران
بخاطر نواب صاحب بهادر نگذرد گفت و شنود ما از اوشان تفهیم نمایند و بوضع رسم اهل الملک ا
دقیقه از دقایق تعریف نگذارید و زیاده الحکمت پناه حسب الطلب بخدمت صاحب کلان بهادر رو بعوض
کیفیت مقدمه مذکور ذکر در رسم الله با حضور ممنوع کرده حقیقت نواب محمد اسد علی خان صاحب حکم شمشاد ان
دوگان گشتی که پیش دالس در دلون ز روی بود کان شنود دالس گرفته رسانید و در جواب دار
دلون سکندر قمار را همراه خود برد نواب صاحب بهادر بریده تنها نرو ید بیست و پنجم ذیقعده سنه

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر حسین نوشته بیست و ششم ذیقعده سنه ۱۲۷۶ هجری
عزت و شفقت دستگاه میر حسین محفوظ باشند که عرایض مرسله با خریطه صاحب کلان بهادر رسیده
لله دلیسی بر پشت کاغذ مذکوره که چه ظهور آورده باشند بعد از ملاحظه خریطه برکت و عرایض مطلع شدیم
وقت زمانی ما با بادیه و تحفه آوردن حسب ممنوع بالنجام مطلق نبا فهم شده از آن قرار دادیم
ما صاحب ما با سامان کرسی در باغ با خواهم رفت با آن بیرون آورده ممنوع از آنجا که ابرار
ما با وقت طعام شنبه باز بمقام گاه خود تحفه بر زند الله ما اطلاع ... ممنوع نمایم

گه اگر پیشتر بدعا را بر سر کار رسید به قوامی آن خیمه گاه فرد ازینجا در باغ مذکور برسم و البته قیام اگر ... شد
نه دقیقه در آنجا میرسیدیم هیچ وقت گفتگو نمی ماند زیرا که اگر ملاقات سر کار بسید معتمد نوشته فقط

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه به مقام بخشی قدرت الله مورخه بیست و ششم ذیقعده سنه ۱۲۷۶ هجری
برادر عزیز القدر بخشی قدرت الله صاحب محفوظ باشند بعد دعای خیر مطلع باد که از ذرر رخصت هیچ از احوال
در رسید خود نه نگاشتید با آنکه چند سوار همراه دارید چنین تغافل و تساهل و استغنا بجز آن عزیز القدر
از که خواهد شد لازم است بجرد ورود و رسیدن خود بمدت دو نفر سواران مطلع سازید و از ایام رخصت الی ال
بتمامی رسید ملحوظ دارید با کار اینجا که متعلق ذات ایشان است برهم شود مورخه بیست و ششم ذیقعده سنه ۱۲۷۶ هجری

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میر حسین نوشته بیست و هشتم ذیقعده سنه ۱۲۷۶ هجری
عزت و شفقت دستگاه میر حسین محفوظ باشند بعوض مرسله کاغذ مذکوره که ایشان مسعود ... صاحب کلان بهادر
جواب با برگذرانید به دستور رسید و دقیقه از اوقات برای عذر خواهی هیچ ملحوظ فرمانید
دالله ... که خواهد ... برند وقت

نقل رقعه جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام میان خیر الدین انصاری مورخه بیست و نهم ذیقعده سنه ۱۲۷۶ هجری
سعادت و نجابت پناه الطاف و امانت دستگاه میان خیر الدین انصاری محفوظ باشند ... بیست و ... و ... با شیر و کتبه دوم
و بار سیر الالحی کوچک و هم او لوبک و ... حلاوه و شیرینی فردا اعلام الصب ۶ مورخه ۲۹ شهر مذکور

نقل سواد جواب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قبا مورخه ۲۹ شهر ذیقعده سنه ۱۲ هجری

مرحمتنامه دال بر اطوار خیرخواه دیوان سکندر قبا موصوف بعد عرض مرسله کاشف مندرجه گردید

بعبارت محمد حسن ... سازید ... خبر گروی ... سالار بامر کار زبرک کرده بودیم اوشان مختفی شدند

الحال خبر ... گروی ... نیست و هم امروز گروی از ... بنویسد ... را اعلام باید

نقل سواد جواب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها موسوم ... مورخه ۲۶ شهر ذیقعده ۱۲ هجری

... ... خدمت ... سالار ... مطلع سازید

امروز استقبال ... ... نخواهد ... داد ... ... آید موافق دستور ... اطلاع خواهد

نقل سواد جواب نواب سکندر بیگم صاحبه بنام امیر الدوله نواب امیر محمد خان ... مورخه ... ذی الحجه سنه ۱۲ هجری

جناب ... امیر الدوله نواب امیر محمد خان ... سالار دام الله ظلهم بعد تقدیم لوازم ...

که ... ... معروض ... ... کاشف ... گردید قبل

... از ... بر سر رسید ... ... از ... ... از دل ...

و ... نخواهد رفت اما از ... قضا و قدر ... بجز آنکه راه صبر اختیار ... چاره ... چنان ... صبر ... که

از ... ... ممکن نیست ... آن ... ... خدمت ... زیاده از

... ... که ... ... خواهند ... شود که ... ...

... اطلاع ... ... اطلاع ... اطلاع ...

... ... اطلاع ...

دعوت

۱۷

... ... ذی الحجه سنه ۱۲ هجری

نقل سواد جواب ... سکندر ... ... ذیحجه

... ...

... ...

... ... ذیحجه ... ...

... ... مردم ... ... همراه ... مسرور

... ...

و خود مر...

نقل ... جواب نواب سکندر بیگم صاحبه ... سوم ذیقعده سنه ۱۲ هجری ...

... ... ایام ... ...

... ...

... ... آتش ... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

... ...

تعزیت نامه

اما زمانیکه بر صدق و سداد اشفاق سامی و کمال توجه و عنایت گرامی و پرورش مربیانه قدیم و حفاظت بالغانه صمیم
نصفت پروری و حقوق سازی سرکار رفعت مدار که مثل اگر به مادر سرا با اقبال عدو حال هر آنکه بر حال و الدین مبذول
یافته امروز با هم نظر نیاز تری گذارم بانجام اطمینان تام می پندارم متفقا معذورم میباشد که در عالم انسانیت دردی
که بعمل میرسد و کاهشی که جان ز مجاهد میگدازد که با شفیق و دادرس خود نگوید و بدو او تیمار خاطر خسته و بیمار از وی نجوید فقط

نقل جواب سکندر بنام اسد علی خان مورخه سیوم شهر ذیحجه ۱۲۶۱ هجری جواب
اول ما موقوف برای اظهار حب داشتیم بر آب رفت از انجا که صفای
یکدیگر بنا بر صحبت ذوات صاحب بهادر میخواستیم ذالحال از صدور امر
ناگزیر تقدیر و مشیت ایزدی مجبوری سلیمان جبر قرآن خوانی علاجی باقی
نمانده درین صورت پس ماندگان این جهان را واجب است که
بصفای یکدیگر را امور معرضه خود سعی مشکور فرمایند

جواب سوم

الحمد لله که صفای دلم از الاحباب ازان تحقیق که برای قسم را گواه او در دید ثابت شد ...
که مخلص در حق خود از طرف الصاحبه مقدسه نوعی بدی دیده باشد پس شخصی از کسی یقینا بدی ندیده باشد در دلش
صفایش منصور است جواب چهارم فی الحقیقت مارا مالک و الصاحب را تابع پروردگار کرده لاکن
از حیثیت حیات نواب صاحب بهادر مغفور تا امروز هرچه الصاحب گوید و بکنید صاحب بیان پیش بشنود زبان خامه الکن و ...
این بدانند که پرتو تحریر حال الصاحب مطابق پرتو زبان صدور نشینی نزد الصاحب بهادر یافتیم فقط

نقل خط جواب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... سیادت ... پناه ...
چرا که دنیای غدار ناپایدار محل گذشتنی و گذاشتنی و ... بنده ... برگردی و انباشتنی بنای ...
دو ... قدر ... دلفهد ... از این جهان فانی بملک جاودانی شتافته داغ حسرت و الم بر دل ...

بهاد

بهاد و بوده ... که در این تام و تحسر ... و ... که از ... عموم و هموم ملتهب ... ایزد ...
شانه و این الم جانگاه صبر ... فرماید که ان الله مع الصابرین ... ان راه و به ... گوشه ریاضت و
صومعه گزین کعبه عبادت بنا بر انجاح مقاصد دینیه و دنیویه سرکار ... محب الدعوات مستدعی و برای ارتقاع
مدارج صوریه و معنویه حضور از جناب او تعالی مسئول باشند تا امور سرکار به ... اقامت ... و
... مذکور ... اند

نقل خط جواب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها ... محمد ...
خط ... ان ... در ...
...
ارض ... جهان ...
...
و ... اختصاص ...
...

... سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه ... ذی الحجه ۱۲۶۱ هجری ...
...
...

نقل ... بنام ...
...
...
...
...

سرجان ملکم صاحب بهادر و دیگر همه جنابان عالیشان این نواح به تعارف و تحریر سابق با جناب نواب [illegible] عنوان
بوده باب فرموده و جواب باضمن [illegible] و اطمینان و تسلی [illegible] قول اتحاد [illegible] در دفتر احتیاط و احکام [illegible]
دام اقباله موجود آنند از هر جا و ملی احکام شد بهمان [illegible] سررشته جناب فیض مآب خداوند نعمت نواب [illegible]
دام اقبالهما بوسیلت رای ب [illegible] الاعلای واقعه جناب عفران مآب نواب نظیر الدوله جنابکر محمد [illegible]
بهادر جناب مستطاب [illegible] القاب نواب [illegible] جنرال صاحب بهادر [illegible] عالیشان فتح [illegible] سرا [illegible]
نورتهه [illegible] بهادر و والامقام سرهای [illegible] الملک [illegible] بهادر [illegible] توجه سابق [illegible]
مقصود میدارند [illegible] جناب ممدوح [illegible] بواسطه [illegible] حکم [illegible]

نقل [illegible] جناب [illegible] سلمه [illegible] دام اقباله [illegible] مورخه [illegible] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰
[illegible] بعد سلام مالا [illegible] باید کرد
[illegible] پسر [illegible] و احمد محمد خان را از آمدن اینجا برای عذرخواهی می آمدند مانع شدید از [illegible]
و جواب [illegible] صاحب ممدوح طلبیده فرستیده [illegible] برادران [illegible] انگریزی [illegible]
برای عذرخواهی نیامدند [illegible] رسوائی و بدنامی ماست زیرا که رسم [illegible] عذرخواه
می آید بلکه [illegible] در خانه [illegible] برادرش نزد شما میروند [illegible] از
قوم [illegible] برای عذرخواهی نروند مدام [illegible] فقط

نقل [illegible] بهادر [illegible] دام اقباله [illegible] بتاریخ [illegible] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری [illegible]
[illegible] رسیده [illegible] بودند [illegible] بدرستی [illegible] بلکه در
[illegible] کابل [illegible] عذری [illegible] در حضور [illegible]
خاطر [illegible] در دل [illegible] عذری [illegible] نباید
و [illegible] استماع رسیده [illegible] اول [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] در دارالخلافه [illegible]
تحصیل از حضور [illegible] ان الله [illegible] در دارالخلافه [illegible]

در دل حکیم [illegible] کابل عذری [illegible] نارند فقط

نقل [illegible] جناب [illegible] سلمه [illegible] دام اقباله [illegible] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ [illegible]
[illegible] مقدمه [illegible] بعد
[illegible] در [illegible] مقصود [illegible] رفیع القدر [illegible] دو [illegible]
ایشان [illegible] تمام و جمع خاطر [illegible] را بالفرام رسانند فقط

نقل [illegible] الدین [illegible] مورخه [illegible] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری [illegible]
بعد سلام [illegible] شفقت [illegible] شخصی [illegible] مقدمه [illegible]

کیفیتش از القول او اعتذر کرملفوف رقیمه نیاز میرسد که بو مبر برای شفقت ارای خواهد شد دسکیه کلمات آید
جناب سرکار فیض آثار صدق وراز کید باک نیاز قند از سابو کار خود که از بیت شمایل بادی دلاو شد و اعتمادتماما
مید اشتند درستی انعقد مه کرده فرستادند وسبب بهبا حی جهت نام خو کجید نوشته بود بدرز لکاهم چنین رسانند
خو کجید ان جهت را لخره یو اسد علیخان رسانید دو از اسد علیخان بیان زبان خرابطه بنام دیوان نیوب سکه الله تبرستگاه
نوشته کاهم صدور کاخو بطلبید ومیخواست انو شد با معرفت کاهم چند طلبیده رسوخ جمع پیدا گند بکر الحمد الله
که او لی از کید او صلح کرد و جا اکنده بادی اتش برروی کارنا ورد و دیچ تمام مقدمه بر زبان وتجویز و امیز نش
منسی است دمنسی دور اسد علیخان ایلچی و دورق لیه اند اگر حاکم محکمه الحا کلام خفیه بولیسی مجهول الحال درینی گاه بد
کیفیت میزش وصلح بر کو نش بکرد الصلاح کما ینبغی منکشف گردد از تماشای چنین حال جناب سرکار فیض آثار
دام اقبالها بعید جان تنها میدارند اکنون محکمه الحا در بیجا بندار شریف تشریف آورده روبروی خود فیصله صفت
فرمایند امید از جواب باصواب بعد اطلاع بخدمت جناب حاکم الحا از مقدمه مرجوعه ارای فرمایند ارای اطمینان
تمام گردد و اگر جناب محدوح حاکم دنیند دیگر اضار ها که دکلای دراین سر کار وسرکار زر کی میفر ستند بمدت
گلکمنفیر رسانه باشیم د نصیب خدا احتیاط خبط گفتگو هم نمی آید سر چه نقش ارزده میدارند دمنشی منگو باشد
ومنشی بوضعی که درست خواهد میگویید و دیگر شنیده شد در محکمه حسبما الالله ماتحت منعفور اوری المحکمه شدند
ودکان بیز قمولی لزخت و بعضی میگویید که حاکم مدتی بنده ند نوکری جناب رسیده موقوف حت و حالات گوایف اگرچه
کمال مسعدست اما هیچ ند تحریر اسرار وقف نیست و نه از حسب سو تحریر زبانی بادی فرمایند حسب الحکم نوشته شده

دعوی ترکی

نقل ترجمه خط ملک سنده سودکس تمام ماه رسیدی سوند ایلار تولید ابرسم ذیحجه ۱۲ الله خرد مرگ دکیند

تا بلیسر بدری بارسس سمت ۱۹۰۱ الله بدر جیالار رسیدی ایلار اندور ابتدی
لیو بهار سه لکتلم سنده سودکس لکمای خدمت نلس بنجیا ابرنح الله بدر بوارت سلاطین
یک حکومتیندن روایت بو بهار نام مدیر یو حاجی اورکسی دخل یو ار حکومت
آخریع نهای اکثرا لمواقفی معلوم ایسه صدور تسون کراددگی ایله ولدیغی
ادویه سواکی لکلد اکثری لوازم لکلد یک بهار ایله گودیلو تکی سمت ۱۹۰ ابتی
منکسر بدر بارسس

دستخط سود رکس سرویاکا للا
مواقفی دیوانکی ومحدد نرادم کی

دستخط لکلی صدر کا لکلد
مواقفی دیونکی

دعوی ترکی

۱۹۰ بحیان

نقل ترجمه خط مدار سنده سودکس لکلمای صدر اسر بو سنده بولیه ایسم ذیحجه ۱۲ سنه مطالب بیدر بارسس
الله بری نیسه حد شبلا لرتیب علی الدور ابتدای لیو بهار سون لکلتم سنده سودکس لکلمای صدر یک
سلام بنجیا ایرنح الله بدر رسیدی یک ایلار الله بدر بوار سلاطین بهادر ایرک لمک
رابت اوبهار نام مدیر کراد یو گا اورکسی دخل بوار حکومت آن یک الدی تو گا
اسس مواقفی مدد یک صدور تسون کراددگی حسونت ادویه مجتهد زار اکثری بنجیا زار لکند بولندیکی
دیوانکی سمت ۱۹۰ انده نکر بدر بارس

دستخط سنده رکس لکلد مواقفی
دیونکی دستخط سرادم کا

دستخط لکلمای صدر کا لکلد
مواقفی دیونکی

نقل پروانه ... که در ... جمادی الثانی

نقل پروانه نوابات ... سرکار ... اجبار ... تمام ... کلکی ... بولت ... تحریر

اخلاص شعار ... و ... چند و ... باشند بیشتر چند ... کار

سرکار بر ایشان مفوض ... داده اند ... سبب ... حال ... خاطر

عاطر ... نمایند ... حکم که ... ولایت ... نام ... انقدر ... ایشان

در قطعه ... خدمات ... به تواتر ... نحوی ... نام ... رسید

و قطع ... [illegible] ... بیگار ... مدفوع ...

جمله ... بنویسند ... نوشته ... و ... بیگار اندور

حکومت ... در اخلت غیری ... جمع القدر ... نام ... که ...

... خواهد ... جمله ... بیگار ...

خواهیم ... مادامی ... ایشان ... قبول کنند ... بیگار اندور

حتی ایشان ... حکومت ... در اخلت غیری ... دفع

ما ... بیگار اندور ... جمله ... اکثر ...

دیگر ... ایشان ... داخل خواهیم نمود فقط

اول ... تنخواه ... ۱۲ ... قد ...

... دو قطعه ... چند ... موخند ...

91

سامعوان اند در ... رساله ... دولت ... بحر ... دیگر ... اول

... رسانید ... دارای ذات ... دارید و اگر در ... این سامعوان که ... خدمت

... باشد ... فرمایند ... خود ... را ... رسانید تا الحال

نوبت بالفعل ... رسید ... کاغذ ... دریا ... از ... بعضی

وی رسید ... مشکور ... الحال ... معهود ... جناب

... در الحال ... ملاحظه امتحان ... اورد ... کامل ... نامه ... معتمد

... سرکار ... صاف ... جواب رقایم ... مرقوم فرمایند تا اطلاع تمام ... داده جناب

آقای نامدار ... آن بود ... فقیر ... خیر الدین ... باختیار کار ... بوده

... بیگار ... ایالت ... اما ... علیحده ... حقیقت در

... هر کس ... خبر ... بشود لهذا فرستادن مصلحت ... نوشته ... کلا ...

حقیقتا معتمد کامل و ... الحال ... و مجهول الحال بود فرستادند ... اورد

... معتمد علیه ... بعد ... مراجعت ... جلد

... رساله خواهد ... خواهد اورد و ... بوده ... فرمایند

در ... ربط کرده ... فقط

نقل نقته کوکیم چند جیو بوره وجزالدین واقع بیست ششم ذیحجه سنه ۱۲۰۹ ہجری بتاریخ
مذکور بحلایکر باد رفتم از کہم چند جیو ملاقات کردم وپرسیدم که چتہی مرسله بیاجی
نزد شما رسید جواب داد که نزدم نرسید کفتم بدست معتمد سرکاری فرستاده
است وبدست خوب چند کماسته دوکان شمان بتاکید اکید سپرده است
که زود وشتاب نزد کہم چند برساید خوب چند اقرار کرد که جلد برسانم یلک
یک ادم را روبروی معتمد مذکور سپرده وگفت که جلد نزد کہم چند جیو
برساید بعد آن کفتم که اگر دراین کفتکو چیزی شک باشد مقابله
معتمد ومذکور وخوب چند کنانیده اید بعد آن کہم چند جیو کفت
که ملاقات من از بیاجی کردید وگفتگوی طی شد پرسیدم که چه گفتگوی
بود بحسن گفتگوی مقدمه کرد بعد آن کفتم که بوره جیو مقدمه بسیار
نازک است احتیاطی باید جواب داد که خاطرجمع دارید از من
افشای راز نخواهد شد کفتم که روبروی من قسم نماید ما شاء الله
روی بوی گنگا نمود قسم خورد وضمانت خدا ایمان اورد بعد آن
شروع گفتگوی مطلب کردم جواب داد که چندی توقف نماید کفتم
که جای توقف نیست جلدی بکار است جواب داد که خاطرداری

ودلجمعی بیاجیو کردام وباز برای تحتلگی سکه لعل چیوی بذات خود نزد
نزد بیاجیی رفته اند همین که بعرصه دو چهار روزی ایند چتہی بنام بیاجیی
نوشته میدهم جواب دادم که عرصه چهار روز بسیار است چندی عرصه
مناسب نیست بعد آن کہم چند جیو تذکره هرکسن گماسته کوپال من
نمود که از من میگفت که ایشان یکصد الف یعنی لکه روپیه میدهم
جواب دادم که ما شاء الله مرسله اتایم نیست بوره جیو بتکرار کفتم که نمود داد
فرستاده امده بود باز کفتم که از اتای خود پرسیده جواب خواهم
بعد آن کہم چند جیو کفتند که نوشته دو لکه روپیه از طرف سرکار خود
در رقعه یک لکه روپیه بنام بیاجیو از هرکسن نوسانیده سپرد من بکنید
بعد آن چتہی تحتلگی بنام بیاجیی نوشته حواله شما خواهم کرد برای طی
کرده وقسم واقعه کرفته رخصت شدم وبوقت رخصت باز
کفتم کہم چند قسم خورده تقسیم کردید فقط واقع بیست ششم ذیحجه سنه ۱۲۰۹ ہجری
موه دست اوبر دو لکه روپیه مدی سرکار دولت از یک لکه روپیه
ساهو کار دیکر کرفته از کہم چند ملاقات کردم طلب چتہی

نمودم پرسید که رقعه سیه کو پال من نزد شما است جواب دادم که برکستد
گماشته کوپال من نزد اوست اهم معتبر نیست رقعه دیگر ساهوکار میدهم
کهم چند چیو گفت که در عرصه چهار روز خواهم نوشت پرسیدم که درانی
چه حکمت است جواب داد که من غریب ادم هستم سکه لعل چیو
در عرصه قریب از اندور میرسند روز یک خواهند رسید نوشته
خواهم داد بار اصرار کردم و گفتم که شما پیرار روز از من وعده کرده
بود که بوقت اوردن نوشته سرکاری و رقعه ساهوکاری نوشته
خواهم داد الحال این سخن است جواب داد که نواب اسد علی خان
گماشته اظهار این مقدمه نموده است گفتم تعجب است
که بوهره چیو پیر وه رنجیدن از قیام این اقرار یافته بود که ازه کان
مایان کسی پاکسی ظاهر نکرده است الحال این معامله شد معلوم کردید
که کردن این کار الحال را منظور نیست گاهی حیله سکه لعل چیو
می شود و گاهی فقط حیله بهانه باز گفت که خیر هر چه پروردگار را
منظور خواهد شد خواهد بود شما اول رقعه ساهوکاری

بنام بیا پچو نوشته سرکار بنام من بیارید فوالنوشته سرکاری
پیش کردم و برای اوردن رقعه کان سیود پس سیه برخاستم
کهم چند چیو گفت تا فردا پس فردا بیارید گفتم در چنین کار فردا پس فردا
فردا را چه کار الحال می ارم کهم چند چیو گفت که فردا ~~پس فردا بیارید~~
کهنو بدست رستم خان نزد من بفرستید و شما نباید بار گفتم
که بدست رستم خان چیو نخواهم فرستاد بموجب حکم اقای خود
~~...~~ خود خواهم داد باز رستم خان چیو گرفتند باز اداء کردم که شما
مناسب نیست دست او نیز در رقعه گرفته چیزی بدست ادم خود
نزد بیا پچو خواهم فرستاد بار جواب دادم که چیزی شمان ادم معتمد
سرکار خواهد برد کهم چند چیو که رستم خان چیو را نزد شما اعتبار نیست
ما گفتیم که اعتبار بسیار است لیکن کار حسب الایمای سرکار کرده می شود
چنانکه از من مرقوم است تحقیق ان گفتگو میسازم باز کهم چند چیو همین
گفت تکرار مکرر سکرر مارا اسه گردید گفتم که همین ... همین مارا در این
شک می اید ماشاء الله قسم گنگا پچو و جانت خود درمیان اورد

گفتم فردا از سرکار اطلاع این گفتگو کرده جوابی خواهیم فرستاد یا خود خواهم آمد

نقل خط سکندر بنام لکیمن جند جگت سنه لطافت باشید مورخه یازدهم شهر ذیحجه ۱۲۶۱ هجری معامله شناس حقوقیت دستگاه سنه لکیمن جند لیاقت باشید اکثر زبانی ساهوکاران و مهاجنان بعز لقا الشان بسمع حضور رسیده از انجا که قاعده است که سرداران اینجو کس که تعریف آن مشهور باشد متوجه حال آن میشوند بنا غلط توقع میرود که اگر دکان شما در بهوپال باشد مناسب و بهتر است و ادم خوب را هر یک سرداری خواهد که در شهر ما باشد فقط

نقل خط سکندر بنام قاری صاحب مورخه یازدهم شهر ذیحجه ۱۲۶۱ هجری قاری صاحب حامل کلام الهی مجمع کمال نامتناهی بر بر سنه منجابت سالک مسالک شریعت سلمه الله تعالی بعد سلام والا اسلام مشهور خاطر بار صورت اینست که واقعه بیست و ششم شهر ذیقعد ۱۲۶۱ هجری نواب جهانگیر محمد خان بهادر علت سال انتقال نمودند و این جانب تا حال مقیم بهوپال ماجی صاحبه مرحومه است و صاحب کلان بهادر در جهانگیر آباد قیام پذیر همدرین صورت دعوی ترقی کونین بدرگاه الهی به سبب اینجانب طالب دارند زیرا که دعای بزرگان بدرجه اجابت میرسد

کاش اگر ارشادی دختر فراغت یافته باشند خود را در اینجا بر سانند آنچه که مقرر بود رسیده خواهد ماند و در صورت بر آمدن مقصود دلی ما زیاده از آن بهتری خود تصور نمایند فقط

نقل خط بنام سکندر مورخه یازدهم شهر ذیحجه ۱۲۶۱ هجری خان صاحب شفیق مهربان کرم فرمای مخلصان میان محمد عثمان خان صاحب سلمه الرحیم بعد سلام سنت اسلام مشهود باد در اینولا واقعه تاریخ بیست و ششم شهر ذیقعد ۱۲۶۱ هجری نواب رحلت نمودند سوی عالم بقا بر بست یقین است که این خبر وحشت اثر زبانی اخبار خان مهربان نیز شنیده باشند و مشهور قیام مایه باد دلی که ما بین رابطه اسلام نگرانست واقع و گفتگو از صاحب کلان بهادر که در بهوپال در این ولا قیام دارند در پیش و جمیع کاربار ریاست نواب اسدعلی خان از حکم صاحب کلان بهادر می نمایند الا تا بودن تحمیه و قصه بایع کاربار کردنش معلوم میشود فقط

نقل مهر جنت لوای سکندر شکوه صاحب دام اقباله باسمی نند رام سیته مورخه دوازدهم ذی الحجه [illegible]

عزت آثار سیته نند رام [illegible] باشند لازم که آدم را که [illegible] جهت استطلاب زر تنخواه نزد آن

عزت آثار برسد ماه بماه بدهند و توقف نفرمایند [illegible] دفتر [illegible] داده خواهند شد

نقل مهر جهانت لوای سکندر شکوه صاحب دام اقباله باسمی میر حسین مرتضی [illegible] دوازدهم شهر ذی الحجه ١٢ [illegible]

عزت [illegible] میر حسین [illegible] باشند [illegible] بخدمت صاحب [illegible] بازار [illegible]

مادولت سلامت گفته جهان [illegible] باید [illegible] در سرکار [illegible] نگم که دید

[illegible] غلام حسین خان [illegible] بخدمت صاحب کلان بهادر [illegible] حید [illegible]

[illegible] ملاقات شان [illegible] زند و فقط

نقل سفه جنات مآب سکندر شکوه صاحب دام اقباله [illegible] ١٤ ذی الحجه ٦ سنه ١٢ هجری قدسی

[illegible] ٢٠ ذی القعده سنه ١٢ [illegible] واقعه [illegible] والی [illegible]

جهانگیر محمد خان بهادر [illegible]

[illegible]

[illegible] بهادر [illegible]

[illegible] فقط

نقل [illegible] جنات مآب سکندر شکوه صاحب دام اقباله [illegible] ١٤ ذی الحجه ٦ سنه ١٢ هجری قدسی

عزت [illegible] سلام [illegible] اخلاص [illegible]

[illegible] مرحوم [illegible] ١٤ [illegible]

اهل [illegible] جنات مآب سکندر شکوه صاحب دام اقباله [illegible] میر حسین [illegible] ١٤ ذی الحجه ٦ سنه ١٢ هجری قدسی

عزت [illegible] میر حسین [illegible] بخدمت [illegible] احوال [illegible] سلام [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] غلام حسین خان [illegible]

[illegible] الملک [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] بسیار بسیار سلام [illegible] صاحبان [illegible] فقط

[illegible] محمد خان [illegible] میان [illegible] محمد خان [illegible] میان امیر الدوله امیر محمد خان [illegible] میر محمد خان [illegible]

[illegible] ٦ سنه [illegible] هجری قدسی

[illegible] بادشاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] محمد خان بهادر

[illegible] جهان [illegible]

هر پیرا عفو عاقبت وسینه بمهر نور ز بعد وفات جگر بند شاهجهان بیگم را اطال الله عمرها که مکیه ایام سروری آن نیاز و نعم رسیده بود بخلعت یتیمی آراسته
و هنوز ایام ماتم فقدان سایه جنت آرام حضور پر نور والد ماجدم طاب الله ثراه که علاقه افتخار و عزت در رفع رنج و حوادث زمان را حصن
بود و بند و لیس بآن دیرد و مقام لازم یاد نمیشان جای مکافات از دل نیاز از منزل روز بکی تا آورده بودم یتیمی نور العین و الارض
روزگار ربخته باعتبار تیره و تار مخفی از سایه پرورش درین دولت سرکار شفقت آثار گشته ز گریه بسیار در ماتم آن سایه
و دلیل بلاهای عاطفت و گوشه مرحمت عزت و دار الافادات که وارث این بی وارث و مستمند و
درمان بخش درد و ریش دل و مشتد زند متوقع بمهر و بالخصوص مرصع در روزگار مواظب و دوچار بود بحال لعورتی با آن ارث بعد
بهمت والا بمهت و الد ماجدم که در امور سرکار عالیه و مداردار درین صدق نفس عهد برورد و کرم کستر حقوق بیکس
عدل اساس بجا القسنایه جزیله رسوخ خلوص و الجاءت و خیرخواهی تحقق کرده این عاجزه را در دامن دولتش
باطمینانیه نگذاشت که تا عهد امهال عهد و بیکس بکاید بدبخوریهای انشاء الحنت آرام را نیخالی بخورانید بود دو کمال
کامل که از این سرکار دولتمدار در هر حال پرسش حکم مرحمتهای این مندول بدرجا مدارم بود خورانید رسید و چه با
ازینک یتیمه خرام استیش طمانیت و نیتا خورانید دیدید خونکه این واقعه جانگداز شور و در دل در زمان طلب و
جلوه داد و وز وقایت کدر دین حضور بعض محمور که حقیقتا ملجا و مامن عاجزه و ادار و پدر و دختر بوده اند
بعد مروض بمقصد از دمتعال وقار رفو المقال که جامه سبز بهار انجاح و انتشار مرام ایام معروف فرموده آب
طلب طلبت را ریخت و مرحمت عالیه را بالای سرا در کشان منعقد مخلد و ممدود گردانید

نقل خط بقلم جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مسترهانس بریزنت بابت ماسترگورنر سکریتری گورنمنت بارلاتماداند بهادر
مورخه سیوم شهر ذی الحجه تاریخ ١٢٧٦ تقریبا صحبت شیخ مهربان کرم فرمای نیاز مندان سلمه الله بعداد ادای مراسم تعظیم و دیدار
خلوص و مندرج سنجیه صافی منشان ارادت آگین ارث بمدعای بر در دوازدهکه فقط و قدر بست الناس
خاکی بنیاد زا آب فنا سرشته و وجود بر بود و بعد با تعدم مقدر لسته هر مخلوق را این دار بیدار رلد نشینی دلگداز بنیاد

و هر ممکن را در این ممالکات روی ممات بر سر افند از آنیکه انکال عمر را برید و حسن تن را لسیرزاده در عالم
سبب ریزد و منزل آخرت گردید چندان حسرت دلکشن تدارانست و کسیکه زاهل مرادعمر و حیات سرمایه
بنده رفته و دولت حیات بعد لفقیه فانی ز روح سبزه دبه نمایانست تا که در دل و اشکان تمامت
خصوص این در دمند را ز روزیکه روزگارم تو دسته سر بر آورد و در زمان رستاخیز به برورشش محو بود
بجالی فاری تا قدرش زاله از آن شفق کسب معبد رانند ز سر اقصر زیبا و درون نیز وحصول هم جنال
واقعه جانگداز بر سرم رسید که تمام عمر جهات عزت ممات گردید یعنی نهم دسمبر ١٨٤٢ عیسوی و شب ششم ذیقعده
١٢٦٥ هجری قدسی نواب خلد آشیان نواب نظیر الدوله جناب نظر محمد خان بهادر زا راه پگاه گذران بعالم بقا و دوران حلیت
فرمودند و نور العین والدین شاهجهان بیگم را اطال الله عمرها بخلعت یتیمی نور جنت سرای از کسینم با دکار
گذاشتند آه از پای ما زو منش کنار پدر بر درش فرخنده منحرفت از مسکت آن دیده حسرتش روان
گردید و بجای وی زنی والد گردید بالای ناصیه امیس تما مان باین بیتمکش که در عالم سوگ کشته سایه روز
تیر و حسرت و ناله و زاری شمار بیتمت کند اعداد آن هر غم روزگار عظمت قطره این زمان
عاجزه را مکوشه حرمان انداخت و چه بلاها که بر سرم از خنیده برس و حواس که بسیار انشا مذبذب اما اتفق
عالی ارثست که والد ماجدم برای زمین روز محنت زده و زمین یادگار را در سایه دامن دولت سرکار
عطوفت شعار و داد رس و عهد برور بمکتب دیگر بیادرد و ام عنایه گشته در کلیس و خدمت مجرد دمی ز سلک عهد
آسوده منزل گزین جنت الماوا شدند اگر این مصیبت بایه سایه بختی لستی سر بیانه است از روزگار
دو دعاب در حق عاجزه و دختر دستگیریها و درمانی دل خسته مع نمودار بر روی محبتان زندگی
دشوار بود خونکه اتفاق و دوست مجسته صفات بهجو الطاف پدر جایگاه عهد و دل حال گشته بال خود ما نعم
زین تازه حادثه جانکاه ننوشته که ما ندیدیم نرم بالای ستم زحقیقت و دستور منار مندانه گذارش و مطلع

کدام که بحر درت آثوالاوصاف علیح این حادثه جانکاه که بیرون از بنیان است کما حقه از عهده شرح حقایق مجال

بیو زیاده جه برطراز د وحفظ

نواب ... [illegible] ... ایشان ... رسیده‌اند در شهر ... ۹

حضرت مشفق مهربان کرم فرمای ... بعد ... اظهار ... ارادت و خلوص که ... منظور ...

بیان ... است مکشوف خاطر ... عالم کون و فساد ... ایشان

امریست از امور کار کذران قضا و قدر ... وجود ... مقام عدم ... کارین

او ... کدام ... در این دریای ... حباب ... بنیاد ده که ... فنا نکردید و کدام

... فرزند اجل ... الحمد

... گشت ... ماند کان ... و

... کمال ... رسیده ... الزوال ... از جهان ...

... بالای سرو السکان ... حضور ...

از دل ... دشمنان ... که

... ۱۲۸۱ ... حاجی محمد خان ... الاحزان ...

... اعلی حضرت شاهنشاه ... ظل الله

... از ... نامراد روزگار ... و

سرور و افتخار ... حسرت از دیده ... غبار سینه ... از ... گردید ...

... جهان سیاه روز ... در سایه ... دولت ...

... و قرار ... عهد و میثاق ... و نفاق ...

... بروح ... مخالفین ... اما ... ایشان

از نکاید

از نکاید ... که ... در ... انداخته ... دست ... حد ... برسر باد

ربابت اول ... بودند ... از ... رسیدیم ... و بیابس

... بعد العادات که با همه رنج و ماتم و ... حقیقی ... از

مشفقانه ... سوگوار ... بدون اجازت

و اعلام ... مشفق و مهربان ... ایل ... حال ...

... و ... کلام ... العلیه ... قرآن ... تحسینه ...

که از ... حقیقی ... واقعه ... و ... نوشته ...

... دستور ... ده شد ... از ... برادر ... کلم

گذارنده زیاده جه برطراز د

نواب ... بادامی ... شوال ... ذی الحجه ... ۹ ۱۲

حضرت مشفق مهربان کرم فرمای ... ایشان ... مخصوص ... است

مکشوف خاطر ... اطلاع ... واقعه ... و ...

اتحاد ... ارادت ... امید از ... که ...

... کلمات ... و ... ارکان

... بحر درت والاصفات ... عالم ... و وسیله ... مخصوص ... قاب ...

... از ... که ... نفاق ... و ...

... از آن ... حقیقی ... یافت تمام عمر ... احسان ... ماند

زیاده جه برطراز د وحفظ

نقل تعویذ مرسله نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مولوی عبدالهی حکیم علاج حسین خان صاحب مورخه ۲۳ ربیع الاول سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه تحریر یافت بالرحمان المحمد خان

بدار ازید او را فریب بیگم نیست بنام زائر بند دعا و ایل در بنش ایت کاینه و این بکه بدید بدین سوال از این داغ بکوان از طرف نواب سکندر صاحبه و قدسیه نیز بنام جمال محمد خان ناصر

شد بدار ابد که نسکام بند این نواب منیر محمد خان حیدر خان فساد که اند و نا منور از ما بای ملکه بیم بکه بند با و جمعه چند بین و چو ها ی قال محمد لیست علیکم که باید کریم از بر است و

صدور اطمینانی حالی دختر و میان محمد خان نحو در صلاح احسن صاحب الد از شهر پوپال بیستم بود و حکم قیام در ناگوده بیست لیک از معاش مقرره بما خان و اداید

شهر پوپال بالکل مناسب بود دیگر بیگم حیرت حال بیاید از محمد خان مرحوم ایستاده بار دیگر از شهر بدر از بیک بدر و بعد باید بوده بر همه معلوم نیست از خاندان

الیماعی عمد و زین بایست نمکرای شد ابده خبرت در خاندان فالی لیست توهان محمد خان

نقل مراسله جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام دیوان سکندر قلی مورخه بیست و چهارم [۲۴] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

برخوردار سعادت اطوار خیر خواه دولت دیوان سکندر قلی فیت بالقابه باشند بعد از دعای خیر ما بحمد ا مسرف ملاحظه ارادت

و عقاید نیاز منش مرتب خاطر عاطر گشت لازم از ما باید وقت بتسلیم و اطمینان شایسته کاغذ را

گذرانیدگی در سرکار منیر اید از وی گرفته بملاحظه خاص در آرید و از بیم سوظن بت اد کنید فقط

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام پیر محمد حبیب احمد صاحب مورخه بیست و پنجم [۲۵] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

پیر صاحب فضیلت و شریعت پناه طریقت و کمالات دستگاه پیر محمد حبیب احمد سلمه الله تعالی بعد سلام مسنون مشهود ضمیر معارف تنویر

باد دو نامه مرسله کاشف مندرجه شد از تمام عافیت اطمینان داد سکالیت که بعد بتر رسیدن حوادث جانگاه است

رفت فی الواقع هجوم افکار دشوار لاحقه زبان اصلش در مکتوب رسید پس تو نگارید معذور داشت و الا گنجایش

شکوه کاهی نمی بود و ستایه لادعیه ماثوره ست سینه را اوراد شد حقیقتا دولت سعادت بنیر دال و سرمایه اقبال

عدو مال ست ملاحظه گذشتند و الله الملتمس حسب الاعلام و قتی صبح و شام خواهیم بود تحبیب الدعوات مستجاب قربات

و اثری بخشید و آنکه مرقوم بود از شدت امراض خود شامنم مانع بیمراه آوردن قبایلت بذاته شتاقی اراده دارم

و طلبیدگی بتدبیر سواری و بدرقه بعد شنیدن صحت حریفه موصوفه باید همراه خود اوردن قبایلت و غیره

۹۸

با ماوقات موعود بود و در نهایه ایام حصص معهوده هنوز باقی ست از اینجا طلبت صاحب بعهدیست بان الرجوع نیز ابره

انید بمال خود بی ماست بار تدبیر سواری و بدرقه مضایقه نخواهد بود الا در اینجا رسیده باز رفتن صاحب سوی وطن سبب

تلف تعلیم نور العین شاهجهان بیگم ممکن نیست و ابدا نه از فرزند امری نیست و دختر نیک اختر را دعای خیر دارین و سلام مسنون از

کنیز امام رحمان شاهجهان ادات و تسلیم و قطعه فرمان شتر رسله طالب اصلاح فخیم نقل خط صدر الامر باکم

نسبه صاحب سعی ممکن عمل سعه کیم خدمی بدرت بعد رتبه و ملاقات از الانفراد بشارع

محبت همی یار نامه محفظ از حیره وصلها امروف بدیدار شریف آن انبساط و اطمینان گوید

چو نکه مرحوم لیس نو بکلاد انا ریاد ارکون فحقه بدا بوره جی کلا ابجا بالید بجای موصوف

رسیدن و بدرشی معقلم بر دختر ارحام الملنی الکامی و سم یا ... الی اسرطا نیت تعمیرکه گوه خود

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام مولوی محمد نواز مورخه بیست و ششم [۲۶] ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری قدسیه

شریعت پناه فضیلت دستگاه مولوی محمد نواز محفوظ باشند بعد عرض مرسله چهارم ذی الحجه کاشف مندرجه از انجا الحکم حاکم قدیر

و مقتضای قضا و تقدیر بیست و نهم [۲۹] ذیقعده نواب نظیر الدوله جهانگیر محمد خان بهادر جهان گذران را بدرود نموده دلهای

متعلقان و دوالستگان سوگواران اند موقع نمانده الحزن باید زبور دو شجه پرداخته بلکه مصایب اینتر که زینت سازم

خصوص در این ایام ماتم الکام اکثر صرف کشیر جا بجا احتیاد عسلاوه هجوم افکار متنوعه و غموم الیم بخاطر رخت اقامت گرفته

ایام حلول الشدت اکنه بادقات مختصه بدعا مشکی دافع بلاهای مهلک است مصروف و مشغول بوده مقصود و مراد

مکنون خاطر فاتر را از درگاه دولت محقق الدعوات مسئلت نمایند فقط

نقل خط صدر الطه ...

نقل نوشته جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه بیست و نهم ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

بهتر دوستی ... شاه ... و ... خان ... علاقه محذوم خان قندهار ... باشد از مضمون خط ... دیار ...

... نظام ... شاه میان خیر الدین ... رسیده ... حال ... بابت روپیه چهارده ...

سکه ... رسیده ... اقدس شاه ... خود ... رسید ...

حال خاطر ... مسرور ... و ... خیر اندیشی ... تحسین ... شاد ...

... و ماموره ... کار ... احوال ...

نقل خط جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه ... ذی الحجه ۱۲۶۰

... مهربان کرم فرمای مخلصان سلمه الله تعالی ... خلوص ... مقاصد ...

... خاطر ... واقعه ... رحلت ...

... صاحب مهربان ... تفقد ... خاطر ... می نماید

... جهان ... آن ... می ... تصور ...

... یاد ... کاتب ... صورت ...

چندان ... الحال ... از ...

... تسلیم و ... چاره ... صبر و سکوت ...

... خیر ... مشفق ... صاحب ... عفو ...

... خالق ... رضا ...

... و ... مسلک ... فرزند ... کنند

۹۹

عمر و صحت ... نعم ... عطا فرماید و خصوص ... شکر ... عطایا

... ورود ... وظیفه ... نماید زیاده جز ... طرز ... توفیق ...

نقل نوشته جناب نواب سکندر بیگم صاحبه دام اقبالها بنام ... مورخه ... ذی الحجه سنه ۱۲۶۰ هجری قدسی

... مرحوم ... میرسد ... الدین

... شاه فتح جنگ ... ذی الحجه سنه ۱۲۶۰

... ۶۱ ...

... یک لکه ...

اسم نویسی نلکتر ماہ ١٠ ہندی

اسعلی بہرلی بکھی ٹکا روہیتی

مرگسر سرع بلاشتی ادرا بہو بدیس بہوگہ

اسلکہا مگھا بہوریا اورتا ١١ انجام بارش

ہریت چیترا سوانت بسلماکہا

المولادیکا چیتسا مول بہوربا اسارھ

اورتا اسارط سدمن دہنیا ست بہکا بہورایا بہادریہ

فقط
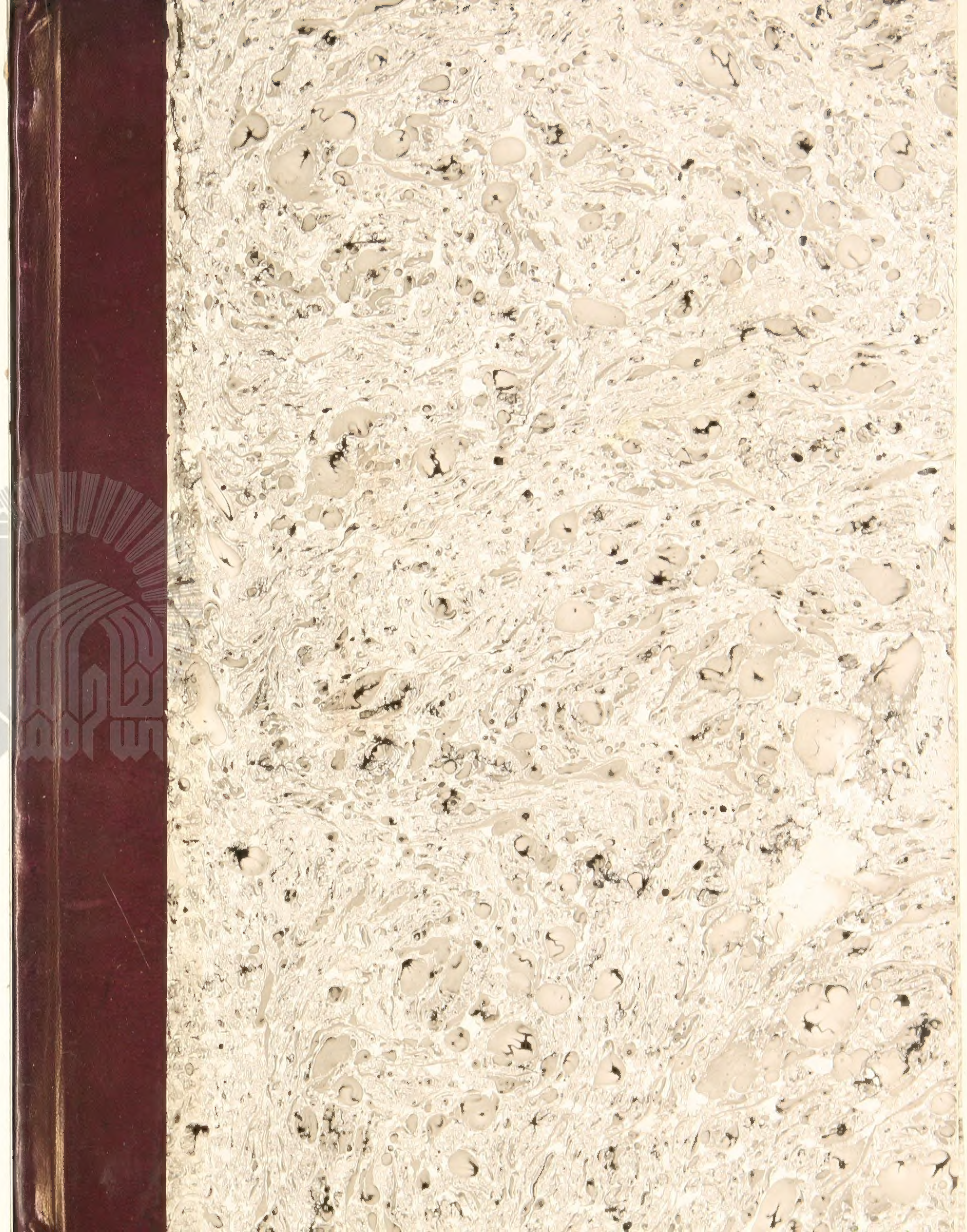
ساجی